

وضع رنگ روی جلد
رنگ لوح محفوظ است
کتاب بسیار رازها
دل همیشه محفوظ است

شرح و تفسیر
لوح محفوظ

تالیف سید ابوالحسن جافطیان

چاپ هفتم



١ - الإمام علي بن أبي طالب :
 قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تَفِيرُ ابْنِي
 فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (٣) :
 تَعَلُّوا تَفْسِيرَ ابْنِي فَإِنَّ فِيهِ الْأَعَاجِيبَ كُلَّهَا ،
 وَنَيْلَ الْعَالِمِ جَهْلَ تَفْسِيرِهِ ...

٢ - الإمام التتجاد (٤) :
 لَكَ يَا إِلَهِي وَحْدَانِيَّةُ الْعَدَدِ ،
 وَمَلَكَةُ الْقُدْرَةِ الصَّمَدِ .

١ - خصال صدوق ٣٣١/١ واملی صدوق ٢٨٢

٢ - صحیفه سجادیة دعای ٢٨ بند ١٠



سَلَامٌ عَلَىٰ آلِهِ
وَسَلَامٌ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

مقدمه

از انسانهای ممتاز و بسیار کم مانند روزگار ما مرحوم آقای حاج سید ابوالحسن حافظیان
 مشهدی است. وی در مشهد در خاندان سیادت و تقوی، دیده و به جهان گشود.
 در آغاز تحصیل به فرا گرفتن ادبیات و ریاضی و طب قدیم و نجوم و هیئت و فقه و اخلاق
 پرداخت، لیکن بزودی وارد ریاضت و تحصیل علوم غریبه گشت، و از برخی استادان
 بزرگ بهره مند گردید.

مرحوم حافظیان، در حوزه مشهد، با کسانی چند دست گشت، از جمله مرحوم حاج
 شیخ محبتی قزوینی. و همین دست بود که با ذکر مقامات و کرامات و علوم سید موسی -
 زرابادی، وی را متوجه آن عالم حاصل و مرئی کامل کرد. و همین چگونگی باعث گردید تا
 آقای حافظیان به دلالت و سرراهی حاج شیخ محبتی قزوینی به قزوین مسافرت کند، و
 به محضر حضرت سید نیز برسد و به کسب مسائل و مراحل بس مهمتر از آنچه تا آن هنگام بدان
 رسیده بود نایل آید.

مرحوم آقای حافظیان از ریاضت کشان بزرگ و معتدبه سلوک شرعی بودند،
 سالها در یکی از حجره های فوقانی صحن عتیق رضوی (صحن انقلاب)، حجره های دوه
 قبله در سمت شمال شرقی، به عبادات در ریاضات اشتغال ورزیده بودند. وی از بزرگان
 اهل نفس و دعا، و استاد مسلم علوم غریبه بود. از آثار ایشان، یکی «لوح محفوظ»
 است و دیگری کتابی در شرح آن و نیز لوح «جنت الاسماء»، که گمان نمی رود کسی
 تاکنون این لوح را به این صحت و کمال و زیبای نوشتی باشد. در باره رزموز علمی
 خواص روحانی این الواح باید در جای خود سخن گفته آید.

مرحوم آقا، به خویش یکی از دوستان شرجی بسیار کوتاه در باره زندگی خویش - با قلمی ساده و صمیمی -
مرقوم داشته است. بدینست بخشی از آن نوشته را در اینجا یادرم (با تفسیری اندک) :

سید ابوالحسن حافظیان در سال ۱۳۳۲ هجری قمری در مشهد مقدس پیدا شد. قبل از بلوغ
به مقدمات صرف و نحو، ریاضی، طب، نجوم، هیئت، فقه و اخلاق نزد اساتید مشغول گردید. آن
دیدن بعضی اعمال از پدر به ریاضت و عملیات (ریاضی) شوق وافر می پیدا نمود. به سفارش پدر
حاج شیخ صفعی اصفهانی - طالب شرافه - او را بشاگرد می نمود. به ریاضات، قبول فرمود. مرتب روزی
برای تحصیل علم در « مدرسه میرزا جعفر » (در ضلع شرقی صحن عتیق رضوی صحن انقلاب)، و شبها
در حجره فوقانی صحن عتیق، جنب ایوان عباسی، مقابل « بقعه مظفره » به عبادات و ریاضات اشتغال
داشت بتدریج شهرت تامی در بین خواص و عوام پیدا کرد. از دعوات و عملیات روحانی
ادعوا و خواص بهره مند می شدند.

مدتی به خدمت حاج سید مظفر حسین هندی نیز مشغول بود. وی در اواخر عمر (در مشهد) در

گوشه صحن نور (صحن آزادی فعلی)، حجرات فوق آب انبار (در ضلع جنوبی) را منزل خود قرار داده بود.

مشغول به ریاضتهای شرعی بود...

در سال ۱۳۴۷، با تفاق مرد بزرگ، حاج شیخ محبتی مدرس قزوینی - طباب شراه برآی ملاقات و زیارت استاد بزرگ و سید حلیل حضرت سید موسی زرا با دای طباب شراه - به قزوین مسافرت نمودند... آنچه در مدت گذشته به آن موفق شده بود، گویا مقدمه بود از برای رسیدن به آن سید بزرگوار. بعد از آن، به ترقیات کاملی موفق گشت، و صاحب مکاشفات و ضمیری روشن شد، و قوه ارادی او قوی گردید، که آثار و علائمش بر همه ظاهر گشت. سالی یکمتر به سفر قزوین موفق می شد.

به سال ۱۳۵۱، بجزری (قمری) به هندوستان مسافرت نمود، و تا دو سال شش ماه به ایران مراجعت نکرد. سیاحت کاملی از هر گوشه و کنار هند نمود. از مرتاضین مخصوص هند، در شهرهای مخصوص مرتاضین (هر دو دار و...) در کنار دریای گنگا (گنگ)، که دریای مقدس هندو است دیدن کرد. در هر دو دار، در آب گنگا غسل کرد، در تخانه پشت به بت درو به قبله بنام ازخونه و بعد از نماز به صدای بلند و سخن عربی، قرآن قرائت کرد. مرتاضین زیادی استماع کرده

متاثر شدند.....

دشمن سرینگر کشمیر برای شیعیان، در محله کوه بازار، مسجد مختصری ساخت که بسیار مورد احتیاج بود. در دامنه کوه ترال کشمیر، کوهها و آبادیهای زیادی است که قبله رانمی دانستند. بر بالای کوه «صوفی پوره» برجی مربع از سنگت ساخت که از هر طرف قبله مشخص شده است. در آنجا نوشته است: «۲ رکعت نماز بخوانید، حاجت از خدا بخواهید» در این ایام، از اطراف، هر کس هم حاجتی دارد آنجا رفته دعا می کند، از سنی و شیعه، و اسم آن محل را «استمانه» گذارده اند. همه ساله در شب نیمه شعبان چراغان می کنند که از دور پیداست «لوح محفوظ» را، که یکی از عجایب علمی است، وی در همان سرزمین تصنیف کرده است.

یادآوری می کنم که ضریح مبارک حضرت امام رضا «ع» که اکنون بر آن مرقد ملکوتی قرار دارد. از آثار مرحوم آقای حافظیان است. ایشان حدود ۴۰ سال پیش، به فکر اقدام در باره تعویض ضریح قبلی که فاسد شده بود، افتاد، و سپس با کمک مردم معتقد پاکستان لکنهای استان قدس رضوی و مردم ایران برای ساختن ضریح جدید اقدام کرد. و پس از اتمام

کار ساختن ضريح مطهر، به وسيله هنرمندان اصفهانی و مشهدی، و انتقال دادن ضريح سابق
 به موزه آستان قدس ضريح جديد نصب گردید، و به روز عيد مبارك نيمه شعبان سال ۱۳۷۹-
 بحري قمری، از روی آن پرده برداری شد، و به بارگاه پر جلال امام ابو الحسن علی بن موسی ^ع الرضا
 جلوه گایي بیشتر بخشید. به یاد دارم که مرحوم آقای حافظیان، از این توفیق که نصیب گشت
 و از این خدمتی که به این بارگاه و ملکوتی و حرم روحانی انجام داد، بسیار شادمان بود و خدا
 متعال را شکر می گزارد.

آقای حافظیان، جریان سفر به قزوین و رسیدن به مرحوم سید موسی زراآبادی
 را اشاره وار - در بیاتی ذکر کرده است. اینک مناسب است که به یاد آن بزرگان و
 وارستگان، شماری از آن بیات در اینجا آورده شود :

ای جوان خدمت بزرگان کن
 نفس آماره را بضم مان کن

بهر خدمت همیشه حاضر باش
 گر قبولت کند شاکر باش
 مجتبی شیخ عالم و استاد
 صاحب معرفت، قرین سداد
 واجب دگر حکمت ایمان
 استاد معارف ته آن
 در جوار رضا به فیض خفی،
 گشته که ز حکمت رضوی
 برگذشت از علوم عرفانی
 و رسوم و سنون یونانی
 جان سوی مطلق حقایق داشت
 سر به درگاه علم صادق داشت

بد مربی به جمع اصل صفا
 راه آموزسته ملک بقا
 روزگاری که یار من بودی
 متوجه به کار من بودی
 روزی از روی لطف و مرحمتی
 بعد شرمی و مدح و منتبتی
 گفتی از لغت های گاه و گاهی
 که نگوید کسی به سال و مهی
 حالیا یک سفر به قزوین کن
 قلب پاکینه در اتو تیز کن
 بین چه دریای علم و فضل و کمال
 واقف رازها ز قبل سوال

را د مردی بزرگوار و علیم
 صاحب نفس مطمئن و حکیم
 چون رسیدم به خدش، حیران
 شدم از آن فرشته انسان
 در حقیقت نمونه ای ز امام
 که سجود و رکوع و که به قیام
 من ز علمش کج با تو انم گفت
 خاصه زان علما که بود بنفست
 بگذرم از بیان حال او
 نذر م پرده معتال او
 من و سلو می رسنه اش خورم
 ظرف خود پر نمودم و بردم

باید اشاره کنم که مرحوم آقای حافظیان، در «معارف اعتقادی» و «حقایق مبدئی و معانی»
 و «دریافتهای شریف روحانی»، به مراتب بسیار بالایی رسیده بود، که حاصل جوهر روحی
 قوی و استعداد ممتاز ایشان بود و نتیجه درک محضر بزرگان، و سیر آفاق و انفس، و
 بویر و عبادات و ریاضات شرعی و اذکار و ختماتی که هر سوره و در همه احوال بدانها مشغول
 داشت، و خود دارای مشاهدات و تصرفاتی بود بسیار با اهمیت، که برخی از آنها را، گاه
 برای دوستان - و از جمله این پانچیز بیان می داشت. اموری مهم نیز خود اینجانب از
 ایشان مشاهده کرده و مطلع گشت. و در طول سالیان دراز حدود ۵۰ سال کسانی بسیار
 در مشهد و دیگر شهرهای ایران، و در هند و پاکستان و نقاط دیگر می از جهان، از روحانیت
 و ادعیه ایشان بهره مند گشتند، و مشکلاتی بسیار رفع گشت، و کارهایی سترگ رفت.
 افسوس که جزئیات زندگی روحی و پر مضمون ایشان، و نوادراحوال و اعمال و خدمات، و
 سرگذشت سیرها و سیاحتهای ایشان، تدوین نیافته است، خود چندیانی مرقوم داشته
 لیکن بسیار اندک است.

باری، ایشان نیز، در مبانی اعتقادی (مانند استناد خود سید موسی زرابادی، و
دوست خود شیخ محبتی قزوینی خراسانی، تفکیکی بودند، و در مراحل سلوک نیز مواظبت بر «سلوک
شرعی» داشتند. و از «سلوک صنماعی» بدور بودند، البته ایشان اهل تدریس و تالیف
نبودند. و اشتغالات فراوانی که در ایران و پاکستان، در سایر شئون خویش داشتند، همه
ادقاتشان را فرا گرفته بود.

همت مرحوم آقای حافظیان مصروف خدمت به خلق بود. ایشان ریاضاتی را که
کشید و بود، و علوم و کمالاتی را که کسب کرده و قدرت روحی را که در پر تو عبادات و ریاضات
شرعی و توسلات و توجهات - بدست آورد و بود، با تواضع و سادگی، در خدمت مردم
قرار داده بود، و راه قرب به «خدا» را خدمت به «خلق خدا» می دانست. و در این راه
نیروی گذاشت، و صبوری می ورزید، و خوشرویی نشان می داد.

هفته ای دو روز (یکشنبه و چهارشنبه)، در خانه می نشست، و در خانه را بازمی کرد
و هر کس با هر شرایطی می آمد نزد ایشان می نشست و سخن دل خویش و مشکل زندگی خود

یا فرزندان بستگان خود - را با ایشان در میان می نهاد. و آقا پس از شنیدن
 متواضعانه در دردمند و شکل گرفتار، به چاره آن می پرداخت، و بدون طمع و چشمداشت
 ادعیه لازم برای همه امر را - که خود تهیه می کرد، انحصار با کمال صحت و ظرافت - در اختیار
 مردم قرار می داد، و هرگاه دستور العملی نیز ضرورت داشت. آن را می گفت و می امویخت.
 و چه بسیار کسان از آن دعاها و دستورها بهره مند گشتند و توجیه گرفتند، و مشکل آنان - یا صد
 یا در حدی قابل قبول - برطرف گردید، که این خود داستانی دراز دارد، و درینجا که اشخاص
 و موارد، ثبت و قلمی نگاشته است.

آقای حافظیان در مورد آنچه می دانست و می توانست (که «دانا بود هر که
 دانا بود»، و علوم و اسرار می که از استادان بزرگ آموخته بود، و دعاها و ختمها و
 نسخه هایی که اجازاتی در باره آنها داشت و ریاضات آنها را کشیده بود (و برخی بسیار مهم
 بود)، بطور نوعی، مضایقه ای نداشت و اگر کسی طالب و اهل دستعد و عامل یافت
 می شدند می گفت و می آموخت. از همین رو کسانی از ایشان چیزهایی گرفتند و بهره ای

بروند. این مرد بزرگ همیشه به یاد خلق خدا بود و خدمتگزار به مردم کرد، و آنچه را که به دست آورده بود در راه راحت رسانی به خلق و کشودن گریه از کار افتادگان و مشکل داران گذاشته بود و بدینگونه بوده است آثار وجودی این بزرگوار... .

رضوان الله علیهم اجمعین.

محمد رضا حکیمی

مقدمہ

مرحوم حاج سید ابوالحسن حافظیان مشہدی ہمارے زمانے کے ایک ممتاز اور بڑی حد تک بے مثال انسان تھے۔ وہ مشہد کے ایک پرہیزگار سید خاندان میں پیدا ہوئے۔ پہلے ادب، ریاضی، طب قدیم، ہیئت و نجوم اور فقہ و اخلاق کی تعلیم حاصل کی، لیکن پھر جلد ہی ریاضت اور علوم غریبہ کی طرف راغب ہو گئے اور اسی سلسلے میں بعض عظیم اساتذہ سے کسب فیض کیا۔

حوزہ مشہد میں مرحوم حافظیان کے جملہ احباب میں سے ایک حاج شیخ مجتبیٰ قزوینی تھے، جنہوں نے سید موسیٰ زرآبادی کے کمالات، کرامات اور علمی مراتب کا ذکر کر کے پہلے پہل حافظیان کی توجہ اس باعمل عالم اور مرقی کامل کی طرف مبذول کی۔ یہی نہیں بلکہ پہلی مرتبہ آقائی حافظیان نے انہی کی رہنمائی اور معیت میں قزوین کا سفر اختیار کیا، اور سید موسیٰ زرآبادی کی خدمت میں پہنچ کر ان کی توجہ سے بہت سی نئی چیزیں سیکھیں اور بہت سے ایسے مراحل طے کیے جن سے وہ اب تک بالکل نا آشنا تھے۔

مرحوم حافظیان بڑے مرتاض اور تشریح قسم کے عبادت گزار انسان تھے۔ وہ ساہا سال تک صحن عتیق رضوی، جسے اب صحن انقلاب کے نام سے یاد کیا جاتا ہے، کی اوپر کی منزل میں شمال مشرق کی سمت واقع رو بہ قبلہ حجروں میں سے ایک میں عبادت و ریاضت میں مشغول رہے۔ آپ کی دعاؤں میں بڑا اثر تھا، اور آپ علوم غریبہ کے ایک مسلم استاد تھے۔ آپ نے جو آثار یادگار چھوڑے ان میں کتاب حاضر کے علاوہ، اس کی ایک شرح، اور "لوح جنتہ الاسماء" شامل ہیں۔ ظاہراً آپ سے پہلے کسی نے لوح مذکور کو اس صحت، کمال اور خوبصورتی کے ساتھ نہیں لکھا۔ ان الواح کے علمی اسرار اور روحانی خواص اپنی جگہ پر بیان ہوئے ہیں۔

مرحوم حافظیان نے اپنے ایک دوست کی خواہش کے احترام میں اپنی زندگی کے حالات بڑے سادہ اور صمیمانہ انداز سے خود بھی رقم کیے تھے۔ ذیل کا اقتباس معمولی سی تبدیلی کے ساتھ وہیں سے نقل کیا جا رہا ہے:

سید ابوالحسن حافظیان ۱۳۳۲ ہجری (قمری) میں مشہد مقدس میں پیدا ہوئے۔ سن بلوغ کو پہنچنے سے قبل آپ نے صرف و نحو، ریاضی، طب، نجوم، ہیئت، فقہ اور علم الاخلاق کی تعلیم مختلف اساتذہ سے حاصل کی۔ اسی اثناء میں اپنے والد ماجد کے بعض اعمال کو دیکھ کر آپ میں مرتاضانہ عملیات کا عجیب و غریب شوق پیدا ہو گیا، اور

آپ کے والد کے کہنے پر حاج شیخ حسن علی اصفہانی (طاب ثراہ) نے آپ کو اپنی شاگردی میں لے کر آپ کی رہنمائی کرنی شروع کی۔ اس کے بعد آقائے حافظیان سارا دن صحن عتیق رضوی (صحن انقلاب) کے مشرق کی جانب واقع مدرسہ میرزا جعفر میں تحصیل علم میں، اور راتوں کو صحن عتیق کی بالائی منزل میں بقیعہ مطہرہ کے بالمقابل ایوان عباسی کے پہلو میں واقع اپنے حجرے میں عبادت و ریاضت میں مشغول رہتے..... آہستہ آہستہ آپ کی شہرت خاص و عام میں پھیل گئی، اور آپ کی دعوات اور عملیات سے عوام و خواص بہرہ اندوز ہونے لگے۔

آقائے حافظیان ایک عرصے تک حاج سید مظہر حسین ہندی کے زیر تربیت رہے، جو اپنی آخری عمر میں مشہد میں، صحن نو (موجودہ صحن آزادی) کے ایک گوشے میں ضلع جنوبی میں واقع آب انبار کے اوپر کے حجرے میں مقیم تھے، اور اپنا وقت شری ریاضتوں میں صرف کرتے تھے۔

۱۳۴۷ ہجری میں آپ نے حاج شیخ مجتبیٰ مدرس قزوینی (طاب ثراہ) کی معیت میں، جو ایک عظیم انسان تھے، استاد بزرگ اور سید جلیل، حضرت موسیٰ زرار آبادی (طاب ثراہ) کی ملاقات اور زیارت کے لیے قزوین کا سفر کیا۔ آپ نے آب انبار کے گوشے میں مقیم سید بزرگوار کی خدمت میں پہنچنے کے لیے تیاری کا درجہ رکھا تھا۔ مکمل قسم کی ترقیات آپ کو اس کے بعد حاصل ہوئیں، آپ کا ضمیر روشن ہو گیا۔ آپ صاحب کاشف ہو گئے اور آپ کی قوت اراوی کو تقویت ملی اور ان چیزوں کے آثار و علامت ہر کس و ناکس پر عیاں ہو گئے۔ آپ ہر سال ایک دفعہ سفر قزوین کی سعادت حاصل کرتے۔

۱۳۵۱ ہجری (قمری) میں آپ نے ہندوستان کا سفر کیا۔ اور پھر دس سال چھ ماہ تک ایران نہ لوٹے۔ ہندوستان کے کونے کونے کی مکمل سیاحت کی۔ وہاں کے مخصوص قسم کے مرتاضین کو ان کے مخصوص شہروں مثلاً ہندوؤں کے مقدس دریا گنگا کے کنارے واقع "ہردوار" وغیرہ جا کر، ان سے ملاقات کی، ہردوار میں دریائے گنگا کا غسل کیا، اور بتخانہ میں جا کر بت کی طرف پیٹھ کر کے رو بہ قبلہ نماز ادا کی، اور اس کے بعد بلند آواز میں عربی لہجے میں قرآن کریم کی تلاوت کی جسے بہت سے مرتاضین نے سنا اور متاثر ہوئے۔

کشمیر کے شہر سرینگر کے محلہ "گرد بازار" میں آپ نے اول تشریح کے لئے ایک چھوٹی سی مسجد بھی تعمیر کی جس کی شدت سے محسوس کی جا رہی تھی اسی طرح کشمیر کے "کوہ ترال" کے دامن میں واقع متعدد ایسی بہاڑیاں اور آبادیاں موجود تھیں، جہاں کے باشندے قبلہ کی سمت سے نا آشنا تھے۔ آپ نے صوفی پورہ کے بہاڑے کے اوپر ہتھ سے ایک مربع شکل برج تعمیر کیا جس کی مدد سے ہر طرف سے قبلہ کی سمت متعین ہو گئی۔ اس برج پر یہ عبارت لکھی گئی ہے: "و رکعت نماز پڑھ کر اپنی مراد اللہ تعالیٰ سے طلب کریں۔ آج کل گرد نواح کے لوگ بلا امتیاز سنی و شیعہ، جو بھی حاجت ہو، وہاں جا کر دعا مانگتے ہیں، اور وہ جگہ "آستانہ" کے نام سے معروف ہے۔ ۱۵ شعبان کی شب وہاں ہجر افغان کیا جاتا ہے، جو دو روز کے کھائی دیتا ہے۔" لوح محفوظ "جو عجائب علمی میں شمار ہوتی ہے، آپ نے اسی سردین میں تالیف کی تھی۔

یہاں اس بات کا ذکر بے جا نہ ہوگا کہ حضرت امام رضا کی موجودہ ضریح مبارک بھی مرحوم آقائے حافظیان کی یادگار ہے۔ آپ کو کوئی چالیس سال قبل، پہلی ضریح کو، جو پرانی ہو چکی تھی، تبدیل کرنے کا خیال آیا اور اس کے ساتھ ہی آپ نے امام رضا کے پاکستانی مستخدمین، آستان قدس، اور خود اہل ایران کی مالی اعانت سے نئی ضریح کی تیاری کا اہتمام کیا، اور جب اصفہانی اور مشہدی ہنرمندوں کے ہاتھوں نئی ضریح تیار ہو گئی تو پرانی ضریح کو آستان قدس کے عجائب گھر میں منتقل کر کے اس کی جگہ نئی ضریح نصب کر دی۔ جس کی پردہ برداری کی رسم ۱۵ شعبان ۱۳۷۹ ہجری (قمری) کے مبارک دن ادا کی گئی۔ نئی ضریح کے نصب ہونے سے حضرت

امام ابو الحسن علی ابن موسی الرضا علیہ السلام کی بارگاہ پر جلال کی رونقوں میں اور بھی اضافہ ہو گیا۔ مجھے اچھی طرح یاد ہے کہ حضرت امام رضا کی ملکوتی بارگاہ اور آپ کے روحانی حرم کی خدمت کے سلسلے میں اس توفیق کے حاصل ہونے پر مرحوم حافظیان انتہائی خوش تھے اور اللہ جل مجدہ کا شکر ادا کرتے تھے۔

آقای حافظیان نے اپنے سفر قزوین اور سید موسیٰ زر آبادی کی خدمت میں اپنی رسائی کا ذکر اشارۃً اپنے اشعار میں بھی کیا ہے ان بزرگوں اور آزاد منش انسانوں کی یاد تازہ کرنے کے لئے آپ کے کچھ اشعار کا منثور اردو ترجمہ یہاں پیش کیا جاتا ہے:

اے نوجوان! بزرگوں کی خدمت کر
 اور اپنے نفس امارہ پر تسلط پیدا کر۔
 ان کی خدمت انہما دینے کے لیے، ہمیشہ تیار رہ
 اور اگر وہ تجھے اپنی خدمت میں قبول کر لیں، تو شکر کر۔
 مجتہبیٰ زمانہ ہجر کے رہنما اور اساتذہ تھے،
 آپ صاحب معرفت، اور سیدھے رستے پر چلنے والے تھے
 آپ حکمت ایمان کے راز دار، اور معارف قرآن
 کے اساتذہ تھے
 جو ار رضا میں رہ کر، آپ کے فیض خنی کی
 بدولت، آپ حکمت رضوی سے واقف ہوئے (اور)
 علوم عرفانی، اور رسوم و فنون یونانی سے (کہیں)
 آگے نکل گئے۔
 آپ کی روح مطلقاً متوجہ حقائق تھی، اور آپ کا سر
 امام صادق کے علم کے آگے جھکا ہوا تھا۔
 آپ اہل صفائی جماعت کے مرنی اور
 ملک بقا کے اسرار کے سکھانے والے تھے۔
 جن دنوں وہ میری طرف ملتفت تھے اور ان کی توجہ
 میرے حال پر مرکوز تھی
 ایک روز مہربانی اور نوازش کے طور پر
 ایک گوند تہمید، تعریف اور منقبت کے بعد (آپ نے فرمایا):
 (کبھی کبھی آپ ایسی نادر باتیں بھی کہہ جاتے جو
 کوئی دوسرا سالوں اور مہینوں میں بھی نہ کہتا ہوگا):
 "اب تم قزوین کا ایک سفر کر کے
 اپنے قلب پاکیزہ کی تزئین کا سامان کرو
 دیکھو وہاں علم و فضل کا کیسا دریا موجود ہے
 جو حتیٰ سوال کرنے سے پہلے ہی واقف اسرار ہے

وہاں ایک ایسا راد مرد بزرگوار علیم و حکیم موجود ہے
جو صاحب نفس مطمئنہ ہے۔

(پہنچنے) میں جب اس کی خدمت میں پہنچا تو اس

انسان نما فرشتے کو دیکھ کر حیران رہ گیا

آپ در حقیقت نمونہ امام تھے

کبھی سجدے میں ہوتے، اور کبھی رکوع و قیام میں
میری کیا مجال کہ آپ کے علم کے بارے میں عرض کروں
بالخصوص ان علوم کے بارے میں جو مخفی تھے۔

میں آپ کے حال کے بیان، اور آپ کی گفتار کا

پردہ چاک کرنے سے صرف نظر کرتا ہوں

میں نے آپ کے خوانِ نعمت سے من و سلویٰ کھایا

اور اپنا ظرف اس سے پر کر کے، لے گیا۔

یہاں اس بات کا ذکر بے جا نہ ہوگا کہ مرحوم آقائی حافظیان اعتقادی معارف، مبداء اور معاد کے
حقائق اور روحانی مکاشفات کے سلسلے میں ایک انتہائی اعلیٰ مقام پر فائز تھے، جو ایک طرف ان کے قوی
روحانی جوہر، اور ممتاز استعداد کا حاصل تھا، تو دوسری طرف بزرگوں کے فیضانِ نعمت سیرِ نفس و آفاق، اور
خاص طور پر تشریح قسم کی عبادات و ریاضات و اذکار، اور ان مراسم ختم و دعا کا نتیجہ تھا، جن میں آپ ہمیشہ اور
ہر وقت مشغول رہتے تھے۔ آپ انتہائی اہم نوعیت کے مشاہدات و تصرفات کے حامل تھے جن میں سے بعض
کو وہ اپنے احباب کیلئے، جن میں یہ حقیر بھی شامل تھا، کبھی کبھی بیان کرتے تھے۔ اس کے علاوہ آپ کی بعض اہم
باتیں اس ناہیز نے بذات خود بھی مشاہدہ کیں اور ان سے آشنا ہوا۔ ایک طویل عرصے تک جو تقریباً نصف
صدی پر محیط ہے، بہت سے افراد مشہد میں، ایران کے دوسرے شہروں میں، ہند و پاکستان میں اور دنیا کے
بعض دوسرے مقامات پر آپ کی دعاؤں اور روحانی فیوض سے بہرہ مند ہوئے، ان کی مشکلات دور ہوئیں اور
بڑے بڑے کام انجام پذیر ہوئے بڑے افسوس کی بات ہے کہ آپ کی پر مضمون روحانی زندگی، عجیب و غریب
احوال و اعمال و خدمات اور مختلف سیاحتوں کی سرگذشت ابھی تک مرتب نہیں ہو سکی۔ اگرچہ آپ نے اس
سلسلے میں بعض یادداشتیں خود بھی قلمبند کیں لیکن ان کی مقدار بہت کم ہے۔

بہر حال اعتقادی مسائل میں اپنے استاد سید موسیٰ زرا آبادی، اور اپنے دوست شیخ مجتبیٰ قزوینی
فراسانی کی طرح آپ بھی "تفلیکی" واقع ہوئے تھے، حتیٰ کہ مراحل سلوک کے سلسلے میں بھی تشریح قسم کے
سلوک کے قائل تھے اور "سلوک صناعتی" سے اجتناب کرتے تھے۔ آپ اہل تدریس و تالیف نہ تھے۔ ایران و
پاکستان میں مختلف چھٹیوں میں آپ کی جو بے شمار مصروفیتیں تھیں، آپ کا سارا وقت انہی کی نذر ہو جاتا۔
مرحوم آقائی حافظیان کی ساری توانائیاں خدمتِ خلق پر مرکوز تھیں۔ آپ نے جو علوم و کمالات حاصل

کیے تھے، اور عبادات اور تشریح قسم کی ریاضات اور توسلات و توجہات کی بدولت جو روحانی قوت حاصل کی تھی اسے بڑے انکسار اور عاجزی کے ساتھ لوگوں کی خدمت کے لیے وقف کر دیا تھا، اور اسکو اللہ تعالیٰ کے قرب کا راستہ سمجھتے تھے۔ اور اس سلسلے میں کسی کوشش سے دریغ نہ کرتے تھے۔ آپ انتہائی صبر و تحمل سے کام لیتے اور ہمیشہ سب سے خندہ پیشانی سے پیش آتے۔ ہفتے میں اتوار اور بدھ کے دو دن آپ گھر پر تشریف رکھتے اور گھر کا دروازہ کھلا رہتا۔ ہر کس و ناکس جس حالت میں چاہتا آپ کے پاس آکر بیٹھتا، اپنی پریشانیاں بیان کرتا، اور اپنی اولاد اور عزیز و اقارب کے مسائل و مشکلات میں آپ کی رہنمائی سے استفادہ کرتا۔

آقای حافظیان ارباب رجوع کی مشکلات اور پریشانیوں کی روداد بڑی عاجزی کے ساتھ سنتے، اور ان کی چارہ اندیشی کے لیے سرگرم ہوجاتے، اور بغیر کسی طمع اور لالچ کے، ہر کام کے لیے ضروری دعائیں جنہیں وہ خود بڑی احتیاط اور صحت کے ساتھ ترتیب دیتے، لوگوں کو عنایت کرتے، اور اگر اسی ضمن میں کسی خاص دستور العمل کی ضرورت ہوتی تو اس کو بیان کرتے اور سکھاتے۔ ان دعاؤں اور آپ کی ہدایات پر عمل کر کے بے شمار افراد فائدہ اٹھاتے اور اپنے مقاصد حاصل کرتے، اور ان کی مشکلات کبھی بالکل برطرف ہوجاتیں، اور کبھی وہ قابل برداشت حد تک ان پر قابو پالیتے۔ یہ قصہ بڑا دراز ہے لیکن افسوس کہ ایسے اشخاص اور واقعات کی تفصیلات کہیں محفوظ نہیں ہیں۔

آقای حافظیان جو کچھ جانتے تھے، اور "توانا بود" کہ دانا بود کے مصداق، اسکی بدولت جو کام انجام دے سکتے تھے یا بڑے بڑے اساتذہ سے آپ نے جو کچھ سیکھا تھا، اور جن دعاؤں خجنتوں اور نسخوں کے بارے میں انہیں اجازت حاصل تھیں، اور جن کی انہوں نے باقاعدہ زکوٰۃ نکالی تھی، باوجود اس کے کہ ان میں سے بعض انتہائی اہمیت کے حامل تھے، ان کو بیان کرنے میں تامل سے کام نہ لیتے اور اگر کسی شخص کو مستعد، اہل، اور عامل پاتے تو یہ امور اس کو سکھا دیتے تھے۔ چنانچہ بعض افراد نے آپ سے بعض چیزیں حاصل کیں، اور ان سے استفادہ کیا۔ جہاں تک۔ آپ کی اپنی ذات کا تعلق ہے آپ ہمیشہ خلق خدا کی یاد میں رہتے ان کی خدمت کرتے، اور اساتذہ اور بزرگوں سے آپ کو جو کچھ ملا تھا اُسے خلق خدا کو راحت پہنچانے اور ان کی مشکلات اور مسائل کو حل کرنے میں صرف کرتے۔ الجملہ ان بزرگوں کے آثار و جود کی اصل نوعیت یہ تھی۔ رضوان اللہ علیہم اجمعین

محمد رضا حکیمی

(۱) حجۃ الاسلام محقق، و صاحب آثار ارد شہنشاہ، حاج شیخ عزیز اللہ عطار دی خوشانی (قبوچانی)
 (۲) حاج میرزا آقای حافظیان مرحوم (متوفی ۱۳۶۲ ق / ۱۳۲۲ ش) کا شمار مشہد کے سادات بزرگوار اور نیک و صالح افراد میں ہوتا تھا۔
 (۳) اکشمیر کا تاریخی صدر مقام، جو دریائے جہلم کے دونوں جانب واقع ہے، اور جس کا شمار مشرق کے مشہور ترین اور خوبصورت ترین موسم گرما کے صحت افزا مقامات میں ہوتا ہے۔ (دائرة المعارف فارسی)

پیشگفتار :

رساله حاضر درباره لوحی از اعداد است که با اسلوب و ضوابط خاص علم اعداد ، تدوین شده و دارای خصائصی است که در دیگر الواح نیست و در این رساله مشروحاً بیان خواهد شد . برای اینکه منظور و مقصود بیشتر روشن شود پیشگفتاری می آوریم :

علم اعداد از جمله علوم اسرار و معارف غریبه بشری است که نشأ آثار خارق عادت و مبدأ فعالیت روح انسان و مصدر برزور استعداد فطری اوست ، این علم را انبسیای عظام و حکمای بزرگ تمهید و تأسیس کرده اند و در آرد و ارگندشته از سرمایه های گرانبهای بشری به شمار می آمده است ، و بر اصل ناموس توارث و وظیفه حفظ و اداء امانت علم و معرفت ، مربیان و دانشمندان پیشین آن علوم و اسرار را

روی میران صحیح تعلیم و تربیت ، به شایستگیان و برگزیدگان از شاگردان خود تسلیم میدادند و دست بدست و سینه بسینه این امانت پرارزش را به آیندگان می سپردند و بدین ترتیب حقایق و اسرار خود را از دستبرد طوفان حوادث دور میداشتند ، و در صندوق مستحکم سینه اهل سیرتگذاری می کردند . و دائماً در امتداد سیر کاروان علم و معرفت ، این علوم و اسرار را در دست پشیمانان این کاروان قرار میدادند ، و همیشه سرآمد و نشانه و نقتیضای بشر بوده است ، بطوریکه میتوان گفت بیشتر آنچه امروز در دست است سابقاً وجود و گسترش داشته که در اثر کوششهای زیاد مردم بیدار و جستجوی طاقت فرسای ملل و اقوام (خصوصاً مسلمین) سینه بسینه و دست بدست تا باین زمان رسیده است و در نتیجه تجربیات و وسائل و مشاهدات باین وضع درآمده ، و مورد استفاده عموم قرار گرفته است .

علمای اسلام و حکمای پیشین چون بیشتر جهت بهمت شان نشرفضائل خلاق ، و تربیت روح انسان و صوغ و معنوی نفس آدمی و آشنائی با حقایق و معارف بوده است ، بدین جهت از این اسرار و دقائق در راه تهیه وسائل مادی ، و تعیش و خوش گذرانی جهان گذران کمتر استفاده کرده اند ، و لذا این علوم را تنها به کسانی می آموختند که شایسته و اهل بودند .

و از این رو ، این مطالب اصول با اینکه نزد اهلش بطور کامل وجود داشت نزد آنها که دارای شرائط و اهلیت مخصوص نبودند اندکی هم وجود نداشت گرچه در هر عصری اهل آن بسیار اندکند ، بلکه افراد معدودی را در انحصار اخیر میتوان یافت که افکار وسیع آنها جایگاه این حقایق و اسرار باشد .

و از جمله آن علوم شریفه ، علم اعداد و اوقاف است که مبدأ آثار و نتایج روشن میباشد
 چنانکه عظیم فلاسفه اسلام ابن سینا در . اشارات . منطوق دهم بخواشاه فرموده است :
 « شکی نیست که این علم شریف ، منشأ آثار عجیبه است »
 بر حسب اسراری که خداوند متعال در اعداد قرار داده است این علم مبدأ آثار کثیفت آور میباشد و
 اطلاع بر آن بابی از قدرت روحی بر انسان می گشاید .

در اینجا نکته ای باید تذکر داده شود و آن این است که دانشمندان و علمای اسلام ، در اثر
 استفاده از منابع الهی بطور مستقیم به حقایق برخورد کرده اند و احساس درک عمیق آنان آئینه وار و با محاذات
 کامل در برابر خورشید دشان تعلیم و هدایت نبوت قرار گرفته و بدون کوچکترین انحرافی (که از اعمال
 سلیقه های شخصی پیدا میشود) انوار حقیقت و تجلیات معارف حقّه و اسرار عالم در نفوس مضغای آنان منعکس شده ،
 و بر منزل مقصود که وقوف و اطلاع بر حقایق اشیاء است یعنی واقعی کلمه (نه مفهوم اصطلاحی آن) رسیده اند .
 این دانشمندان با بصیرت ، دریافتند که روش و اصول علوم ثابتة اسلام و تعلیمات عالیّه
 قرآن مجید ، در علوم الهی ، بلکه سایر معارف و علوم نیز ، بار ابهائی که شبر به فکر خود سپوده است جدا و
 مباین میباشد ، و چون حقیقت را در پیروی از پیامبران الهی علیهم السلام دیدند ، از بافته های فکری بشری
 دست برداشتند ، و برای نیل بعبادت جاوید و حیات کامل ، خوشترین را در آغوش مربیان الهی و اطباء
 روحانی افکندند و از آنان تعلیم گرفتند و به تربیت آنان تربیت یافتند و پیروی از نظریات مجاری

الهام و معادن حکمت حقه را شعرا خود قرار دادند ، و از آنجا که می خواستند زحمات پیشینیان از بین نرفته باشد ، برخی از قواعد و علوم آنها را (غیر از مطالب مربوط به معارف و اصول عقاید) با تعالیم سامیه قرآن مقدس و نوائیس الهام تطبیق نموده پس آن را نشر می دادند .

برای توضیح مثالی از همین علم مورد بحث (علم اعداد) تشریح میکنیم تا خوانندگان بحقیقت مقصود برسند . یکی از اشکال اذفاق ، شکل مربع است ، حکمای سلف از روی موازین اسرار طبیعی و اسباب عالم و مناسبات امراضی و نجومی مرتعی تشکیل میداده و اسمائی استخراج می نمودند و آن اسما را مؤثر میدانستند و برای حصول نتیجه به ذکر آنها مداومت می کردند و تمقید نمودند که قرآنت آن اسما و مداومت بر آن اعمال ، مطابق قانون شریع و دستور انبیا باشد . اما علمای اسلام چنانکه توضیح داده شد بر اثر دریافت حقایق دین معتقد بودند که باید همه امور ، بر وفق دستورات قائد بزرگ اسلام و تعالیم عالی قرآن باشد ، لذا خود را تمقید کردند که این اعمال بر طبق دستورات شریع انجام گردد و اسما استخراجی باید از اسما ماثوره باشد و اعمال باید در قلمرو نبی شایع مقدس نیامده باشد .

از این رو بجای اسما استخراجی . لومایل - لوناایل - جولایل - اسما مقدسه ماثوره ، اریل و دود - حی - قیوم ، استخراج می کردند ، البته این اسما مؤثر و موجب توجه بذات بکیت ، و عبادت و پرستش خدا و باعث توسل به قادری همدا خواست امور و حوائج از ذات الهی حل اعلامیاد .

این طریقه حقه قرآنی نفس انسان را از خود بینی مصون میدارد و او را متوجه درگاه کبریا می‌تواند

اما انسان در آن طریق دیگر (طریق بشری) از خود بینی و خود خواهی مصون نیست زیرا هنگامی که به تری از اسرار
 مودعه طبیعت پی بُرد و در خود قدرتی مشاهده کرد آن قدرت را از آن خودی بسیند و حساس خویشی در وی تقویت
 می شود .

بدانکه این حقیر چون سالهای سال را در دشت و دیار باسفرت و سیر آفاق گذرانیدم و در این علوم و
 فنون مطالعه نمودم و اساتید و بزرگانی دیدم و از این قواعد استفاده کردم و برپاره ای از آنها توفیق یافتم
 به قرآن شدم که لوحی مدحیه و ذمّی از اوقات سیریه که مطابق با آیات مبارکات قرآن مجید باشد، بیادگار
 بگذارم (راجع به کیفیات و سبب تألیف لوح شرح مبوطی در جای خود خواهد آمد) معلوم است که اگر الواح و اذواق
 بر طبق آیات مبارکات و اسما حسای الهی ترتیب داده شود متضمن سعیر عظیم و محل نزول برکات و اثرات خواهد
 بود . به ترتیب (۲۵ × ۲۵) ملهم شدم که از الواح بزرگ و دارای آثار و بنای آن بر عدد (۵) است و
 اورا بناساتی (لوح محفوظ) نام نهادم و آن لوح را از اول تا باخر بحد و منقبت سرور کائنات خلاصه موجودات
 ستر حقیقت و حقیقت ستر رسیدم پسین رحمة للعالمین من هو بالاق الاعلی من بلغ صدره المنست من
 علمه شدید القوی احمد المحمّد محمد المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم تمام کردم

ما ان مدحت محمد ابقالتی لکن مدحت معا لقی مجتبه

ایندانکه دانشندان و مطالکو کنندگان اگر سهو و خطایی از این جا بل ببینند به دیده عفو و رحمت بگذرند و برابر

اتباهم آگاه کنند الانان محل السهو و التیان و با الله التوق و علیه التکلان سید ابوالحسن حافظیان

شرح لوح محفوظ

- ۱
- ۲ این لوح دارای خواص و حقایقی است که نزد اهل این علم روشن است .
- ۳ مبنای این لوح بر (پنج) است .
- ۴ صورت این لوح شامل (۲۵) مختص است .
- ۵ هر یک از مختص های دخل این لوح دارای (۲۵) خانه است .
- ۶ پس مجموع خانه های این لوح ششصد و بیت پنج (۶۲۵) است . عبارت دیگر این لوح از هر طرف دارای « ۲۵ » خانه است که کلاً ($۶۲۵ = ۲۵ \times ۲۵$) میشود .
- ۷ هر بیت پنج خانه از این لوح بصورت افقی یا عمودی یا قطر (مورب) سطر نامیده میشود لهذا در این مربع بیت پنج سطر است .
- ۸ سطر اول آن سلامی مبارک است که با الفاظ منسل و مترادف مرتب شده است ، و باقی بیت و چهار سطر دیگر نیز ششصد خانه آن هر کدام دارای دو کلمه ایست که از اسما، و القاب و نعمت و منقبت آن بزرگوار بیرون نخواهد بود .
- ۹ عبارات هر خانه از آن ششصد و بیت پنج خانه را بحساب ابجد عدد گرفته و در آن خانه نازل آن عبارات نموده ایم اما هیچ یک از آن جملات تکرار نشده است و هیچ عددی هم دوبار نیامده است لهذا در هر خانه عددی است که در خانه های دیگر نیست .

جمع اعداد هر ردیف آن که ۲۵ خانه است اقصی یا عمودی یا قطر (مورب)، بایکدگر مساوی خواهد بود و آنرا جمع کل و میزان وقت و حاصل جمع میگویند.

جمع کُل

۱۱۸۲۶

چنانکه در حاشیه چهار طرف جدول مقابل هر قطر دستونی این جمع کل نوشته شده است هر یک از مخمس های ذیل لوح دارای میت پنج خانه است و کلا میت پنج مخمس است پس ششصد و میت پنج « $625 = 25 \times 25$ » خانه است

برای تشریح وقت آنها که قابل تامل و توجیه است نخست اول را شرح میدسیم. اگر اعداد پنج خانه این مخمس را بطور اقصی یا عمودی یا مورب «قطر» و یا بطور مختلف (یعنی بصورتی که در مثال چهارم ذکر خواهیم کرد) جمع کنیم حاصل جمع آن پنج عدد «۱۷۱۹» خواهد شد.

برای روشن شدن این مطلب از روی پنج مخمسی که در ذیل آورده ایم نخست اول لوح را شرح میدسیم

مخمس الف اگر اعداد پنج خانه آن مخمس را بطوریکه با شماره ۱ یعنی ردیف و قطر اول یا شماره ۲ یا شماره

۳ یا شماره ۴ یا شماره ۵ یعنی بصورت اقصی جمع کنیم «۱۷۱۹» خواهد شد.

مخمس الف

جدول های ذیل
برای راهنمایی است

۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵

۱۷۱۹

مخمس ب اگر اعداد پنج خانه آن مخمس را بصورت این مخمس با شماره ۱ و یاباشمار ۲ و یاباشمار ۳ و یاباشمار ۴ و یاباشمار ۵ بصورت عمودی جمع کنیم «۱۷۱۹» خواهد شد

مخمس ب

۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱
۵	۴	۳	۲	۱

(۱۷۱۹)

مخمس ج اگر اعداد پنج خانه آن مخمس را بصورت این مخمس با شماره ۱ و یاباشمار ۲ یعنی زاویه برآویز قطر و مورب جمع کنیم نیز همان «۱۷۱۹» بدست خواهد آمد

مخمس ج

۲				۱
	۲		۱	
		۱۲		
	۱		۲	
۱				۲

(۱۷۱۹)

مخمس د اگر اعداد پنج خانه آن مخمس را بطوریکه در این مخمس با شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ نشانه گذارده ایم، جمع کنیم نیز همان «۱۷۱۹» خواهد شد

مخمس د

۱		۲		۱
	۳	۴	۳	
۲	۴	۳	۴	۲
	۳	۴	۳	
۱		۲		۱

(۱۷۱۹)

مخمس د را برای توضیح مطلب به چهار قسم تجزیه نموده تا واضح گردد

قسم دوم

		۲		
۲		۲		۲
		۲		

(۱۷۱۹)

قسم اول

۱				۱
		۱		
۱				۱

(۱۷۱۹)

قسم چهارم

	۴		۴	
		۴		
	۴		۴	

(۱۷۱۹)

قسم سوم

	۳		۳	
		۳		
	۳		۳	

(۱۷۱۹)

اگر اعداد پنج خانه از آن مخمس را به ترتیب چهار قسم بالا جمع کنیم همان عدد ۱۷۱۹ خواهد بود.

و اعداد هر پنج خانه ای را بعرض مایطول مایه زاویه جمع کرده مطابق با جمع زیر خواهد بود و نیز اعداد خانه های
 سرخ را از هر محنتی که جمع کنید مطابق با جمع زیر خواهد آمد

سوادگاه	سوزناکه	شادگلینی	سروگیان	دلیان
۳۰۴	۵۲۵	۴۰۰	۱۳۷	۱۲۳
صاحبزاده	بانگم	چهارکلی	نوردرین	روح‌القدس
۱۳۸	۱۶۴	۳۰۵	۵۲۱	۴۳۱
اسرارچیان	برگزیده	پادشاه	کشتکند	دانشجویان
۵۲۲	۴۵۷	۱۳۱	۱۶۵	۳۰۶
ایده‌ها	مصلح‌نواز	پیرورب	بی‌بست	آگاهان
۱۶۶	۳۰۷	۵۲۳	۴۵۸	۱۳۵
شمس‌الیه	چهارم	سازگار	میل‌نقده	مزارعیان
۴۵۱	۱۳۶	۱۳۲	۳۰۸	۵۲۴

سوادگاه	سوزناکه	شادگلینی	سروگیان	دلیان
۳۰۴	۵۲۵	۴۰۰	۱۳۷	۱۲۳
صاحبزاده	بانگم	چهارکلی	نوردرین	روح‌القدس
۱۳۸	۱۶۴	۳۰۵	۵۲۱	۴۳۱
اسرارچیان	برگزیده	پادشاه	کشتکند	دانشجویان
۵۲۲	۴۵۷	۱۳۱	۱۶۵	۳۰۶
ایده‌ها	مصلح‌نواز	پیرورب	بی‌بست	آگاهان
۱۶۶	۳۰۷	۵۲۳	۴۵۸	۱۳۵
شمس‌الیه	چهارم	سازگار	میل‌نقده	مزارعیان
۴۵۱	۱۳۶	۱۳۲	۳۰۸	۵۲۴

سوادگاه	سوزناکه	شادگلینی	سروگیان	دلیان
۳۰۴	۵۲۵	۴۰۰	۱۳۷	۱۲۳
صاحبزاده	بانگم	چهارکلی	نوردرین	روح‌القدس
۱۳۸	۱۶۴	۳۰۵	۵۲۱	۴۳۱
اسرارچیان	برگزیده	پادشاه	کشتکند	دانشجویان
۵۲۲	۴۵۷	۱۳۱	۱۶۵	۳۰۶
ایده‌ها	مصلح‌نواز	پیرورب	بی‌بست	آگاهان
۱۶۶	۳۰۷	۵۲۳	۴۵۸	۱۳۵
شمس‌الیه	چهارم	سازگار	میل‌نقده	مزارعیان
۴۵۱	۱۳۶	۱۳۲	۳۰۸	۵۲۴

سوادگاه	سوزناکه	شادگلینی	سروگیان	دلیان
۳۰۴	۵۲۵	۴۰۰	۱۳۷	۱۲۳
صاحبزاده	بانگم	چهارکلی	نوردرین	روح‌القدس
۱۳۸	۱۶۴	۳۰۵	۵۲۱	۴۳۱
اسرارچیان	برگزیده	پادشاه	کشتکند	دانشجویان
۵۲۲	۴۵۷	۱۳۱	۱۶۵	۳۰۶
ایده‌ها	مصلح‌نواز	پیرورب	بی‌بست	آگاهان
۱۶۶	۳۰۷	۵۲۳	۴۵۸	۱۳۵
شمس‌الیه	چهارم	سازگار	میل‌نقده	مزارعیان
۴۵۱	۱۳۶	۱۳۲	۳۰۸	۵۲۴

سوادگاه	سوزناکه	شادگلینی	سروگیان	دلیان
۳۰۴	۵۲۵	۴۰۰	۱۳۷	۱۲۳
صاحبزاده	بانگم	چهارکلی	نوردرین	روح‌القدس
۱۳۸	۱۶۴	۳۰۵	۵۲۱	۴۳۱
اسرارچیان	برگزیده	پادشاه	کشتکند	دانشجویان
۵۲۲	۴۵۷	۱۳۱	۱۶۵	۳۰۶
ایده‌ها	مصلح‌نواز	پیرورب	بی‌بست	آگاهان
۱۶۶	۳۰۷	۵۲۳	۴۵۸	۱۳۵
شمس‌الیه	چهارم	سازگار	میل‌نقده	مزارعیان
۴۵۱	۱۳۶	۱۳۲	۳۰۸	۵۲۴

سوادگاه	سوزناکه	شادگلینی	سروگیان	دلیان
۳۰۴	۵۲۵	۴۰۰	۱۳۷	۱۲۳
صاحبزاده	بانگم	چهارکلی	نوردرین	روح‌القدس
۱۳۸	۱۶۴	۳۰۵	۵۲۱	۴۳۱
اسرارچیان	برگزیده	پادشاه	کشتکند	دانشجویان
۵۲۲	۴۵۷	۱۳۱	۱۶۵	۳۰۶
ایده‌ها	مصلح‌نواز	پیرورب	بی‌بست	آگاهان
۱۶۶	۳۰۷	۵۲۳	۴۵۸	۱۳۵
شمس‌الیه	چهارم	سازگار	میل‌نقده	مزارعیان
۴۵۱	۱۳۶	۱۳۲	۳۰۸	۵۲۴

سوادگاه	سوزناکه	شادگلینی	سروگیان	دلیان
۳۰۴	۵۲۵	۴۰۰	۱۳۷	۱۲۳
صاحبزاده	بانگم	چهارکلی	نوردرین	روح‌القدس
۱۳۸	۱۶۴	۳۰۵	۵۲۱	۴۳۱
اسرارچیان	برگزیده	پادشاه	کشتکند	دانشجویان
۵۲۲	۴۵۷	۱۳۱	۱۶۵	۳۰۶
ایده‌ها	مصلح‌نواز	پیرورب	بی‌بست	آگاهان
۱۶۶	۳۰۷	۵۲۳	۴۵۸	۱۳۵
شمس‌الیه	چهارم	سازگار	میل‌نقده	مزارعیان
۴۵۱	۱۳۶	۱۳۲	۳۰۸	۵۲۴

سوادگاه	سوزناکه	شادگلینی	سروگیان	دلیان
۳۰۴	۵۲۵	۴۰۰	۱۳۷	۱۲۳
صاحبزاده	بانگم	چهارکلی	نوردرین	روح‌القدس
۱۳۸	۱۶۴	۳۰۵	۵۲۱	۴۳۱
اسرارچیان	برگزیده	پادشاه	کشتکند	دانشجویان
۵۲۲	۴۵۷	۱۳۱	۱۶۵	۳۰۶
ایده‌ها	مصلح‌نواز	پیرورب	بی‌بست	آگاهان
۱۶۶	۳۰۷	۵۲۳	۴۵۸	۱۳۵
شمس‌الیه	چهارم	سازگار	میل‌نقده	مزارعیان
۴۵۱	۱۳۶	۱۳۲	۳۰۸	۵۲۴

زیرآیات مبارکات و ذیلی شعرا سعدی و زریںمختس مذکور جمع اعداد نوشته شدت (۱۷۱۹)



سلام با باده	منور بارگاه	شاه مکشین	مولای کل	دامی حق
۴۰۴	۵۲۵	۴۶۰	۱۳۷	۱۹۳
صاحب لور	جان علم	جان قرآن	نور دارین	روح لادواح
۱۳۸	۱۹۴	۴۰۵	۵۲۱	۴۶۱
اصل عرفان	برگزیده در	پناه ام	کشف ملک	واقف حقایق
۵۲۲	۴۵۷	۱۳۹	۱۹۵	۴۰۶
ایده عالم	مطلع نوار	ایر عرب	نبی هست	آگاه حق
۱۹۶	۴۰۷	۵۲۳	۴۵۸	۱۳۵
شمس جان	جد نوبه	صاحب کمال	جلیل القدر	مشراف جهان
۲۵۹	۱۳۶	۱۹۲	۴۰۸	۵۲۴
۱۷۱۹				

مخمس دوم تمام آنچه برای مخمس اول شرح داده شد همان را دقیق با مخمس دوم تطبیق کنند فقط تنها چیزی که با مخمس اول فرق دارد این است که جمع کل مخمس اول از هر طرف همه جا (۱۷۱۹) شده بود و جمع کل این مخمس از هر طرف همه جا (۱۸۱۱) میباشد .



دریایان	ادی جهان	سایه آله	کشف کونین	رساله آیه
۳۴۵	۷۶	۱۱۲	۲۴۱	۱۰۳۴
جان جان	ولی انقسم	آیت تطهیر	بنی الرحمه	قبط وحی
۱۱۳	۲۳۷	۳۳۵	۳۳۶	۸۰
ریشای طلق	بدر عالم	جیب جهان	کوه حسم	دریای جود
۱۰۳۶	۳۴۷	۸۱	۱۰۶	۲۳۸
جان پاک	زبده انام	مدرح عالم	مخبر صادق	نور انام
۷۷	۱۱۰	۲۳۶	۱۰۳۷	۳۴۸
منشی سس	شربت سنا	دربزرگان	اب حیوان	ادی کامل
۲۴۰	۱۰۳۸	۳۴۴	۷۸	۱۱۱
۱۸۱۱				

مخمس سوم در این مخمس نیز آنچه برای اول گفتیم صادق است همان را دقیق تطبیق کنند فقط تنها چیزی که با مخمس اول فرق دارد این است که جمع کل مخمس اول از هر طرف همه جا (۱۷۱۹) شده بود و جمع کل این مخمس از هر طرف همه جا (۳۳۹۴) میشود



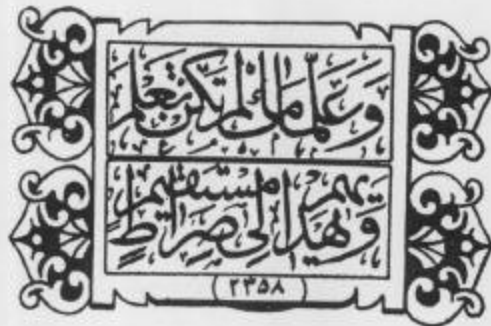
رسول کریم	کعبه مستود	مقدن کعبه	داور اولیا	تطبیق
۵۶۶	۳۳۷	۷۸۶	۲۵۹	۱۴۴۶
مجموعت در	مخارج جبار	غایت آرزو	کوهزبانان	لای نصرت
۲۶۰	۱۳۴۷	۵۶۷	۳۳۳	۷۸۷
نقش مشقه	قله مراد	اهدایان	بنی صبرق	شرح فصل
۳۳۴	۷۸۳	۲۶۱	۱۴۴۸	۵۶۸
خلیفة الرحمن	جوهر نیش	مطلع فنون	جان خلق	آزاد مرد
۱۴۴۹	۵۶۹	۳۳۵	۷۸۴	۲۵۷
کشتی امید	محصیرو	چرخ ارم	آفتاب بند	قیسه عالم
۷۸۵	۲۵۸	۱۴۴۵	۵۷۰	۳۳۶
۳۳۹۴				

مخمس چهارم تمام آنچه که برای مخمس اول گفته شد همان را دقیق با مخمس چهارم نیز تطبیق کنند
فقط تنها چیزی که با مخمس اول فرق دارد این است که جمع کل مخمس اول از هر طرف همه جا (۱۷۱۹)
شده بود و جمع کل این مخمس از هر طرف همه جا (۲۵۴۴) میشود.



حاکم دهر	قدوة عالم و امام	چشم اسلام	رحمة العالمین	ذوالکرامات
۲۷۸	۳۰۷	۴۷۵	۸۸۰	۶۰۴
مطلع افاق	چشمه روان	لطف همیم	قلب معانی	آیت طلال
۸۸۱	۶۰۵	۲۷۹	۳۰۳	۴۷۶
مدارجان	بلوچه توحید	ایرالتقین	رسول برحق	مدح افاق
۳۰۴	۴۷۲	۸۸۲	۶۰۶	۲۸۰
صاحبشاد	بادهی روان	دریای عطا	سراج دهر	ضیاء آینه
۶۰۲	۲۸۱	۳۰۵	۴۷۳	۸۷۸
رسول بابل	چشمه شایسته	عالم هزار	منبع حسان	حسن حسین
۴۷۴	۸۷۹	۶۰۳	۲۸۲	۳۰۶
۲۵۴۴				

مخمس پنجم آنچه برای مخمس اول گفته شد شرح داده شد در اینجا نیز هست همان را دقیق با مخمس پنجم تطبیق کنند فقط تنها چیزی که با مخمس اول فرق دارد این است که جمع کل مخمس اول از هر طرف و همه جا (۱۷۱۹) شده بود و جمع کل این مخمس از هر طرف و همه جا (۲۳۵۸) میشود .



سجاد بن یونس	والد المعصومین	مهدی بن علی	محمد	اسید شیر
۷۴۴	۳۷۶	۵۰۵	۹۲	۶۳۸
بدر نسیر	پان حسین	حاکم شیخ	خواجه گلک	مقبول رب
۵۰۶	۸۸	۶۳۹	۷۴۵	۳۸۰
شرف بن	شاه گیتی	عقل فعال	صابر بر	حامد آ
۶۳۰	۷۴۶	۳۸۱	۵۰۲	۸۹
نور بنان	امام الملبین	کان جیا	والا تبار	صد جنت
۳۲۲	۵۰۳	۹۰	۶۳۱	۷۴۷
حاکم حدو	لطافت اس	فصاحت	مربع طلال	زبد گوین
۹۱	۶۴۲	۷۴۳	۳۷۸	۵۰۴
۲۳۵۸				

چون از پنج مخمس مذکور، سطر بالای هر کدام را گرفته پهلوی یکدیگر بگذاریم سلام مرتبی است به بارگاه
حضرت رسول اکرم و جمع اعداد هر سطر زیر آن میباشد و جمع کل آنها در آخر زیر همه آنهاست .

سلام آباد	منور بارگاه	شاه ملکین	سولای کل	دای حق
۴۰۴	۵۲۵	۴۶۰	۱۳۷	۱۹۳

۱۷۱۹

رسالتاب عین بین	کشف عین	سایه اله	دای جهان	دای حسان
۱۰۳۴	۲۴۱	۱۱۲	۲۹	۳۴۵

۱۸۱۱

رسول کریم	کعبه مقصود	معدن برکت	داور اولیا	قطب عالم نظام استغیثین
۵۶۶	۳۳۷	۷۸۶	۲۵۹	۱۴۴۶

۳۳۹۴

حاکم دهر	قد و علم و آوا	چشم سلام	رحمة العالین	ذیالهام حیدر رسول الله
۲۲۸	۳۰۷	۴۲۵	۸۸۰	۶۰۴

۲۵۴۴

السید البشر	محمد	عبد صلی علیه بن اهدی تیه	واله المعصومین	صحابه مطهرین
۶۳۸	۹۲	۵۰۵	۳۷۹	۷۴۴

۲۳۵۸



در لوح مبارک زیر پنج محسّس مذکور بیت محسّس دیگر میباشد ، هر کدام از این بیت محسّس تریطوریکه برای
محسّس اول شرح دادیم اگر اعداد پنج خانه از آنها را به شانزده قسم که گفته شد جمع کنند همانطور فوق میدهد
و مساوی می آید چنانکه در محسّس اول آمده بود و جمع هر یک از آنها زیر آنها نوشته شده است و اگر
حاصل جمع هر محسّسی را به ترتیب یک جا بنویسیم به این شکل در خواهد آمد :

صورت جمع های بیت پنج محسّس لوح

۱۷۱۹ - ۱۸۱۱ - ۳۳۹۶ - ۲۵۴۴ - ۲۳۵۸	:	پنج محسّس اول
۲۵۴۹ - ۲۳۶۳ - ۱۷۲۴ - ۱۷۹۱ - ۳۳۹۹	:	پنج محسّس دوم
۱۷۹۶ - ۳۳۷۹ - ۲۵۵۴ - ۲۳۶۸ - ۱۷۲۹	:	پنج محسّس سوم
۲۳۷۳ - ۱۷۳۴ - ۱۸۰۱ - ۳۳۸۴ - ۲۵۳۴	:	پنج محسّس چهارم
۲۳۸۹ - ۲۵۳۹ - ۲۲۵۳ - ۱۷۳۹ - ۱۸۰۶	:	پنج محسّس پنجم

چون اعداد بالا را به همان ترتیبی که بود در این محسّس نوشتیم باین شکل درآمد حاصل جمع و فوق این لوح از هر طرف
بین جمع کل است که در زیر میباشد :

۱۱۸۲۶

این محسّس که بر روی صفحه فلزی منقوش
است همان لوح منقوش است که طبق ضوابط
علم اعداد خلاصه شده است :



صاحبان بصیرت چون با تامل و توجه بنگرند، یقین خواهند کرد که انکشاف بعضی نجات و رموز این لوح خبر بائیدات الهی الطاف عسیبی حاصل شده است (گرچه تیرارگان هم گذر از کلمه ازینیدل نظر).
 متقدّمین چون نامه و صفحهای شروع می نمودند، فوق صفحه اول کلمه (هو) یا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را می نوشتند همین طور در پاکستان و هند و تسمان رسم است نامه و دفتر می را که شروع میکنند عدد (۷۸۶) را که عدد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ است می نویسند حتی بعضی از تجار بر بالای صفحه نامه های تجارتی خود عدد مذکور را چاپ می کنند، در حدیث آمده است: (كُلُّ امْرِئٍ يَبِئْتُهُ بِمَا يَبْتَدِئُ بِالْبَيْئَةِ فَوُؤِّدُهُ) هر چه در آن ابتدا به بسم الله نشود ناقص است، لهذا در فهرست بودم که در این لوح مبارک بسمله را در کجا جای دهم که ناقص نباشد و حساب اعداد نیز بهم نخورد و این مطلب سبب مقید بودن اعداد بسیار شکل منظمی آمد، تا اینکه دیدم به محل بسیار مناسبی جای گرفته است و آن وسط سطر سلام و پیشانی لوح است بطوریکه دوازده خانه از یک طرف آن دوازده خانه از طرف دیگر آن و آن عدد در خانه وسط و در صدر قرار گرفته است:

معدن برکت

۷۸۶

که هم بسم الله الرحمن الرحيم است و معلوم است که معدن برکت است و هم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معدن برکت است و هم این لوح مبارک معدن برکت است.
 و همچنین که هر چیزی بجای خویش نیکوست مثلاً در وسط و میان و قطب و قلب

لوح مبارک که محل شمع است : شمع کایات
۸۹۲

شمع کایات آمده است (محمد شمع بزم آفرینش) سراجاً منیراً اگر بطور دقیق ملاحظه شود دیده میشود که در هیچ خانه صر فی کم و زیاد نیامده و کوتاه و بلند نگشته و از ادبیت خارج نگردیده و از منسوبیت به تلافی نیفتاده و مصداق (چون قافیه تنگ آید شاعر چغبنگ آید) واقع نشده است بلکه بحول الله و قوتی باینک اسلوب کاملی مرتب و منظم شده است باید تکرار کنم که : (گرچه تیرار کمان همی گذرد از کماند از بسند اهل خرد) .

در میان جاشیه جدول متصل به طراعدا و جمع های کل ، عبارت نج البلاغه است که مولی امیر المؤمنین علیه السلام درباره پسرتم خود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است :

من کلام علی بن ابی طالب علیه السلام فی نج البلاغه

اَضَحَّتْ كَرَامَةُ اللَّهِ سُجَانَهُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَأَخْرَجَهُ مِنْ فَضْلِ الْمَعَادِ وَدِينِ مَنَابِتَا ، وَغَرَّالِ الزُّوْمَا ، مَغْرَسَا ، مِنْ الشَّجَرَةِ الَّتِي صَدَعَتْ مِنْهَا أَنْبِيَاءُهُ ، وَانْتَجَبَتْ مِنْهَا أَمْنَانَةُ عَمْرِيَّةَ خَيْرِ الْعَمْرِيَّةِ ، وَاسْمُهُ خَيْرُ الْأَسْرِيَّةِ ، وَشَجَرَتُهُ خَيْرُ الشَّجَرِ ، نَبَتْ فِي حَرَمٍ ، وَبَقِيَتْ فِي كَرِيمٍ لَهَا فُرُوعٌ طَوَالُ ، وَثَمَرَةٌ لِأَسْنَالُ ، فَوَامَامٌ مِنَ اتَّقَى ، وَبَصِيرَةٌ مِنَ ابْتَدَى ، سِرَاجٌ لَمَعَ ضَوْؤُهُ ، وَشِهَابٌ سَطَعَ نُورُهُ ، وَزَنْدٌ بَرَقَ كَوْنُهُ ، سِيرَةٌ الْقَصْدُ ، وَسُنَّةُ الرَّشْدُ ، وَكَلَامُهُ الْفَصْلُ ، وَحُكْمُهُ الْعَدْلُ ، عَلِيٌّ حِينَ قَبْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ ، وَمُهَيَّوَةٌ عَنِ الْعُلُكِ ، وَغَبَاوَةٌ مِنَ الْأُمَمِ .

نج البلاغه فیض الاسلام ص ۲۷۹

مربع مساوی الاضلاعی که دارای نه خانه یا شانزده خانه یا بیست و پنج باشد با اصطلاح
 3×3 و 4×4 و 5×5 مثلث و مربع و مخمس گویند تا 100×100 اگر در خانه های
 آنها اعدادی را که نوشته اند تکرار نشود یعنی یک رقم در دو خانه نیاید و جمع کل هر ستون آن افقی
 یا عمودی یا قطر از هر طرف مساوی و یکسان باشد اور با اصطلاح اهل این علم (نقش) و (لوح) میگویند.
 پس اگر جمع کل آن با اسمی از اسماء الله تعالی یا آیه ای از آیات قرآن مطابق باشد آن را تعویذ
 نیز گویند چه قابل عوذ شده و تبرک گردیده است. و اگر با اسمی از اسماء خبیثه و شیاطین یا عبارتی
 از مناسرت بر آید آن را سحر و جادو گویند و مخوس دانند اگر چه این مطلب وابسته به نیت درست کننده است.
 حال آن مخمس مذکور زیر لوح که از بیست و پنج مخمس فراسم شده و آن اعداد در آن خانه ها مکرر
 نشده و جمع کل اعداد ستونهای آن از هر طرف مطابق و موافق شده تعویذ کاملی است و آن را تبرک
 باید دانست، چون خواستم که جنبه تعویذیت او شدیدتر شود، پنج آیه از آیات مخصوصه قرآن که
 آیات رحمت است بحول الله و قوته یا فقم که داری خواص و مزایایی است که نزد اهل علم معلوم
 است آیه اول توحید و اسم عظیم ۲ مرلین ۳ قوتات ۴ حفظ ۵ درود بحضرت
 و عجب این است که این پنج آیه هم اعدادش مطابق شد با اعداد جمع کل لوح لهذا این مربع،
 اعداد این پنج آیه هم می باشد

- آیه دوم : لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ
 لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ
 (۳۳۲) سوره صافات آیه ۲۵
- آیه سوم : إِنَّكَ تَكْتَفِيحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ
 (۲۱۷۴) سوره انفال آیه ۱۹
- آیه چهارم : فَاتَّخِذُوا حَافِظًا وَهُوَ حَسْمُ الرَّاحِمِينَ
 (۲۵۵۲) سوره نوح آیه ۶۴
- آیه پنجم : إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ
 وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا
 (۲۸۵۲) سوره حزاب آیه ۵۶

(۱۱۸۲۶)

جمع کل

جمع اعداد این پنج آیه مبارکه با همان جمع کل اعداد لوح مبارک مساوی آمد لهذا محض زیر لوح محض این آیات نیز میباشد

اَقْرَبُكَ مِنْ مَخْرُجِ الْوَادِعِ وَاللَّهِ

واین ماه و ستاره که مانند دو گوشواره این صفحه است پس از دو سال که دولتی بنام پاکستان
 در عالم تشکیل شد ماه و ستاره نشان رسمی مملکت و دولت پاکستان واقع گردید



۲۵۸	۲۵۴۴	۲۳۲۴	۱۸۱۱	۱۷۱۹
۳۳۹۹	۱۷۹۱	۱۷۱۴	۲۳۶۴	۲۵۴۹
۱۷۲۹	۲۳۶۴	۲۵۴۴	۳۳۶۹	۱۷۱۴
۲۵۴۴	۳۳۶۴	۱۸۰۱	۱۷۲۴	۲۳۶۴
۱۷۰۵	۱۷۲۹	۱۲۵۴	۲۵۴۹	۳۳۶۹

جمع کل ۱۱۸۲۶

استنطاق و ب ح ا
 مفوضی داد با ح الف الف
 اعداد ۲۳۷
 استنطاق قطب کونین
 بنات او ا ا الف الف
 اعداد ۲۲۹
 مستند (مصطفی س)

جمع کل

۱۱۸۲۶

بایان بسیار مبوط و شرح بسیار مفضل که هر کسی بفهمد و استفاده کند شرح میدسیم
 استنطاق: خواهیم بینیم که آیا از این جمع کل استفاده دیگری نیز میشود کرد یا نه؟ آیا این
 جمع کل ناطق است یا صامت؟ برای فهمیدن این مطلب اعداد فوق را که پنج رقم است با قاعده
 (انجذ) بحروف تبدیل کردیم یعنی حروف آنها را زیر آنها نوشتیم.

اعداد جمع کل : ۱ ۱ ۸ ۲ ۶

تبدیل بحروف : و ب ح ا

قاعده مفوضی: هر حرفی را چون خواهند مفوضی کنند باید آنچه تلفظ میشود (بحروف مقطعه یعنی

از یکدیگر جدا) بنویسند، حال آن حرف یا دو حرفی است مثل ب ا ح ا . ت ا یا سه حرفی است
 مثل ع ی ن . ق ا ف . ک ا ف هر چه باشد حرف اول آنرا (زُبر) و باقی مانده
 آنرا (بیتات) می نامند مثال از دو حرفی (ب) را (ب ا) می نویسند بعد از آن (ب)
 و بیتات آن (ا) میباشد. مثال ۳ حرفی (ع) را (ع ی ن) بنویسند زُبر آن
 (ع) و بیتات آن (ی ن) میباشد. در اینجا ۲۸ حرف ابجد را به ترتیب ملفوظی و مقطعه بنویسیم

تا بسیار آسان شود

ا ب ج د - ه و ز - ح ط می -
 الف با هیم دال ه او وا ز ا ح ط ا ی ا

ک ل م ن - س ع ف ص
 کاف لام میم نون سین عین فاء صاد

ق ر ش ت - ث خ ذ - ض ظ غ
 قاف راء شین تاء ثا خا ذال ضاد ظا غین

جمع کل اعداد لوح : ۱ ۱ ۸ ۲ ۶

حروف آن اعداد : و ب ح ا ا

ملفوظی آنحصا : و ا د ب ا ح ا الف الف

اعداد آنها بحساب ابجد : ۱۳ ۳ ۹ ۱۱۱ ۱۱۱

جمع اعداد آنها : ۲۴۷
مطابق شد با عدد : قطب کونین

با حروف مقطعه : ق ط ب ک و ن ی ن
اعداد آنها : ۱۰۰ ۹ ۲ ۶ ۵ ۱ ۵۰

جمع این اعداد : ۲۴۷
قطب کونین

ستاره جدی را ستاره قطب می گویند چون بجای خود قائم و ثابت است و بیاری از ستارگان
به گرد آن میگردند. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را حقیقه است میگویند باین سبب که
نور محمدی حقیقت همه اشیاست و همه عالم و آدم بگرد خورشید میگردند و از نور مبارکش کسب نور
فیض میکنند قطب الاقطاب و و اربطة انقیض از القاب مبارک اوست ممکن است که بعضی
از فاق و دنیا طلبان دعوی قطب الاقطابی کنند باین سبب توضیح بیشتری خواستیم که
«قطب کونین» کیست ؟

خداوند تبارک و تعالی بی نیات آن حروف متوجه فرمود .

استنطاق کردیم : و ب ح ا ا
حروف ملفوظی جمع کل

یعنی زبر و بنیانش این بود : واو با ح ا الف الف

زُبُرًا رَابِعًا شَتِّيمًا : او ۱ ۱ ل ف
 اعداد آنها : ۷ ۱ ۱ ۱۰ ۱۰

جمع اعداد این بود : ۲۲۹

و این عدد کلمه مصطفی است : م ۹ ص ۹ ط ۸ ف ۸ ی ۱۰

بمَعْدُ : مصطفی
 ۲۲۹

پس معلوم شد که از زُبُر و بیانات در جمع کل اعداد پنجگانه لوح محفوظ (قطب کونین) و از بیانات آن مصطفی استخراج می شود یعنی مصطفی در این اعداد جمع متعبر است چنانچه باید تا ببینند فاعْتَبِرُوا يَا اُولِيَ الْاَبْصَارِ وَقَالَ اللهُ تَعَالَى يَا لَيْتِنَا اَلْزُبُرُ و چون از اول بنا بر پنج گذارده شده بود اعداد جمع کل پنج رقم و تعداد حروف کلمه مبارکه مصطفی نیز پنج می باشد پس مستحصله و نتیجه همه این کیفیات (قطب کونین) و آن مصطفی است

۱- پیامی لوح مبارک یعنی ده آیه قرآن

اعدادش ۱۱۸۲۶ و مستحصله اش مصطفی است

۲- شمار شیخ سعدی علیه الرحمه ده مصرع یعنی پنج شعر مدحیه و توسل به ائمه عصمت و طهارت^۴

اعدادش ۱۱۸۲۶ و مستحصله اش مصطفی است

۳- سطر اول لوح سطر سلام بدرگاه منور بارگاه رسالت صلی الله علیه و آله

اعدادش ۱۱۸۲۶ و مستحصله اش مصطفی است

۴- هر سطر از سطور لوح مبارک فقی یا عمودی یا قطری یا به شکلهای دیگری که ذکر شد

اعدادش ۱۱۸۲۶ و مستحصله اش مصطفی است

۵- آیات مبارکات که روی ماه دستاره دو گوشه لوح مبارک است

اعدادش ۱۱۸۲۶ و مستحصله اش مصطفی است

اللَّهُ مُصْطَفَىٰ مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّهُ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ج آیه ۲۵

آن خواجه که قرب حق بود مایه او	معراج بود نهایت پایه او
بی خط و زده بر همه عالم خط نسخ	بی سایه و آفتاب در سایه او

لوح محفوظ

اسم این لوح منظم که ۲۵ × ۲۵ و همه آن نعت و مدح و منقبت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است (لوح محفوظ) است . گفته اند که لوح محفوظ در عرش اعلا است الا بحمد مکر کورنی لوح محفوظ . نیز گفته اند که لوح محفوظ حقیقی سینه مبارک حضرت صلی الله علیه و آله وسلم است که بجه اسرار عالم در آن محفوظ است حروف کلمه لوح محفوظ را چون تقطیع کردیم اینطور شد :

ل و ح م ح ف و ظ

اعداد بحساب ابجد : ۳. ۶ ۸ ۴. ۸ ۸. ۶ ۹..

جمع اعداد حروف : ۱۰۷۸

صفر را انداختیم : ۱۷۸

به حروف تبدیل کردیم : ح ز ا

به حرفی را بنفوی نوشتیم : ح ا ز ا ل ف

عدد گرفتیم : ۹ ۸ ۱۱۱

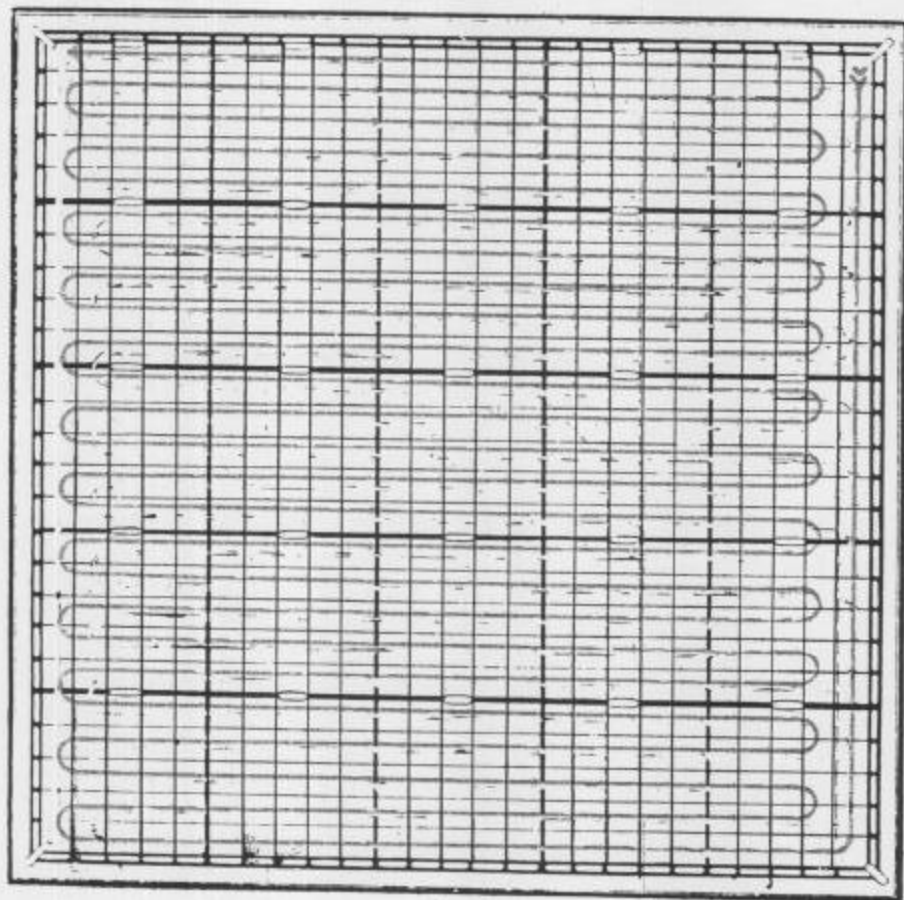
جمع کردیم : ۱۲۸

مطابق شد با عدد : نبی الله ، ۱۲۸

ن ب ی ا ل ل ه

باین صورت : ۵. ۲ ۱۰. ۱ ۳. ۳ ۵ = ۱۲۸

من را کجا زبان که بوصف تو سرزند چون شسته ای که همراه سیمغ پرزند
 نوتف



خط سبز در این نقشه نشان میدهد که این هدیه به پیشگاه مقدس جلالت در سالت فقط یک
 سطر است از خانه اول شروع بخواندن نموده پانین آمده و باز بهمانطور بالا برگشته تا به خانه آخر
 برسد محیط میشود و گرنه کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیت که ترکیم سرگشت و صفحه بشمارم

نونه ای از زُبر و نیت بزرگی فرموده است :

رفی است کتاب حق تمامی به نظام اسرار آئی است بر طین کلام
از اسم محمد که بود مصدر کل در باب زینت نامش اسلام

محمد

م	ح	م	د	:	مقطع آن
م	ح	م	دال	:	ملفوظی آن
م	ا	م	ال	:	نیت آن
۴۱۰	۱	۴۱۰	۳۱	:	اعداد آن
۱۳۲				:	جمع اعداد

اسلام

ا	س	ل	ا	م	:	مقطع آن
ا	۶	۳	۱	۴۰	:	عدد آن
۱۳۲				:	جمع آن	

از بیتات حروف اسم محمد اسلام بدست می آید.

مکن است کسی بگوید این اتفاقی است لذا نمونه دیگری از زُبر و بیتنه را می آوریم :

توصیف علی گنجد اندر اذنان بیرون بود از فهم و معانی و بیان
ایمان به ولایتش معلق باشد در یاب زبینات ناش ایمان

علیؑ

مقطعه : ع ل ی
لفظی : ع ی ن ل ا م ی ا
بنیات : ی ن ا م ا
اعداد : ۱. ۵. ۱. ۴. ۱

جمع اعداد بنیات : ۱.۲

ایمان

مقطعه : ا ی م ا ن
اعداد : ۱. ۱. ۴. ۱. ۵.
جمع : ۱.۲

از بنینات حروف اسم علی ایمان بدست می آید.

دایره ابجد بیت و هشت حرف است که در زبان فارسی و عربی مورد استفاده است .
 اگر بنحویسم آن حروف را بنحویسم بهتر ترتیبی می توانیم نوشت مکن برای آنحروف تسکین و
 دایره ثانی مرتب نموده اند و هر کدام از آنها را اسمی گذارده اند مثلاً دایره (ا ب ت ث) باین ترتیب :
 ا ب ت ث ج ح خ د ذ ز س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و ه ی
 همین طور دایره دیگر که آنرا (ابجد) میگویند باین ترتیب :

ا ب ج د ه و ز - ح ط ی - ک ل م ن - س ع ف ص - ق ر ش ت - ث خ ذ - ض ط غ
 حروف بالا را هشت قسمت کرده اند و هر قسمت را کلمه قرار داده اند باین ترتیب :
 ابجد ، هوز ، حطی ، کلین ، سفص ، قرشت ، شخذ ، ضطغ
 بعضی این هشت قسمت را اسم هشت ملک گفته اند و بعضی دیگر گفته اند که سلطانی بوده و هشت سپر
 داشته و اینها نام های پیران او بوده است و دیگر اقوال در باره آن حروف بسیار است در
 کتاب جنوات میر محمد باقر داماد قدس سده صفحه ۱۰۲ این حدیث نبوی است صلی الله علیه و آله
 تَعَلَّمُوا أَبْجَادَ تَفْسِيرُهَا وَ دَرَصُوا ۱۰۲ حدیث کریم نبوی یا علی و لیل العالم لا یعرف تفسیر ابجد و ان علیاً
 كَانَ یَعْرِفُ الْفِئْتَنَ مِنْ جَمْعِئِشْ وَ نِزَالَ ابْجَدُ مَرُکُوزُ فِی لُوحٍ مَخْهُوْطٍ وَ نِزَالَ اَعْدَادُ اَرْوَاحٍ وَ اَخْرُوفُ اَسْبَاحٍ
 وَ اَعْدَادُ کَاسِنَانَ الْمُنْصَاحِ اِذَا نَقَصَتْ اَوْ اَزَادَتْ لَفَتْحُ الْبَابِ وَ اَلْزِیَادَةُ عَلَی الْعَدَدِ الْمَطْلُوبِ
 اِنْزَافٌ وَ النِّقْصُ مِنْهُ اِخْلَالٌ . اعداد روح اند و حروف قالب آنهاست . بنا بر این معلوم میشود که

ابجد بسیار قدیمی است و تعلق به عالم بالادارد برای هر حرفی عددی معین شده است و او را حساب ابجد میگویند و محل نیز گفته اند .

برای تعیین اعداد حروف ابونصر فراسی در کتاب نصاب الصبیان خود گفته است :

یکان یکان شمس اجد حروف تا حطی چنانکه از کلیمین عشر عشر تا سفض
پس آنکه از قرشت تا ضغ شمر صد دل از حساب محل شد تمام متخلص

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۲۰	۳۰	۴۰	۵۰

برای گرفتن اعداد حروف و الفاظ و کلمات و جملات اساتید فن قواعدی گفته اند که در اینجا لازم است تذکر دهیم . برای گرفتن اعداد حروف بهتر است که هر جمله ای را که بخواهند عدد بگیرند اول آن جمله را ملفوظی یعنی آنطور که تلفظ میشود بطور جداگانه و مقطعه بنویسند بعد اعداد آنها را جمع کنند مثلاً در کلمه (حسن) حروف را بطور جداگانه می نویسند : ح ۶ س ۶ ن ۵ اعداد از جمع میکنند (۱۱۸) شود بهین ترتیب همه حروف ابجد عدد گرفت گاهی در آن حروف صریح شده میباشد مثل محمد، معتقد، مکرم، که میم و لام و را در این سه اسم شده است چون در نوشتن کحرف نوشته شده است و دو حرف «تلفظ است نه بر کاغذ» لهذا کحرف بحباب می آید نه دو حرف پس عدد «محمد» ۹۲ است (۱۳۲) معتقد عددش (۱۷۴) است نه (۲۰۴)

و مکرّم (۳۰۰) همچنین است حرفی که اشباع شده باشد مثلاً سوره نور آیه ۹ و یذروا
 که در تلفظ دو واو است و در نوشتن یک واو و در سوره نمل، آیه ۵۹: الَّذِینَ اصْطَفٰ
 اللهُ در اینجا الف اشباع شده است و تلفظ دو الف معلوم می شود لکن در حساب عدد
 یک الف محسوب خواهد شد.

و بعضی موارد نون غنسی در جمله میباشد مثلاً سوره سبأ، آیه ۳۱: لَبِثْتُمْ اِلٰی بَعْضِ الْقَوْلِ
 یا در سوره صافات آیه ۶: بِرِیْثَةِ الْكٰوِبِ که این قسم نون با عدد ندارد و محسوب نمیشود.
 همزه ها که در آخر کلمات عربی میباشد مثلاً مَنْ شَاءَ اَوْلِیَاءَ اللهُ که همزه بعد از الف است
 و یُوَدُّهٗ که همزه بین واو و دال است همزه در اینجا مثل این موارد یک عدد بحساب می آید.
 و بعضی موارد چون تلفظ نمی شود و بر صفحه نوشته نمیشود بحساب نمی آید

چون نبیا اولیا صفیا ائقیا ازکیا
 و در بعضی موارد همزه نوشته شده لکن تلفظ نمی شود و اعراب گفته میشود مثل همزه های بالای این
 کلمات: مایه دانش قده تکوین وسیله نجات زبده انام و علامت ربط کلمه
 اول به کلمه دوم است و عدد ندارد. در زمان سابق اعداد حروف و استعمال آن بقدری رایج بود
 و محفوظ اشخاص شده بود که بر صفحات کتابها بجای صفحه گذاری حروف را می نوشتند که در این زمان
 آن کتب موجود است مثلاً بالای صفحه ۵ (هـ) نوشته اند و بالای صفحه دو از دهم (دیب)

* البته اینها سزی است که همزه به نظری رسد

نوشته اند و بر صفحه ۱۵۰ (قن) نوشته اند و از این قبیل که بسیار است و نشان ما و
 رموزات حروف و اعداد تا بحال بسیار استعمال داشته است و شعرا در اشعار خود تاریخ را بحرف و
 سخن تبدیل نموده و این فن را یک شعار و کمال خود دانسته و میدانند که از الهامات غیبی قیامت
 الهی در سخنان آنها صورت گرفته است. مثلاً در هندوستان خواجه از شهر حیدرآباد دکن پنی دیدم
 که بسیار طویل بود تاریخ آن بسنگی حک شده بود سراط مستقیم و در همه مملکت هند در عمارات
 و بنیه و آثار قدیمی صد ها تاریخ بنگ مرمر محکوک دیدم که بزبان ایرانی شش ای ایران یادگار
 گذارده بودند و سبب آن توجه سلاطین سابق هند به زبان فارسی بوده است که همیشه مشوق و قدر
 دان فارسی زبانان بودند و از سخنان فضلا و شعرای ایرانی مخطوط و مستفیض می شدند مثلاً مسجدی را
 دیدم که برای وضو گرفتن در آن چاهی حفر نموده بودند تاریخ تعمیر آن مسجد این مصرع بود :

- ثانی کعبه ثانی زمزم -

میر انیس از شعرای مخصوص هندوستان که برای احدی شعر نسروده بود مگر برای حضرت
 امام حسین علیه السلام و اصحاب او ، مرثیه های او مضامین بسیار بلند و پر مغنی دارد و آن شاعر
 دارای مناعت طبع عجیبی بوده که به سلاطین آنجا اتقانی نداشته است مرثیه های او را باطرز مخصوص
 میخوانند تاریخ و فاش :

(طو رسینابی کلیم الله و نمبر بی انیس) ۹۴۵

تایخ نصب ضریح رضوی : حیدر رسال ۱۳۷۲ هجری موق به ساختن ضریحی از طلا و نقره شد م که
 در سال ۱۳۷۹ هجری آماده نصب گردید . دل ضریح مطهر روی قبله . زیر اشعار و عاییه به بگن کنگان
 و بیت آاب طلا نوشته ام که در مصرع دوم بر دو بیت آن مقصود بدست آمده است :

هاتنی صفا این ضریح گفت عجز اصنافون عن صفتک
 (۱۰۸۸)

پی تایخ در معنی سفت ما عرفنا حق معرفتک
 (۱۳۷۹)

مصرع دوم از بیت اول مطابق شده با عدد (لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْمُنَافِقِينَ) و بیت دوم تایخ نصب ضریح است
 ۱۰۸۸



گوشای از مرقد مطهر حضرت ضاعلیه السلام بنگامی که ضریح قدیمی را برداشته و سنگهای زیر ضریح
 را از نو نصب نموده بودند و آماده برای گذاردن ضریح نوین گردیده بود . در این عکس بانی
 ساختمان ضریح جدید موافق زمین ادب میبوسد . سوم شعبان ۱۳۷۹ هجری

الْأَسْمَاءُ تُنَزَّلُ مِنَ السَّمَاءِ

بین حروف هم مثل سایر شاید عالم رابطه و تناسب انس و محبت است
 به هر سری و به هر جانی به هر روحی به هر نباتی و هر دانه ای که در دنیا است
 به ذره بین نظر بنی اربعیان بنی حکایت دل مجنون و حالت لیلی است
 «تولفت»

چون بیشتر مردم رابطه بین حروف و اسماء را نمی دانند و متوجه نیستند که چگونه بین بعضی حروف و
 اسماء رابطه و مناسبت می باشد مثالی ذکر می کنیم برای اسم موسی و سینا چگونه حروف
 این دو اسم با یکدیگر مربوط و منسوب و مانوس اند

اسماء را نوشتیم : موسی - سینا

از یکدیگر جدا نوشتیم : م و س ی - س ی ن ا

در دو طرف نوشتیم : م و س ی س ی ن ا

بین این حروف خطی کشیم : م و س ی | س ی ن ا

باز در دو طرف خط این سامی پیدا شد : م و س ی | س ی ن ا

سَبَبُ تَأْلِيفِ لَوْحِ مَحْفُوظٍ

در سال ۱۳۵۱ هجری مطابق ۱۹۳۲ میلادی نفر آولی بود که از شخص مقدس روانه هندوستان شدم بسبب ایام ناموافقی که در پیش بوده سال شش ماه به ایران مراجعت نمودم و در این مدت که دوران جوانی بود با لباس ساده و مخفی به هر کوه و دشت و بیابان و خانقاه و مسجد و مندر در شهرها و روستاها می گشتم تیار و سیاح بودم و ایام گراما که برایم طاقت فرسا بود به نقاط سرد آن مملکت میرفتم چنانچه شش سال متصل هر سالی شش ماه به سرزمین کشمیر که از همه سرزمین هند شباست بیشتری به ایران داشت فرستم، تعریف و توصیف آن سرزمین را از امانی هند که سرزمین ایران را ندیده بودند همیشه می شنیدم با خود گفتم «که اگر بر کشمیر بروم من باید که به سیاحی کشمیر بروم» بحول الله و توفیق فرتم، بیشتر اوقات در حجل «صوفی پوره» در دامن کوه «ترال» کشمیر اقامت می کردیم. اینجا از شهر سرینگر که مرکز کشمیر بود تقریباً شصت میل دور بود در نزدیکی قرینه «پهلگام» که محلی سرسبز و شاداب و درگرماسرد بود و کوههای پربرفی داشت با فاصله ۱۰ میل مقابل مقام اسلام آباد

(انت ناک) در دامنہ (کوہ ترال) محل ترفعی بود نام تپہ «صوفی پورہ» مردم آن سرزمین بیشتر فقیر و شیعه و ہمہ بیابانی و از راه در سوم دنیا و شہری اطلاع بودند و بسیار با خلوص و محبت بہ ہمہ مہربانی میکردند و بقول معروف «دیوانہ چو دیوانہ بسیند خوش آید» کہ اگر افراد تمدن امروز حقیر را بآن حالت در آن نواحی میدیدند بقیینا دیوانہ میخواندند و من دیوانہ در آن دشت دیوانہ خانہ بسیار خوش بودم و میگفتم «خوش عالمی است عالم دیوانگی اگر موی دماغ مانشد شخص عاقلی» و نفر ملازم یکی پس از دیگری در آن سرزمین با خود ہمراہ داشتم کہ کمک کار من بودند اول مرحوم «اسد میر» و دوم «علی شیخ» کہ حال صاحب خانہ و زندگی و ساکن کراچی است خدا جزای خیر بآن مردمان نمون دہد.

القصہ مدتی بود در این خیال بودم کہ طرفہ امی در این دیار پناہ در ہندوستان بہ رسم یا دگاہ برای دوستان بگذارم و چہ بترمی شد کہ آن طرفہ طوری می بود کہ مورد توجہ ہمہ مسلمانان از شیعی و شیعہ واقع می شد خصوصاً مطلبی کہ مرا متاثر داشتہ و از آن متاسف بودم این بود کہ برادران اہل سنت میگفتند، شیعہ از شیعی سطحی خود شب و روز بہ بدعہ سہرانی و منقبت گونی حضرت مولای متقیان امیر المؤمنین علیہ الصلوٰۃ والسلام مشغول است کہ گویا از سرور دو عالم فخر عالم و آدم حضرت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فراموش کردہ است.

برادران اهل سنت نیز همیشه به این رویه اعتراض داشتند و گاهی زبان تجاوز می‌گشودند
 به خیال آنکه مذهب جعفری و سوره‌ش همین است همه شیعیان عالم را به همین نظری دیده و می‌بینند
 که جای بسیار ناسف است لهذا همیشه بخاطر دهم که صفحه‌ای در مدح و منقبت خلاصه موجود است
 سرور کائنات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از خداوند متعال درخواست
 کنم که دارای خصوصیات و مزایایی باشد شاید خدای بزرگ مورد توجه کلیه مسلمانان بخصوص
 مسلمانان آن خطه قرار دهد و آن افکار را از ضمیر آنان بیرون برد و دارای
 این خصوصیات باشد :

- ۱- در باطن عین و مفصل باشد ۲- هر چه باشد یک صفحه بیشتر نباشد ۳- تحمیر آورد و مجسمه‌نا باشد
- ۴- صنایع علمی و بدایع ادبی داشته باشد ۵- خوشنما و خوشخط و خوش رنگ باشد ۶- بعلم حروف و عدد مشکلی باشد
- ۷- باطو ابر خوب و حقایق عالی باشد

به هر حال شش ماه در همان محل در کشمیر متوقف و به آن مصروف بودم اولاً صورت و طرح آن
 نقش را کشیده و بعد آیه از قرآن مجید را که متعلق بحضرت صلی الله علیه و آله میباشد فتم و فوق
 صفحه نهم هر ده آیه را یکجا عدد گرفتیم اعداد آنها را که بحجاب اجد جمع شده بود زیر آنها گذاریم و بعد
 شروع به انتخاب اشعار شیخ سعدی علیه الرحمه نمودم از کتاب بوستان او که قصیده‌ای در مدح
 حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حال خوشی گفته که بعین در آن وقت با تأثرات

و ایمان کامل متوسل بآل و اهل بیت اطهار شده است این شعار را ذیل آیات مبارکه قرآن نهم



در کل صوفی پوره دهنست که توال کشیم مقیم چند سنگلی گذارده تخته نمایی بالای آن گنجانده میزین نتم حصیری زیر
فرش کرم کتاب کاغذ و ساعت و کیف دستی بالای میز نظری آید کنار زمین جوی آب جاری است طاق چوبی آبرفت
میباشد چون در آن فوجی فرسهای نمیدنودی آمد در رفت میکردند بوسید زرد بان بالا رفته و سماجی میجوایم .

و مضامین اصل لوح مبارک شروع کردم چون سلام درین همه مسلمانان رایج و شعار است خواستم
سطر اول لوح را به سطر سلام اختصاص دهم که همیشه این لوح در هر کجا که باشد حقیقتاً سلامی باشد و اصطلاح
اهل فن ذوالکتابه باشد و نیز مضموری منظمی باشد یعنی هم اعداد و هم حروف باشد یعنی روح جسم

برد و با هم باشد که در واقع زنده و گوینده باشد دارای جمال و جلال و کمال باشد برای جمال طلسم
 میبوی، برای عوم نقش و لفریبی، برای خواص لوح عجیبی و برای ابل نظر مدحیه ای شکفت آور باشد
 تقریباً پنج ماه شب و روز در آن بیابان نه بفسر خواب و نه بیاد خوراک بودم بلکه همه غم و غم
 همین بود که این فسر عملی شود و این مقصد صورت گیرد صفحات بسیاری سیاه و مرکب زیادی
 تباہ کردم گاهی در عبارتش حیران و گاه دیگر در اعدادش سرگردان می گشتم تا آنجا که نخطاتی در
 اوضاعش پشیمان می شدم و این اندیشه بمواره مرا بنحو مشغول ساخته بود بطوریکه شب و روز سرگرم
 آن بودم آخر الامر بسیار متفکر و بکلی از وضع آن مایوس و از شکل گرفتن آن مبهوت شدم و
 بگوشه ای نشسته با خود گفتم پنج ماه از سر در چنین جانی با چنین حالتی گذشت و با داشتن مقدمات
 در این موخرات در ماندم سرانجام با قلمی سرخ بر صفحه کاغذی برای همربان و آنانکه بعد ما خواهند نوشتیم؛
 (رها برای تنظیم و شکل ۲۵×۲۵ منظمی و مضموری بصورت ذوالکتابه بزقار بیسمی گوش
 نکنید و پنج نبرید که درست نخواهد شد و وفق نخواهد داد) این اقرار نامه را که در حقیقت ضربی بود،
 برداشتنیایم فرود آوردم و غم و روهوانی که در سر خویش داشتم فرو نشاندم و دانستم که تاکنون نهم
 با کمال خجالت و حقارت سر بر زمین نهادم و بنحوب رقم پس از نخطای ای از خواب برخاستم و خود را
 دگرگون یافتیم که گفته اند: هر که شب راه رفت صبح بمنزل رسید هر که شب خواب کرد خاک بر سر میکند
 خوابه باین زیرکی کمتری از مرغی ناله افغان آه وقت سحر میکند دست حاجت چو بری پیش خداوندی بر

که کریم است و رحیم است و غفور است و ودود ای حکیمی که هزاران جاہل را بیک نخطہ عالم نمودی ،
 ای کریمی که هزاران محتاج را بیک لمحہ غنی ساختی ، ای حکیمی که هزاران مریض را بیک اشارت شفای
 بخشیدی ، مرا مقصود و مقصدم برسان ، خواسته ام را برآور ، دیگر بار مشغول محاسبه بشدم دیدم
 گره با باشد ، و خموشی با بنواد آمد ، بل ہو نور یقذفہ اللہ فی قلب من یشاء ، مثل آنکہ ہر محاسبہ ای
 دست در می آید و ہر فکری راہ مقصودی پیوود و در نتیجہ خانہ بہ خانہ و سطر بہ سطر مرتب میگردد مشکلات
 و مضائق حل میشد در چند نخطہ براہ اتقادم و در چند لمحہ پیش رقم و در چند دقیقہ بہ ارتعاشم و در چند
 ساعت بہ نقشاریدم یقینم شد کہ در قدرت این کار بہ تصویب رسید گویند ابی رہنچو آستند
 از جوی آبی عبور دهند آنچه میکردند چون نزدیک جوی می شد و آب نظر میکرد بہ تہقیر بر می گشت ہر چه
 کردند گذشت و از دیدن آب ہر اسان میشد عازنی کجی نشسته بود فریاد کرد این حیوان را زینب
 آب را بر ہم زیند و گل آلود کنی و اسب ابرید ، چنین کردند ، اسب باسانی داخل جوی آب شد
 و گذشت از عارف را از مطلب را پرسیدند گفت تا وقتی کہ خود را در آب میدید بر روی خود دست
 پائی گذاشت چون آب گل آلود شد و خود بینی از نظر او محو گردید در آب داخل شد و از آب خارج گشت
 از این قضیہ فہیم تا در ضمیر خود ، حوشتن را در این علم عالم میدیم توان از آب گذشتن را نیاتم و چون
 این غرور شکستہ شد و بر عجز و ناتوانی خود پی برورم و اقرار کردم بہ زلال رحمت الہی دست یافتم و
 بہ مقصود رسیدم پس دانستم کہ در ہر کار لطف کردگار لازم است و دیگر کار با نیایدہ است

کتبه بر تقوی و دانش در حقیقت کافریست راه زوگر صد هسند دارد توکل بایش
 این همه گفتیم لیکن در هیچ بی غنایات خدا حیم ، هیچ
 بی غنایات حق خاصان حق گر ملک باشد سیاهتیش در حق
 غلام دوش وقت سحر غصه نجا دادند و اندران نیمه شب آب حیاتم دادند
 در چند روز اصول آن لوح مرتب شد و فروع آن در حلال سافرت بتدیج نامت دو سال خانمیت
 گفت پیغمبر آواز بلند با توکل زانوی اشتر بند
 در این مدت دو سال رستان را در شهر دہلی (کهکشان منزل) منزل مرحوم جناب نواب سید
 سرفراز حسین خان بوم مردی بسیار مخلص و بزرگوار و علم دوست بود و در گرفتن اعداد اجداد بسیار یاری
 میکرد و خوش شاد باد چندین هزار کلمه را در باره آنحضرت عددگیر فتم و موافق نمیدیم و میگذاشتم
 البته در این کار توکل بکردگار و تامل سرشار و توجه بسیار لازم بود اگر چه در این جستجو و کا پور و حلاً
 فوائد بسیاری عاید میشد که خستگی جسمی محسوس نمی گردید .

چه دلوله است هویدا نخطه سخنان چه غلغله است که در عالم حرف پست
 و پس از این دو سال که کامل شد نامت زمانی بطبع نرسانیم و تنها یک نخ بش نبود در ایام
 تابستان که بشهد مقدس شرف می شدم همراه میر بوم می آوردم و بعضی از دوستان و دشمنان
 اراده میدادم و شرح لازم را بیان میداشتم بیارامور و شوق و تحسین و تقدیر قرار میدادند آقایانی که مرا

بقرنیات خود مفتخر فرمودند حضرات آیت الله میرزا مهدی صفهانی طاب ثراه آیت الله حاج میرزا
 علی اکبر نوقانی طاب ثراه آیت الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی طاب ثراه آیت الله سید صدرالدین
 قمی طاب ثراه آیت الله حاج شیخ محبتی قزوینی طاب ثراه بسیاری از دانشمندان و بزرگان ایران
 سنا ما امور تفقد قرار دادند که ذکر اسامی آنها باعث تطویل کلام میشود آیت الله العظمی بروجرودی
 قدس سره به آقای حجه الاسلام آیت الله زاده حاج سید رضا صدرالدین قمی فرموده بودند که شب است
 که چون به تیر خواب میروم بفکر این لوح از حیرت آن خواب از سرم می رود که چگونه مرتب شده است
 بهر حال چون به کسی آن لوح را مطالبه میکرد و عرض من انتشار آن در بین مسلمانان هندوستان بود
 سخت آن را در آن سه زمین مقرر کردم .

همه خطوط آن بقلم خوشنویسان ایرانی است خطوط نستعلیق آن بقلم آقای حسن زرین خط تهرانی
 خطوط ثلث آن بقلم آقای حاج شیخ احمد زنجانی نجفی نقاشی و جداول آن بقلم آقای علی محمد خردسپهر
 در تهران انجام شد و خاتمه یافت و در کراچی مطبعه پرودیس پاکستان و مرتبه دوم در تاج کمپنسی بطبع رسید
 و گرا در سازی آن در (اکسپرس بلاک) انجام یافت در همه این اقدامات کاملاً زیر نظر بود که با وقایق
 مخصوص خود به چاپ برسد تا اینکه خاتمه یافت . تعداد ۴ هزار صفحات ۶۵×۵۲ بشش رنگ بچاپ رسید
 در هندوستان چندی منزل آقای علی احمد صاحب جعفری بازرگ تعلیمات و فرهنگ شهر دلی همان
 بودم جناب آقای دکتر ذاکر حسین دانشمند منظم که مقام برجسته و شامخی و شخصیت منحصر بفرد و متمایز را

در همه هند دارا بودند و شخصاً دانشگاهی بنام (جامعه ملیه) در خارج شهر تاسیس و تشکیل داده بودند منزل به ملاقات آقهر بار با تشریف آوردند در ملاقات اول فرقیته انسانیت و قار و تواضع ظری معظم له شدم. هدف استاد از این دیدار دیدن و شنیدن شرح لوح محفوظ بود که مفصلاً شرح دادم معظم له فرمودند که بسیار از دیدن لوح متعجب شدم و نیز فرمودند که (اگر من این لوح را ندیده بودم و آن خارج شرح آزما می شنیدم مکلفیتم چنین چیزی محال است لکن حال که خود می بینم باید بگویم ممکن است) بارها به ملاقات تشریف می آوردند و مذاکراتی و سوالاتی در باره این لوح و دیگر رشته های علوم غریبه مطرح می نمودند و آقهر تا جائیکه ممکن بود جواب عرض می کردم (رحمه الله علیه) از سوالات ایشان که از روی علم و معرفت و خلوص بود بسیار محفوظ می شدم ایشان برای یکماه توقف در دانشگاه خودشان (جامعه ملیه) دعوت فرمودند آقهر به خاطر بیخاطی معذرت خواستم بعد برای یک روز بعد از ظهر دعوت فرمودند که دانشندان و پرفسورها و استادان را در آن ساعت دعوت کنند و ضمناً آقهر برای آنان لوح محفوظ را شرح دهم پذیرفتم، تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۴۴ میلادی که مطابق با سال ۱۳۶۶ بود و چنین سخن عالمانه ای در محل دانشگاه تشکیل شد به امر ایشان پشت میز فرقم از اول تا به آخر لوح محفوظ را مفصلاً شرح دادم حاضرین از شیوه و جد آمدند و بعد از بلند تحسین و تجیید فرموده او انی کردند (در آن جمعیت مردی به نام رفیع احمد قدوائی که لباسی بسیار ساده بر تن داشت برخاست و فرمود تا مجال چنین شخصی و چنین چیزی ندیده و شنیده بودیم) چنانکه بعد معلوم شد شیعیان

در آن روز بسیار خوشوقت و متفخر شده بودند بعد از آدمی هند جناب دکتر ذاکر حسین
 به مقام ریاست جمهور و صدارت مملکت هند و ستان رسیدند و آقای رفیع احمد قدوانی وزارت
 قانون مملکت هند را قبول کردند. جناب دکتر ذاکر حسین اولین کسی بود که از طرف دانشگاه برامی
 تقدیرنامه ای مرحمت فرمودند که خواهد آمد اشخاصیکه در هند قدر دانی نموده و تقدیر برسی مرحمت فرمودند :

جناب نواب مهدی یار جنگ نرس دانشگاه (عثمانیه یونیورسٹی) حیدرآباد دکن مملکت آصفیہ .
 جناب نواب دکتر حافظ احمد سعید خان چتماری نخت وزیر مملکت آصفیہ جی . بی . ای . کی . سی . ایس
 . آئی . کی . سی . آئی . ای . ایل ایل ڈی علیگرہ یونیورسٹی حال نرس دانشگاه علیگرہ ہندوستان .
 اولین شخصی که در زمان دولت انگلیس گوزنر (وزیر کشور) بود .

و در پاکستان جناب دکتر اشتیاق حسین رایت محترم دانشگاه کراچی پاکستان .

جناب اللہ بخش کی بروہی وزیر سابق قانون مملکت پاکستان .

جناب دکتر حمید احمد خان صاحب معاون دانشگاه لاہور پنجاب مملکت پاکستان .

و دیگر اشخاصیستہای بجز مملکت پاکستان کہ مرامورد تقدیر و شوق و تحسین و افری قرار دادند :

جناب نزرال محمد موسی خان وزیر کشور پاکستان غربی و سپہ سالار ارتش پاکستان .

مرحوم محمد علی حبیب . مرحوم حام علوی . مرحوم پرورد سید حسن ختر . مرحوم حاجی دادد ناصر .

جناب غلام محمد فکتو آدم جی . و سجد اللہ دہلستہ منجانب چاپ راز نمونہ شخصی پرداخت نموده و از کسی

کلیت نگر فتم و ناممکن شد بلا قیمت و برایگان با شخاص تقدیم داشتم ، مرحوم غلامحسین تها و شرح آبرا
 به انگلیسی ترجمه نمود و بطبع رسید و نشر گردید و بجای فرستاده شد و مرحوم سید ساجد حسین صاحب
 لکنوی شرح آن را بزبان اردو نوشت و بطبع رسید و خوشان شاد باد

بجهد الله و المنه و بحول الله و قوته تا حدی مقصدی که داشتم حاصل شد یعنی از جانب کلیت فرشیعی بی عرض
 یک صفحه مدحیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بطوری که میخواستم برای دانشمندان بهمان
 آن مملکت و دیگر ممالک اسلامی بسم یادگار باقی گذارم و برای شش دانشگاه پاکستان حدود ۶۰ جلد کتاب
 لوح محفوظ به زبان اردو فرستادم .

و اینک این رساله لوح محفوظ به زبان فارسی که تاکنون منتشر نشده بود با همکاری آقایان دانشمند :
 محمد رضای حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی تنظیم شد و در دسر فارسی زبانان قرار گرفت .

کتاب الجفر الجامع والنور اللامع

جفر جامع را مولای متقیان منظر العجائب و منظر الغرائب امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه الصلوٰۃ والسلام

نسبت داده اند. این کتاب در ظاهر دارای ۲۸ جزو است و بر خردی دارای ۲۸ صفحه است و بر صفحه
 از آن دارای ۲۸ سطر و بر طری از آن دارای ۲۸ خانه است و بر خانه از آن دارای چهار حرف است
 بطوریکه در همه آن کتاب از اول تا به آخر در دو خانه یک قسم حروف نوشته شده است و از حیث ترکیب کلمات
 و بر ابریت هر خانه اورا که بنگرید وضع حروف آن منحصر بهمان خانه میباشد مثلاً یک خانه اورا بجزیم **اوب و** میباشد
 از اول کتاب تا به آخر کتاب چنین خانه ای چنین حروفی باین ترتیب نخواهید دید و اگر کسی چهار حرفی بگوید یا
 بنویسد با معنی یا بی معنی یعنی تماماً در یک خانه از آن کتاب باین ترتیب موجود خواهد بود و اگر در آن کتاب
 نباشد آن کتاب غلط و از شی نخواهد داشت و اگر بهمان طور در دو جای کتاب پیدا شود نیز آن کتاب غلط نوشته شد و از شی نادر
 در آن کتاب بیت و ثبت حرف ایچ چنان دور داده شده است که محال است صورتی پیدا شود که آن کتاب مطالب موجود باشد
 کسی نوشتن این کتاب مایر باشد هر چهار حرفی را که از او سوال کنند بکجاست فرماید خواهد گفت در فلان جزو. فلان صفحه. فلان سطر.
 فلان خانه است بشرطیکه قاعده نوشتن این کتاب را بخوبی متخضر باشد و دایره ایچ وضعی را بخوبی محفوظ و حاضر داشته باشد و خانه اول
 این کتاب چهار الف است (۱۱۱۱) یعنی جزو اول صفحه اول سطر اول خانه اول و خانه آخر این کتاب چهار غ است
 (غ غ غ غ) یعنی جزو ۲۸ صفحه ۲۸ سطر ۲۸ خانه ۲۸ - روی همین قاعده کتاب از اول تا به آخر نوشته
 خواهد شد بنای این کتاب مطالب برداره ایچ است و پایه آن بر عناصر اربع است.

۷۹
 جزو صفحه سطر
 خانه

اکنون از خبر و سیزدهم این کتاب صفحه ششم را از آنه نمیدسیم در سطر سیزدهم این صفحه خانه چهارم را ملاحظه نمایند که

چهار گوشه آن خانه را نشانه گذارده ایم مخصوص با اسم مبارک محمد است **م ح م د**

و در هیچ محلی از آن کتاب این حروف را به این ترتیب نخواهید یافت

این کتاب را چهار اسم نامیداند - تحسیر اعظم - لوح محفوظ - خبر کبیر - خبر جامع

The table is a complex grid with multiple columns and rows. It appears to be a calendar or a list of events, with numbers and text arranged in a structured manner. The table is framed by a decorative border with floral motifs. The text within the table is in Persian and includes various numbers and words, possibly representing dates and events. The table is divided into several sections by lines, and the overall layout is highly organized and detailed.

تذکره ای که در این کتاب مذکور است

در این کتاب مذکور است

چنانکه گفته شد کتاب جفر جامع دارای ۲۸ جزو است

- (۷۸۴) هر جزوی از آن دارای ۲۸ صفحه است که کلاً مقصد و بشاد و چهار میباشد
 (۲۱۹۵۲) و هر صفحه از آن دارای ۲۸ سطر است که کلاً بیت و یکبار و نهصد و پنجاه و دو سطر است
 (۶۱۴,۶۵۶) و هر سطر از آن دارای ۲۸ خانه است که کلاً شصت و چهار و نهصد و پنجاه و شش خانه است
 (۲,۴۵۸,۶۲۴) و در هر خانه چهار حرف میباشد که کلاً دو میلیون چهارصد و پنجاه و شش هزار و شصت و چهار حرف است

این کتاب که کلاً بیت و هشت جزو است به عالمی تشبیه نموده اند و بیت جزو آنرا که بعالمی تشبیه کرده اند
 به چهار قسمت تقسیم نموده اند : شرقی ، غربی ، شمالی ، جنوبی

هر قسمتی را که هفت جزو آن باشد (اقلیمی) نام نهاده اند و هر جزوی از آنرا شهری نام داده اند و در هر جزوی از
 آن که شهری باشد بیت و هشت محله معین کرده اند و هر محله از آن را که سطر باشد بیت و هشت خانه قائل
 شده اند و در هر خانه چهار نفر ساکن دانسته اند یعنی این کتاب عالمی است دارای چهار اقلیم و در هر اقلیمی هفت
 مملکت و در هر مملکتی بیت و هشت شهر و در هر شهری بیت و هشت محله و در هر محله بیت و هشت خانه و در هر خانه
 چهار نفر ساکن میباشد . هفت شهر عشق را عطار گشت ما هنوز اندر خم یک کوچ چو ایم

کتاب جفر جامع چهار اقلیم هفت مملکت بیست و هشت شهر
 بیست و هشت محله بیست و هشت خانه چهار نفر

شرح توافق مندرجات لوح با اعداد

سطر اول

سطر اول لوح محفوظ کہ دارای ۲۵ خانہ است و مطابقت الفاظ و اعداد و میزان ہر خانہ آن و بعد میزان جمع آن اعداد پنجگانہ و در آخر سطر عدد جمع کل یک سطر نوشتہ شدہ است شرح بیت پنج سطر برای مطالعہ کنندگان آورده شد .

شمارہ	جملات	اعداد	میزان اعداد
۱	سلام مابدرگاہ	۴۰۴	
۲	منور بارگاہ	۵۲۵	
۳	شاہ ملک دین	۴۶۰	
۴	مولای کل	۱۳۷	
۵	داعی حق	۱۹۳	۱۷۱۹
۶	رسالہ کتاب عین یقین	۱۰۳۴	
۷	کوفہ کونین	۲۴۱	
۸	سایہ آبہ	۱۱۲	
۹	بادی حجبان	۷۹	
۱۰	دریای احسان	۳۴۵	۱۸۱۱
۱۱	رسول کریم	۵۶۶	
۱۲	کذبہ مقصود	۳۳۷	
۱۳	معدن برکت	۷۸۶	
۱۴	داور اولیا	۲۵۹	
۱۵	قطب عالم خاتم النبیین	۱۴۴۶	۲۳۹۴
۱۶	حاکم دہسہ	۲۷۸	
۱۷	قدوہ عالم و آدم	۳۰۷	
۱۸	چشم اسلام	۴۷۵	
۱۹	رحمۃ العالمین	۸۸۰	
۲۰	کنز الہام جیب اللہ رسول اللہ	۶۰۴	۲۵۴۴
۲۱	السید البشر	۶۳۸	
۲۲	محمد ص	۹۲	
۲۳	بن عبد اللہ صلی اللہ علیہ	۵۰۵	
۲۴	والہ المعصومین	۳۷۹	
۲۵	و اصحابہ المتقین	۷۴۴	۲۳۵۸
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

شماره	جملات	اصدا	میزان اصدا
۲۶	صاحب لوا	۱۳۸	
۲۷	جان علم	۱۹۴	
۲۸	جان قرآن	۴۰۵	
۲۹	نوردارین	۵۲۱	
۳۰	روح الارواح	۴۶۱	۱۷۱۹
۳۱	مہبط وحی	۸۰	
۳۲	نبی الرحمہ	۳۴۶	
۳۳	آیت تطہیر	۱۰۲۵	
۳۴	ولی انعم	۲۲۷	
۳۵	جان جان	۱۱۳	۱۸۱۱
۳۶	محبوب رب	۲۶۰	
۳۷	نخا تجبار	۱۴۴۷	
۳۸	غایت الہ	۵۲۷	
۳۹	گوہر ایان	۳۳۳	
۴۰	لواہی نصرت	۷۸۷	۳۳۹۴
۴۱	مطلع خضلاق	۸۸۱	
۴۲	چشمہ روان	۶۰۵	
۴۳	لطف عمیم	۲۷۹	
۴۴	قلب معانی	۳۰۳	
۴۵	آیت جلال	۴۷۶	۲۵۴۴
۴۶	مقبول رب	۳۸۰	
۴۷	خواجہ فلک	۷۴۵	
۴۸	حاکم شرع	۶۲۹	
۴۹	پاک حسین	۸۸	
۵۰	بدر منیر	۵۰۶	
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۲۳۵۸ ۱۱۸۲۶

شماره	جملات	اعداد	میزان اعداد
۵۱	صل عرفان	۵۲۲	
۵۲	برگزیده دهر	۴۵۷	
۵۳	پناه ام	۱۳۹	
۵۴	کشف ملک	۱۹۵	
۵۵	واقف حقائق	۴.۶	۱۷ ۱۹
۵۶	دریای جود	۲۲۸	
۵۷	کوه حلم	۱۰.۹	
۵۸	جیب جهان	۸۱	
۵۹	بدر عالم	۳۴۷	
۶۰	رهنمای حق	۱۰.۳۶	۱۸ ۱۱
۶۱	نقش مطبونه	۳۳۴	
۶۲	قبیده مرادات	۷۸۳	
۶۳	اعدل عادلان	۲۶۱	
۶۴	پسینیر صدق	۱۴۴۸	
۶۵	شمع محفل	۵۶۸	۳ ۳۹ ۴
۶۶	مدارجبان	۳۰.۴	
۶۷	جلوه توحید	۴۷۲	
۶۸	امیر المتقین	۸۸۲	
۶۹	رسول برحق	۶.۶	
۷۰	مدوح آفاق	۲۸۰	۲۵ ۴ ۴
۷۱	خادمه	۸۹	
۷۲	صابر دهر	۵۰.۲	
۷۳	عقل نقال	۳۸۱	
۷۴	شاه گیتی	۷۴۶	
۷۵	اشرف جهان	۶۴۰	۲۳ ۵ ۱
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

میزان اعداد	اطراف	عنوانات	شماره
	۱۹۶	امید عالم	۷۶
	۴۰۷	مطلع انوار	۷۷
	۵۲۳	امیر عرب	۷۸
	۴۵۸	بی همت	۷۹
۱۷۱۹	۱۳۵	آگاه حق	۸۰
	۳۴۸	نور انام	۸۱
	۱۰۳۷	غیر صادق	۸۲
	۲۳۹	مدوح عالم	۸۳
	۱۱۰	زبدہ انام	۸۴
۱۸۱۱	۷۷	جان پاک	۸۵
	۱۴۴۹	خلیفۃ الرحمن	۸۶
	۵۶۹	جوہر دانش	۸۷
	۳۳۵	مطلع فنون	۸۸
	۷۸۴	جان خلق	۸۹
۳۳۹۴	۲۵۷	آزاد مرد	۹۰
	۶۰۷	صاحب ارشاد	۹۱
	۲۸۱	نمدی دوران	۹۲
	۳۰۵	دریای عطا	۹۳
	۴۷۳	سراج دہر	۹۴
۲۵۴۴	۸۷۸	ضیاء اللہ	۹۵
	۷۴۷	صدر جنت	۹۶
	۲۴۱	والا تبار	۹۷
	۹۰	کان جیا	۹۸
	۵۰۳	امام المرسلین	۹۹
۲۳۵۸	۳۷۷	نور سبحان	۱۰۰
۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶	جمع کل	

شماره	جملات	اعداد	میزان اعداد
۱.۱	شمس جهان	۴۵۹	
۱.۲	عبد مؤید	۱۳۶	
۱.۳	صاحب کمال	۱۹۲	
۱.۴	جلیل القدر	۴۰۸	
۱.۵	سرودار جهان	۵۲۴	۱۷۱۹
۱.۶	نودی کامل	۱۱۱	
۱.۷	آب حیوان	۷۸	
۱.۸	مدبر زمان	۳۴۴	
۱.۹	شریعت نپاه	۱۰۳۸	
۱۱.۰	منفی یس	۲۴۰	۱۸۱۱
۱۱۱	کشتی امید	۷۸۵	
۱۱۲	موجود	۲۵۸	
۱۱۳	چرخ اُم	۱۴۴۵	
۱۱۴	آفتاب بند	۵۷۰	
۱۱۵	فقیه عالم	۲۲۶	۳۳۹۴
۱۱۶	رسول مقبول	۴۷۴	
۱۱۷	چشمه غنایت	۸۷۹	
۱۱۸	عالم اسرار	۶۰۳	
۱۱۹	منع احسان	۲۸۲	
۱۲۰	حصن حصین	۲۰۶	۲۵۴۴
۱۲۱	زبدہ تکوین	۵۰۴	
۱۲۲	مرجہ جلال	۳۷۸	
۱۲۳	معدن فصاحت	۷۴۳	
۱۲۴	لطافت اساس	۶۴۲	
۱۲۵	حاکم حدود	۹۱	۲۳۵۸
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

میزان اعداد	اعداد	عنوان	شماره
	۲۸۳	مغ الطاف	۱۲۶
	۳۱۲	عین آفاق	۱۲۷
	۴۷۰	بهر کرم	۱۲۸
	۸۸۵	مجمع حسنات	۱۲۹
۲۵۴۹	۵۹۹	کلید سعادت	۱۳۰
	۶۴۲	نعمت بی حساب	۱۳۱
	۹۷	جمال پاک	۱۳۲
	۵۰۰	زبدہ کائنات	۱۳۳
	۲۸۴	روح معنی	۱۳۴
۲۲۶۳	۷۲۹	مہربان است	۱۳۵
	۴۰۹	گو بہر تقبول	۱۳۶
	۵۳۰	سرور انبیا	۱۳۷
	۴۵۵	مدبر دہر	۱۳۸
	۱۴۲	عبداللہ	۱۳۹
۱۷۲۴	۱۸۸	والی عالم	۱۴۰
	۱۰۱۴	توقع توحید	۱۴۱
	۲۲۱	ابوالساکین	۱۴۲
	۱۳۲	جمال محبوب	۱۴۳
	۵۹	پاک گوئی	۱۴۴
۱۷۹۱	۳۶۵	گنج صبر	۱۴۵
	۵۷۱	نشدت قوانین	۱۴۶
	۳۴۲	نور کیمیا	۱۴۷
	۷۸۱	منزل البرکات	۱۴۸
	۲۶۴	مہر حیا	۱۴۹
۳۳۹۹	۱۴۴۱	شکر گزار	۱۵۰
۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶	جمع کل	

سطر منقسم

شماره	جملات	اعداد	میزان اعداد
۱۵۱	دیای کرامت	۱۸۶	
۱۵۲	فلک سریر	۶۰۰	
۱۵۳	مصوم ازل	۲۸۴	
۱۵۴	نیزان عقل	۳۰۸	
۱۵۵	روح انور	۴۷۱	۲۵۴۹
۱۵۶	مدار علم	۲۸۵	
۱۵۷	نور آفتاب	۷۴۰	
۱۵۸	شرف دین	۶۴۴	
۱۵۹	پاک حسب	۹۳	
۱۶۰	اکرم الدبر	۵۰۱	۲۳۶۳
۱۶۱	بلجا جهان	۱۴۳	
۱۶۲	عین حجبان	۱۸۹	
۱۶۳	سحر عقل	۴۱۰	
۱۶۴	بیغ گیتی	۵۲۶	
۱۶۵	نور عقل	۴۵۶	۱۷۲۴
۱۶۶	اوج کل	۶۰	
۱۶۷	قاسم نغمه	۳۶۶	
۱۶۸	په چشمت	۱۰۱۵	
۱۶۹	ملک الملوک	۲۱۷	
۱۷۰	وجه حسن	۱۳۳	۱۷۹۱
۱۷۱	بدر جهان	۲۶۵	
۱۷۲	مرآت ذوالجلال	۱۴۴۲	
۱۷۳	شیفیع الامم	۵۷۲	
۱۷۴	کوه وقار	۳۳۸	
۱۷۵	مکرمت یزدانی	۷۸۲	۳۳۹۹
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

ششم

نمبرن اعداد	اصداد	جملات	نماره
	۳۰۹	حق ايقين	۱۷۶
	۴۶۷	کاتب ليج	۱۷۷
	۱۸۷	رفع مشرت	۱۷۸
	۶۰۱	قدوه تکوين	۱۷۹
۲۵۴۹	۲۸۵	ناردي دارين	۱۸۰
	۹۴	جمال زيبا	۱۸۱
	۴۹۷	آفتاب جود	۱۸۲
	۳۸۶	عين نور	۱۸۳
	۷۴۱	بجر عنایت	۱۸۴
۲۳۶۳	۶۴۵	اشرف نسبيا	۱۸۵
	۵۲۷	سهر کرم	۱۸۶
	۴۵۲	برهان صدق	۱۸۷
	۱۴۴	ولتي زمان	۱۸۸
	۱۹۰	نهال عدل	۱۸۹
۱۷۲۴	۴۱۱	مايه دانش	۱۹۰
	۲۱۸	علم عباد	۱۹۱
	۱۲۹	واجب الاطاعه	۱۹۲
	۶۱	ابولطيب	۱۹۳
	۳۶۷	محسن دهر	۱۹۴
۱۷۹۱	۱۰۱۶	خدا شناس	۱۹۵
	۳۲۹	حال مقصود	۱۹۶
	۷۷۸	خيل حق	۱۹۷
	۲۶۶	گنج مناقب	۱۹۸
	۱۴۴۳	منظر رحمن	۱۹۹
۳۳۹۹	۵۷۳	مربع کرم	۲۰۰
۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶	جمع کل	

شماره	عنوان	اصدا	میزان اعداد
۲۰۱	آفتاب حسن	۲۰۲	
۲۰۲	بحر بی پایان	۲۸۶	
۲۰۳	امین دهر	۳۱۰	
۲۰۴	روح مطهر	۴۱۸	
۲۰۵	چشم سعادت	۸۸۲	۲۵۴۹
۲۰۶	سپر سطوت	۷۴۲	
۲۰۷	خدا طلب	۱۴۱	
۲۰۸	زبده عباد	۶۵	
۲۰۹	راهبر کامل	۴۹۸	
۲۱۰	مقر دارین	۳۸۲	۲۳۶۳
۲۱۱	قلب حبهان	۱۶۱	
۲۱۲	گرامی عالم	۴۱۲	
۲۱۳	آئینه اسرار	۵۲۸	
۲۱۴	حبیب یحیی	۴۵۳	
۲۱۵	مادی جهانیان	۱۴۰	۱۷۲۴
۲۱۶	کرم حق	۳۶۸	
۲۱۷	رسول تقیین	۱۰۱۷	
۲۱۸	زبده عالمین	۲۱۹	
۲۱۹	پناه یزدان	۱۲۰	
۲۲۰	پاک دل	۵۷	۱۷۹۱
۲۲۱	منظر البراهین	۱۴۴۴	
۲۲۲	سالار کاکهار	۵۷۴	
۲۲۳	معیار حیا	۳۴۰	
۲۲۴	بنای کرامت	۷۷۹	
۲۲۵	عین اسلام	۲۶۲	۳۳۹۹
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

شماره	عنوان	اعداد	میزان اعداد
۲۲۶	چشمه الطاف	۴۶۹	
۲۲۷	مسنع اخلاص	۱۸۴	
۲۲۸	معنی توحید	۵۹۸	
۲۲۹	امر الهی	۲۸۷	
۲۳۰	عالم معنی	۳۱۱	۲۵۴۹
۲۳۱	میرتابان	۴۹۹	
۲۳۲	احمد رسل	۲۸۲	
۲۳۳	سلطت ربانی	۷۳۸	
۲۳۴	بنیاد شرف	۶۴۷	
۲۳۵	جمال ایزد	۹۶	۲۳۶۳
۲۳۶	مجمع مکارم	۴۵۴	
۲۳۷	امام حبهان	۱۴۱	
۲۳۸	ممكن اول	۱۸۷	
۲۳۹	صدیق دهر	۴۱۳	
۲۴۰	گوهر ارجمند	۵۲۹	۱۷۲۴
۲۴۱	کعبه دل	۱۲۱	
۲۴۲	ولی اجبتا	۵۸	
۲۴۳	نور حق	۳۶۴	
۲۴۴	ستجابه الدعوات	۱۰۱۸	
۲۴۵	عین ملک	۲۲۰	۱۷۹۱
۲۴۶	محب خلق	۷۸۰	
۲۴۷	جان دهر	۲۶۳	
۲۴۸	اسعد پیغمبران	۱۴۴۰	
۲۴۹	گرامی قدر	۵۷۵	
۲۵۰	علم یقین	۳۴۱	۳۳۹۹
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

سطر یازدهم

شماره	جملات	اعداد	میزان اعداد
۲۵۱	قاضی حق	۱۰۱۹	
۲۵۲	نادی راه	۲۲۶	
۲۵۳	محب عباد	۱۲۷	
۲۵۴	طالب ایزد	۶۴	
۲۵۵	مقصود جهانیان	۳۶۰	۱۷۹۶
۲۵۶	وسیده گیتی	۵۵۱	
۲۵۷	ردان انبیا	۳۲۲	
۲۵۸	نیک نصال	۸۰۱	
۲۵۹	مجمع کمال	۲۴۴	
۲۶۰	ختم مرسلین	۱۴۶۱	۳۳۷۹
۲۶۱	بزرگ جہان	۲۸۸	
۲۶۲	انوار جہان	۳۱۷	
۲۶۳	مجموعه مکارم	۴۶۵	
۲۶۴	تاج تکوین	۸۹۰	
۲۶۵	امام اقلیہ	۵۹۴	۲۵۵۴
۲۶۶	سرور صفیا	۶۴۸	
۲۶۷	جلوه محبوب	۱۰۲	
۲۶۸	سید مرسلین	۴۹۵	
۲۶۹	برگزیده عالم	۳۸۹	
۲۷۰	سراج عشق	۷۳۴	۲۳۶۸
۲۷۱	زینبہای حق	۴۱۴	
۲۷۲	کریم داریں	۵۳۵	
۲۷۳	شمس الحسنہ	۴۵۰	
۲۷۴	مہ مسبین	۱۴۷	
۲۷۵	مالک امام	۱۸۳	۱۷۲۹
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

سطر دوازدهم

شماره	جملات	اعداد	میزان اعداد
۲۷۶	وحید اول	۶۵	
۲۷۷	چشم وجود	۳۶۱	
۲۷۸	شرف گیتی	۱۰۶۰	
۲۷۹	قطب عالی	۲۲۲	
۲۸۰	نبی الله	۱۲۸	۱۷۹۶
۲۸۱	وکیل مطلق	۲۴۵	
۲۸۲	مناجاة شاعر	۱۴۶۲	
۲۸۳	شمع زندگانی	۵۵۲	
۲۸۴	محل مقصود	۳۱۸	
۲۸۵	قطب رسالت	۸۰۲	۳۳۷۹
۲۸۶	عنان خستق	۸۹۱	
۲۸۷	نور احمدین	۵۹۵	
۲۸۸	دریای جلال	۲۸۹	
۲۸۹	گنج مقصود	۳۱۳	
۲۹۰	میر قافله	۴۶۶	۲۵۵۴
۲۹۱	نفس نفیس	۲۹۰	
۲۹۲	نخل امید	۷۳۵	
۲۹۳	واقف اسرار	۶۴۹	
۲۹۴	والانحصار	۹۸	
۲۹۵	گرامی گهر	۴۹۶	۲۳۶۸
۲۹۶	ملک پناه	۱۴۸	
۲۹۷	معنی طه	۱۸۴	
۲۹۸	عالی قدر	۴۱۵	
۲۹۹	کتاب محکم	۵۳۱	
۳۰۰	افصح عرب	۴۵۱	۱۷۲۹
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

سطر سیزدهم

شماره	جملات	اعداد	میزان اعداد
۳۰۱	دیدہ محفل	۲۲۳	
۳۰۲	حکیم آتی	۱۲۴	
۳۰۳	زبدہ اولیا	۶۶	
۳۰۴	کعبنہ دارین	۳۱۲	
۳۰۵	فخر عالم	۱۰۲۱	۱۷۹۶
۳۰۶	سحاب جسم	۳۱۹	
۳۰۷	چشمہ مودت	۷۶۸	
۳۰۸	صفی اللہ	۲۴۶	
۳۰۹	واجب العظیم	۱۴۶۳	
۳۱۰	حل سخات	۵۵۳	۳۳۷۹
۳۱۱	بجر عدل	۳۱۴	
۳۱۲	جیب گیتی	۴۶۲	
۳۱۳	شمع کانیات	۸۹۲	
۳۱۴	مطلع ولایت	۵۹۶	
۳۱۵	مقصود کل	۲۹۰	۲۵۵۴
۳۱۶	جان آدم	۹۹	
۳۱۷	پاک طینت	۴۹۲	
۳۱۸	مقصود مسالک	۳۹۱	
۳۱۹	خیل اللہ	۷۲۶	
۳۲۰	والاخطاب	۶۵۰	۲۳۶۸
۳۲۱	کل کانیات	۵۲۲	
۳۲۲	وقار علم	۴۴۷	
۳۲۳	حق طلب	۱۴۹	
۳۲۴	سید عالی	۱۸۵	
۳۲۵	پادشاہ زمانہ	۴۱۶	۱۷۲۹
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

میزان اعداد	اعداد	عبارات	شماره
	۳۶۳	مربع کل	۳۲۶
	۱۰۲۲	سلطان الخافقین	۳۲۷
	۲۲۴	مقبول النبی	۳۲۸
	۱۲۵	بندہ نواز	۳۲۹
۱۷۹۶	۶۲	وجود حسلی	۳۳۰
	۱۴۶۴	خرمن تقدیس	۳۳۱
	۵۵۴	شمع انجمن	۳۳۲
	۲۲۰	قطب دہ	۳۳۳
	۷۹۹	مربع قہمات	۳۳۴
۳۳۷۹	۲۴۲	امین عالم	۳۳۵
	۵۹۷	قدوہ کائنات	۳۳۶
	۲۹۱	کمال عقل	۳۳۷
	۳۱۵	بزرگ کھیمان	۳۳۸
	۴۶۳	تاج جہان	۳۳۹
۲۵۵۴	۸۸۸	عمن خلق	۳۴۰
	۷۲۷	مقدای صفیہ	۳۴۱
	۶۵۱	ولی خدا	۳۴۲
	۱۰۰	آئینہ دل	۳۴۳
	۴۹۳	بحر بی کنار	۳۴۴
۲۳۶۸	۳۸۷	مقبول دہ	۳۴۵
	۱۸۶	جان اسلام	۳۴۶
	۴۱۷	صدر الامام	۳۴۷
	۵۲۳	یادت پناہ	۳۴۸
	۴۴۸	معدن الرحمہ	۳۴۹
۱۷۲۹	۱۴۵	نبی حبیب	۳۵۰
۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶	جمع کل	

سطر پائیدہ

نمبر	جملات	اعداد	میزان اعداد
۳۵۱	بی عدیل	۱۲۶	
۳۵۲	ادیب الہی	۶۳	
۳۵۳	ماحی کفر	۳۵۹	
۳۵۴	صابر خلق	۱۰۲۳	
۳۵۵	ولی مطلق	۲۲۵	۱۷۹۶
۳۵۶	سعادت دارین	۱۰۰	
۳۵۷	مطاع الانام	۲۴۳	
۳۵۸	دولت عظمیٰ	۱۴۶۰	
۳۵۹	قدوہ گیتی	۵۵۵	
۳۶۰	سراج مجید	۳۲۱	۳۳۷۹
۳۶۱	جیل الشیم	۴۶۴	
۳۶۲	فصیح لفقار	۱۸۹	
۳۶۳	سیلہ کاینات	۵۹۳	
۳۶۴	عالی مقام	۲۹۲	
۳۶۵	دریای کمال	۳۱۶	۲۵۵۴
۳۶۶	دالی ولایت	۴۹۴	
۳۶۷	سید مطہرین	۳۸۸	
۳۶۸	بلند مرتبہ	۷۳۳	
۳۶۹	ارادت الہی	۶۵۲	
۳۷۰	مادی ام	۱۰۱	۲۳۶۸
۳۷۱	نبی الماسخی	۴۴۹	
۳۷۲	امام انبیا	۱۴۶	
۳۷۳	پاک نطق	۱۸۲	
۳۷۴	روح مقدس	۴۱۸	
۳۷۵	خرید الدہر	۵۲۴	۱۷۲۹
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

میزان اعداد	اعداد	عنوان	شماره
	۶۵۳	دریای توحید	۳۷۶
	۱۰۷	باب ایمان	۳۷۷
	۴۹۰	عین عصر	۳۷۸
	۳۶۴	مالک رقاب	۳۷۹
۲۳۷۳	۷۲۹	شیرین نطق	۳۸۰
	۴۱۹	ادرع الناس	۳۸۱
	۵۴۰	جل مستین	۳۸۲
	۴۴۵	پادشاه اسلام	۳۸۳
	۱۵۲	جلوه حق	۳۸۴
۱۷۳۴	۱۷۸	ولی اسلام	۳۸۵
	۱۰۲۴	خیر جاری	۳۸۶
	۲۳۱	قطب احسان	۳۸۷
	۱۲۲	پناه دین	۳۸۸
	۶۹	ولی پاک	۳۸۹
۱۸۰۱	۳۵۵	روح عالم	۳۹۰
	۵۵۶	سید کاینات	۳۹۱
	۳۲۷	مورد الهام	۳۹۲
	۷۹۶	مرحمت حق	۳۹۳
	۲۴۹	مدینه علم	۳۹۴
۳۳۸۴	۱۴۵۶	قضیات کونین	۳۹۵
	۲۶۸	وجید الذہر	۳۹۶
	۲۹۷	قدوة صفیاء	۳۹۷
	۴۸۵	سید عارفین	۳۹۸
	۸۷۰	خیر نهاد	۳۹۹
۲۵۳۴	۶۱۴	مقتدای جهان	۴۰۰
۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶	جمع کل	

شماره	عبارات	اعداد	میزان اعداد
۴۰۱	جوهر فعال	۳۹۵	
۴۰۲	بجر لطافت	۷۳۰	
۴۰۳	فایده جنت	۶۵۴	
۴۰۴	حامل وحی	۱۰۳	
۴۰۵	کریم انفس	۴۹۱	۲ ۳۷۳
۴۰۶	جیب سجانی	۱۵۳	
۴۰۷	مطاع جهان	۱۷۹	
۴۰۸	سرمایه عدل	۴۲۰	
۴۰۹	عزت جهان	۵۳۶	
۴۱۰	سراج آفاق	۴۴۶	۱۷۳۴
۴۱۱	نهی کل	۷۰	
۴۱۲	سالار دین	۳۵۶	
۴۱۳	رنجهای طریقت	۱۰۲۵	
۴۱۴	قلبه ملک	۲۲۷	
۴۱۵	حامی دین	۱۲۳	۱۸۰۱
۴۱۶	عقل کل	۲۵۰	
۴۱۷	فروع معانی	۱۴۵۷	
۴۱۸	سردارانام	۵۵۷	
۴۱۹	نبی اکرم	۳۲۳	
۴۲۰	زین خلق	۷۹۷	۳۳۸۴
۴۲۱	دریای مروت	۸۷۱	
۴۲۲	قدمه تمیل	۶۱۵	
۴۲۳	عین الحق	۲۶۹	
۴۲۴	بزرگ دین	۲۹۳	
۴۲۵	مرکز تحقیق	۴۸۶	۲۵۳۴
		۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

جمع کل

شماره	جملات	اعداد	میزان اعداد
۴۲۶	طبع پاک	۱۰۴	
۴۲۷	سرایہ صفا	۴۸۷	
۴۲۸	مراد معالی	۳۹۶	
۴۲۹	شریف عالم	۷۳۱	
۴۳۰	رحمت ابد	۶۵۵	۲۳۷۳
۴۳۱	معروف عالم	۵۲۷	
۴۳۲	عالی شکوہ	۴۴۲	
۴۳۳	زبدہ کونین	۱۵۴	
۴۳۴	اہم زمان	۱۸۰	
۴۳۵	عمان کرم	۴۲۱	۱۷۳۴
۴۳۶	قبلہ کمال	۲۲۸	
۴۳۷	پاک اندام	۱۱۹	
۴۳۸	حمد واحد	۷۱	
۴۳۹	روح مجسم	۲۵۷	
۴۴۰	سردار نعمات	۱۰۲۶	۱۸۰۱
۴۴۱	نیر جلال	۳۲۴	
۴۴۲	مرکز توصل	۷۹۳	
۴۴۳	قدوہ کونین	۲۵۱	
۴۴۴	تواضع عالم	۱۴۵۸	
۴۴۵	میزان محبت	۵۵۸	۳۳۸۴
۴۴۶	بزرگ مکہ	۲۹۴	
۴۴۷	ناصر عالم	۴۸۲	
۴۴۸	ملاذ مجتبان	۸۷۲	
۴۴۹	کاشف دقائق	۶۱۶	
۴۵۰	عین علم	۲۷۰	۲۵۳۴
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

مطر نوزدهم

شماره	جملات	اعداد	میزان اعداد
۴۵۱	زینت دارین	۷۳۲	
۴۵۲	صبح روشن	۶۵۶	
۴۵۳	ابوالانبیاء	۱۰۵	
۴۵۴	فرقان مجید	۴۸۸	
۴۵۵	نیر اسلام	۳۹۲	۲۳۷۳
۴۵۶	عالی حسب	۱۸۱	
۴۵۷	سعدن انوار	۴۲۲	
۴۵۸	شاهد حقیقی	۵۳۸	
۴۵۹	حیات جاوید	۴۴۳	
۴۶۰	حکم یزدانی	۱۵۰	۱۷۳۴
۴۶۱	نورایمان	۳۵۸	
۴۶۲	شخص اول	۱۰۲۷	
۴۶۳	قطب حسن	۲۲۹	
۴۶۴	ماه جمال	۱۲۰	
۴۶۵	تَب لباب	۶۷	۱۸۰۱
۴۶۶	قاضی عشر	۱۴۵۹	
۴۶۷	زینت انام	۵۵۹	
۴۶۸	وسیلہ برابا	۳۲۵	
۴۶۹	کشتی نوح	۷۹۴	
۴۷۰	قطب کونین	۲۴۷	۳۳۸۴
۴۷۱	کافل مہمات	۶۱۷	
۴۷۲	کان عقل	۲۷۱	
۴۷۳	یگانہ دہر	۲۹۵	
۴۷۴	دلاہمت	۴۸۳	
۴۷۵	حقیقۃ اتحایق	۸۶۸	۲۵۳۴
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

میزان اعداد	اعداد	عنوان	شماره
	۴۸۹	کتاب الله	۴۷۶
	۳۹۳	فرمان ایزد	۴۷۷
	۷۲۸	شرف آتوم	۴۷۸
	۶۵۷	نور عرفان	۴۷۹
۲۳۷۳	۱۰۶	دالی حسان	۴۸۰
	۴۴۴	فرمان حلیل	۴۸۱
	۱۵۱	احمد محمود	۴۸۲
	۱۷۷	کنج عدل	۴۸۳
	۴۲۳	روح دهر	۴۸۴
۱۷۳۴	۵۲۹	اقاب اید	۴۸۵
	۱۲۱	دیده زمان	۴۸۶
	۶۸	وجد موجه	۴۸۷
	۳۵۴	سرایه ازل	۴۸۸
	۱۰۲۸	تاج تطهیر	۴۸۹
۱۸۰۱	۲۳۰	دل نوسین	۴۹۰
	۷۹۵	سید تشقین	۴۹۱
	۲۴۸	میزان عمل	۴۹۲
	۱۴۵۵	پیغمبر عالمین	۴۹۳
	۵۶۰	جلوه مشوق	۴۹۴
۳۳۸۴	۳۲۶	مقدس اساس	۴۹۵
	۴۸۴	تاج الاولیا	۴۹۶
	۸۶۹	خدم مطلق	۴۹۷
	۶۱۳	میزان عدالت	۴۹۸
	۲۷۲	مقام امن	۴۹۹
۲۵۳۴	۲۹۶	معلم موسی	۵۰۰
۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶	جمع کل	

سطریت دیکم

شماره	جملات	اعداد	میزان اعداد
۵۰۱	آیت علیم	۵۶۱	
۵۰۲	مقصود امام	۲۳۲	
۵۰۳	چشمه تجلی	۷۹۱	
۵۰۴	ابوالرقصہ	۲۵۴	
۵۰۵	عظیم گیتی	۱۴۵۱	۳۳۸۹
۵۰۶	اکمل الکاملین	۲۷۳	
۵۰۷	ہبط جبریل	۳۰۲	
۵۰۸	ماقر العلوم	۴۸۰	
۵۰۹	برآرندہ حاجات	۸۷۵	
۵۱۰	والاصفات	۶۰۹	۲۵۲۹
۵۱۱	جامع اسحٰت	۶۲۳	
۵۱۲	پاک دین	۱۷	
۵۱۳	کعبہ حاجات	۵۱۰	
۵۱۴	محمد عربی	۳۷۴	
۵۱۵	رسالت نپاہ	۷۴۹	۲۳۵۳
۵۱۶	صدر فلک	۴۲۴	
۵۱۷	مہر منیر	۵۴۵	
۵۱۸	جواہر ادراک	۴۴۰	
۵۱۹	کلام اللہ	۱۵۷	
۵۲۰	سلطان پاک	۱۷۳	۱۷۳۹
۵۲۱	ذاکر حق	۱۲۹	
۵۲۲	مطلع وفا	۲۳۶	
۵۲۳	نپاہ جہان	۱۱۷	
۵۲۴	پاک مزاج	۷۴	
۵۲۵	سحر علم	۳۵۰	۱۸۰۶
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

طربیت دوم

نیران اعداد	اعداد	جملات	شماره
	۲۵۵	قطب الاقطاب	۵۲۶
	۱۴۵۲	عظیم اتم	۵۲۷
	۵۶۲	سردار زمین	۵۲۸
	۳۲۸	بحر حسن	۵۲۹
۳۲۸۹	۷۹۲	علم میثاق	۵۳۰
	۸۷۶	برهان حقیقت	۵۳۱
	۶۱۰	سرور انجمن	۵۳۲
	۲۷۴	نجیب دہر	۵۳۳
	۲۹۸	داور لولاک	۵۳۴
۲۵۲۹	۴۸۱	مسار فلک	۵۳۵
	۳۷۵	فلک مراد	۵۳۶
	۷۵۰	قدرت الہی	۵۳۷
	۶۳۴	شمع اکابر	۵۳۸
	۸۲	پاک نضاد	۵۳۹
۲۳۵۳	۵۱۱	شمع ایمین	۵۴۰
	۱۵۸	جیب کونین	۵۴۱
	۱۷۴	امام نام	۵۴۲
	۴۲۵	عالم فرد	۵۴۳
	۵۴۱	کتاب حسن	۵۴۴
۱۷۳۹	۴۴۱	چشم زمان	۵۴۵
	۷۵	اودھ دانا	۵۴۶
	۳۵۱	سالار جهان	۵۴۷
	۱۰۳۰	ماحی ظلام	۵۴۸
	۲۳۲	عین ایمان	۵۴۹
۱۸۰۶	۱۱۸	نادی زمان	۵۵۰
۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶	جمع کل	

طرہیت رسوم

شماره	جملات	اعداد	نیرن اعداد
۵۵۱	کریم جان	۳۲۹	
۵۵۲	پناہ خلق	۷۸۸	
۵۵۳	بدر لہدی	۲۵۶	
۵۵۴	مبارک نظر	۱۴۵۳	
۵۵۵	کتاب علم	۵۶۳	۳۳۸۹
۵۵۶	مقصود جہان	۲۹۹	
۵۵۷	ولی یکتا	۴۷۷	
۵۵۸	گنج خزو	۸۷۷	
۵۵۹	بحر عرفان	۶۱۱	
۵۶۰	کنہ عقل	۲۷۵	۲۵۳۹
۵۶۱	کان جود	۸۴	
۵۶۲	رسول داور	۵۰۷	
۵۶۳	مقصود کونین	۳۷۶	
۵۶۴	خواجہ کونین	۷۵۱	
۵۶۵	دریکیتا	۶۳۵	۲۳۵۳
۵۶۶	کشف عالم	۵۴۲	
۵۶۷	روح اکبر	۴۳۷	
۵۶۸	زبدہ عالم	۱۵۹	
۵۶۹	قطب جلال	۱۷۵	
۵۷۰	نورین	۴۲۶	۱۷۳۹
۵۷۱	کعبہ کونین	۲۳۳	
۵۷۲	جیب امام	۱۱۴	
۵۷۳	مادی دانا	۷۶	
۵۷۴	جان فرود	۳۵۲	
۵۷۵	کریم اسحق	۱۰۳۱	۱۸۰۶
		۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

جمع کل

شماره	عبارات	اعداد	میزان اعداد
۵۷۶	تجلی عظیم	۱۴۵۴	
۵۷۷	حکمت کامله	۵۶۴	
۵۷۸	بجرا حسان	۲۳۰	
۵۷۹	رحمت عالم	۷۸۹	
۵۸۰	وسیلہ عالم	۲۵۲	۲۳۸۹
۵۸۱	نوح محشر	۶۱۲	
۵۸۲	محیط دہر	۲۷۶	
۵۸۳	اگل دہر	۳۰۰	
۵۸۴	منزل قرآن	۴۷۸	
۵۸۵	دریای رحمت	۸۷۳	۲۵۳۹
۵۸۶	بندہ خاص	۷۵۲	
۵۸۷	سایہ عاطفت	۶۲۶	
۵۸۸	پاک باطن	۸۵	
۵۸۹	شاہ عالمیان	۵۰۸	
۵۹۰	امام رسل	۳۷۲	۲۲۵۲
۵۹۱	مقر حبان	۱۷۶	
۵۹۲	ساطع النور	۴۲۷	
۵۹۳	چشم عقل	۵۴۳	
۵۹۴	برہان قاطع	۴۲۸	
۵۹۵	کنز علم	۱۵۵	۱۷۳۹
۵۹۶	رسول مجید	۳۵۲	
۵۹۷	فیاض عالم	۱۰۳۲	
۵۹۸	عین عدل	۲۳۴	
۵۹۹	زاہد زمان	۱۱۵	
۶۰۰	جان جود	۷۲	۱۸۰۶
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

سطر بیت پنجم

شماره	جملات	اعداد	میزان اعداد
۶۰۱	رحمت الناس	۷۹۰	
۶۰۲	انسان کامل	۲۵۲	
۶۰۳	فیض متصل	۱۴۵۰	
۶۰۴	والا منزلت	۵۶۵	
۶۰۵	سحاب کرم	۳۳۱	۳۳۸۹
۶۰۶	مرکز ادوار	۴۷۹	
۶۰۷	قلم قدرت	۸۷۴	
۶۰۸	زینت عالم	۶۰۸	
۶۰۹	قلبه علم	۲۷۷	
۶۱۰	بجر کمال	۳۰۱	۲۵۳۹
۶۱۱	سیدالابرار	۵۰۹	
۶۱۲	صاحب الامر	۳۷۲	
۶۱۳	اخو العلیؑ	۷۴۸	
۶۱۴	جامع کمالات	۶۳۷	
۶۱۵	پاک بیان	۸۶	۲۳۵۳
۶۱۶	مدار صدق	۴۳۹	
۶۱۷	جد آکسن	۱۵۶	
۶۱۸	جان سیح	۱۷۲	
۶۱۹	لامع النور	۴۲۸	
۶۲۰	شمع اقبال	۵۴۴	۱۷۳۹
۶۲۱	حکیم ازل	۱۱۶	
۶۲۲	جواد جهان	۷۳	
۶۲۳	امر حق	۳۴۹	
۶۲۴	شرف جنت	۱۰۳۳	
۶۲۵	گنج ایقان	۲۳۵	۱۸۰۶
	جمع کل	۱۱۸۲۶	۱۱۸۲۶

بلغ العار كماله كشف الحجب كماله
حسنتي خصاله صور عايق كماله

اسماء و القاب مبارک آن حضرت که در قرآن مجید موجود است

یا به آنها اشاره شده است

وَأَعِدُّوا لَهُمْ لَعْنَةً	الْعَائِدَةُ	مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ	مُحَمَّدٌ
إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا	الشَّاهِدَةُ	اللَّهُ بِصُطْفَى	المُصْطَفَى
فَتَجِبْ بِحَمْدِ رَبِّكَ	الحَمْدَةُ	إِلَّا مَنِ تَضَى	المُتَضَى
بَابِ الْكُفَّارِ	الْكُفَّارَةُ	وَلَكِنَّ اللَّهَ حَشِيْبِي	المُحَشِيْبِي
بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَيْدًا	الشَّيْدَةُ	وَالضَّحَىٰ	الضَّحَىٰ
إِنَّمَا أَحْمَدُ	الأَحْمَدَةُ	لَا غَلْبَانَ لِلْأَعْمَىٰ	العَالِبُ
مَقَامًا مَّحْمُودًا	المَحْمُودَةُ	مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ	الصَّاحِبُ
وَشَاهِدًا مَّشْهُودًا	المَشْهُودَةُ	بِالتَّحِيمِ الثَّاقِبِ	الثَّاقِبُ
أَسْرَىٰ بَعْدَهُ	العَبْدَةُ	الطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ	الطَّيِّبُ
هُوَ الَّذِي آتَاكَ	المُؤَيَّدَةُ	جَبَّ لَكُمْ الْإِيمَانَ	الجَبِيْبُ
مِنَ اللَّيْلِ فَتَجِدَّهُ	المُتَجِدَّةُ	وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ	القَرِيْبُ
شَاكِرًا لِأَنْعَمِهِ	الشَّاكِرَةُ	وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ	الرَّاعِبُ
عَبْدًا شَكُورًا	الشُّكُورَةُ	أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ	القَانِتُ
فَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ	الصَّابِرَةُ	هُوَ الَّذِي بَعَثَ	المَبْعُوثُ
وَإِذْ ذَكَرْنَاكَ	الذَّاكِرَةُ	وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ	المُحَدِّثُ
فَلْيُحَذِّرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ	الْأَمْرَةُ	سِرْجًا مُّسِيرًا	السَّرِيْحُ
وَيُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيرًا	الطَّاهِرَةُ	فَتَجِبْ بِحَمْدِ رَبِّكَ	المُنْبَجُ

فَأَصْحَابُ بُرْجٍ	الْصَّاعِغِ	فَذَكَرْنَا نِعْمَتَ الَّذِي	الْمَذْكُورِ
يَأْتِيهِمُ الرُّسُولُ بَلِغًا	الْمُبْتَلِغِ	يَأْتِيهِمُ الْمُدَّثِرِ	الْمُدَّثِرِ
بِالْمُؤْمِنِينَ رُدُفًا	الرُّدُفِ	أَنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا	الْمُبَشِّرِ
مُصَدِّقًا لِمَا مَكَّيْتُمْ	الْمُصَدِّقِ	إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ	الْمُنذِرِ
لِنُيْلَ الصَّادِقِينَ	الْحَصَادِقِ	بَشِيرًا وَنَذِيرًا	الْبَشِيرِ
إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ	السَّابِقِ	سِرَاجًا مُنِيرًا	الْمُنِيرِ
وَمَا نَسُطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ	الْأَنَاطِقِ	وَيُضْرَكُ اللَّهُ نَصْرًا غَزِيرًا	الْمَقْضُورِ
جَاءَ، نَحْنُ وَزَيْتٌ الْبَاطِلِ	الْحَقِّ	فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ	الْمَأْمُورِ
وَإِنَّا لَنَعْلَمُ لَعْنَةَ خَلْقٍ عَظِيمٍ	الْمُخْلِقِ	شَاكِرًا لِأَنْعِمِهِ	الشَّكُورِ
إِنَّا لَمِنَ الْمُؤْمِنِينَ	الْمُؤْمِنِ	لَقَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ	النُّورِ
يَأْتِيهِمُ الرُّسُولُ	الرُّسُولِ	قُلْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا	الذِّكْرِ
وَيُؤَكِّدُ عَلَىٰ آيَاتِهِ لِيُؤْمِنُوا	الْمُؤَكِّدِ	وَرَبِّكَ يُخَلِّقُ وَيُخَيِّرُ	الْمُخَيَّرِ
يَأْتِيهِمُ الْمُرْسَلُ	الْمُرْسَلِ	وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ	الْفَجْرِ
وَوَجَدَكَ غَالِمًا	الْغَالِمِ	غَزِيرًا عَلَيْهِ مَا عَشْتَمُ	الْمَشْتَمِ
وَجَاءَ لِنُؤْمِنَ بِآيَاتِهِ	الْمُجَادِلِ	وَأَكْتَمَسَ وَضِيحًا	الْمُكْتَمِ
وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ	الْمُعَلِّمِ	يَسَّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ	الْيَسِّ
حَتَّىٰ يُخَيِّبُوكَ	الْمُخَيِّبِ	بِالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ	الْمَوْعِظِ
وَحَامِلِ السِّنِينَ	الْحَامِلِ	وَالْحَافِظِينَ سُدُودِ اللَّهِ	الْحَافِظِ
فَاتِمَّ وَجْهَكَ	الْمُقَاتِمِ	مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ	الْمُطَاعِ
مُحْرَمٍ عَلَيْهِمْ مَخْبَأَتُ	الْمُحْرَمِ	وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ	الرَّفْعِ

اَلَسَّبِي اَلْاُمِّي	اَلْاُمِّي	اِنَّ لَقَوْلِ رَسُوْلِ كَرِيْمٍ	اَلْكُرِيْمِ
يَا اَيْتَا الْبَنِي	اَلَسَّبِي	قَدْ تَبَيَّنَ اِلَيْكُمْ اَلْحَقُّ بِحِكْمَةٍ	اَلْحَكِيْمِ
فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ	اَلْمُصَلِّي	رَوْفٌ رَّحِيْمٌ	اَلرَّحِيْمِ
يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيكُمْ	اَلْمُزَكِّي	فَاَسْتَقِمُّ كَمَا اُمِرْتُ	اَلْمُسْتَقِيْمِ
سَمِيعًا مُدِيًّا يَادِي	اَلْمُدِي	وَاللَّهُ يُصَيِّمُكَ	اَلْمُصَوِّمِ
اِذَا قَضَى اللَّهُ وِرْوَالَهٖ	اَلْقَاضِي	اَلنَّجْمُ اَلثَّاقِبُ	اَلنَّجْمِ
يُنِيطُكَ فَرَضِي	اَلرَّاضِي	اَمَّنَ الرَّسُوْلُ	اَلرَّسُوْلِ
وَدُعِيَ اِلَى اللَّهِ	اَلدَّعِي	اِنِّي اَنَا اَلنَّذِيْرُ الْمُبِيْنُ	اَلْمُبِيْنِ
اِنَّكَ لِيَحْسُدِي	اَلْحَادِي	مُطَاعٌ ثُمَّ اٰمِيْنٌ	اَلْاٰمِيْنِ
اِقْرَابًا نَسَبِ	اَلْقَارِي	عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِيْنٌ	اَلْمَكِيْنِ
وَنَسِي الْفُجْرِ عَنِ الْمَوِي	اَلْمَوِي	وَجْهٌ يَلُوْهُ وَهُوَ مُحْسِنٌ	اَلْمُحْسِنِ
اِنَّمَا يُسِيْكُمُ اللَّهُ وِرْوَالَهٖ	اَلْوَالِي	ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِيْنِ	اَلْمَتِيْنِ
اَتَّبِعُوْنَ لِاَسِيْكُمُ اَجْرًا وَهُمْ مُتَدَوْنٌ	اَلْمُتَدِي	رَحْمَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ	اَلرَّحْمَةِ
		ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِيْنِ	ذُو الْقُوَّةِ

العاب مبارک حضرت کذا حدیث و اقوال بزرگوار رسیده است

مَعْدِنُ الْوَحْيِ	وَجِبَةُ اللَّهِ	عَبْدُ اللَّهِ
مَعْدِنُ التَّنْزِيلِ	أَوَّلُ الْمُتَّبِعِينَ	حَيْبُ اللَّهِ
مَنْظَرُ الْأَتَمِّ	أَوَّلُ الْعَابِدِينَ	صَفَى اللَّهِ
مُهْدِ الْهَيْمَمِ	سَيِّدُ الْمُتَّبِعِينَ	خَيْرَةُ اللَّهِ
عَيْنُ الْعَالَمِ	إِمَامُ الْمُتَّقِينَ	نِعْمَةُ اللَّهِ
إِنَّمِ الْأَعْلَمِ	شَفَعُ الْمُتَّقِينَ	حُجَّةُ اللَّهِ
حَقِيقَةُ التَّحْقِيقِ	رَحْمَةُ الْعَالَمِينَ	رَحْمَةُ اللَّهِ
صَبِيحُ الْوَجْدِ	خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ	نَبِيُّ اللَّهِ
حَابِلُ التَّرَوَاتِ	بَنِي الرَّحْمَةِ	نَحْيَى اللَّهِ
وَأَسْطَةُ الْفَيْضِ	فَاتِمَةُ النَّعِيمِ	صِفْوَةُ اللَّهِ
شَجَرَةُ بَارِكَةٍ	رَيْنُ نَفْسِيَاءِ	بَحْيِبُ اللَّهِ
شَجَرَةُ زَيْتُونَةٍ	خَيْرُ الْبَرِيَّةِ	أَيْمَنُ اللَّهِ
مَنْظَرُ الْأَسْمَاءِ	قَائِدُ الْخَيْرِ وَالْبِرِّ	بَيْضُ اللَّهِ
بُرْزُخُ الْكِبْرِيَّ	أَضْحَى الْعَرَبِ	كَلْبَنُ اللَّهِ
بُرْزُخُ الْعُظْمَى	خَيْرُ النَّبِيِّ	خَاصَّةُ اللَّهِ
إِنْسَانُ الْكَمَالِ	مُخَلَّلُ الطَّيِّبَاتِ	خَالِصَةُ اللَّهِ
الْعَبْدُ الْمَوْئِدِ	مُحَرَّمُ النَّجَابَاتِ	مُبْتَلَغُ عَنِ اللَّهِ

صاحب الدرّة الرفيعة	صاحب البرهان في الخطب	الرسول الممدّد
صاحب المرتبة الخطيرة	صاحب الحق والقواب	النسب الممتدّد
صاحب دين السلام	صاحب الدعوة والنجاة	اصفى المقرب
صاحب البيت المحرام	صاحب شفاعت المقبول	الحبيب المنتجب
صاحب الركن المقام	صاحب الدعوة المتجابهة	صاحب الخطبة والمنبر
صاحب الصلوة وكصيام	صاحب الحجّة الباقية	صاحب الركن والمشعر
صاحب الشريعة والاحكام	صاحب العترة الطاهرة	صاحب الخط الأوّفر
صاحب نحل وحشم	صاحب الملة الخسيفة	صاحب الوجبة الأتور
صاحب القرآن وفرقان	صاحب الشريعة المرضية	صاحب الحسين الأزهري
صاحب نجمة وبرهان	صاحب الآفة المرحومة	صاحب البيان الأبهري
صاحب السيف والبيان	صاحب الدعوة لمقبولة	صاحب الشرع الأظهر
صاحب لفضل والأحسان	صاحب الوفاء والكيانة	صاحب القلب الأظهر
صاحب الكرم والأمان	صاحب الدين والطاعة	صاحب الأئمة الوسطى
صاحب المنجبة والعرفان	صاحب الفصاحة والبرعة	صاحب فضل العطاء
صاحب الخلق الحلي	صاحب الكرم والتجاعة	صاحب السجود والتخا
صاحب النور المضي	صاحب التوكل والتمساع	صاحب الخشوع والبقاء
صاحب الدين الرضي	صاحب الخوض كفضاء	صاحب الإمامة والصفاء
صاحب الدين القويم	صاحب الأئمة الكشيحة	صاحب الخوف والرجاء
صاحب الخلق العظيم	صاحب النجر والفضيلة	صاحب النور والضياء
صاحب الصراط المستقيم	صاحب المنزلة المحبيلة	صاحب المعجزات الباهرة

مِرَاةُ الْمُحَضَّرِينَ	مَنْ فِي فَتَاتِي	صَاحِبُ إِذْكَرُكُمْ
شَيْخٌ فِي الدَّارِينَ	مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكَبْرَى	صَاحِبُ الْمَلَكِ الْمُظْمِئِ
جَيْبُ الْكُوَيْنِ	مَنْ بَلَغَ سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى	صَاحِبُ الرُّبَيْنِ وَالدَّيْمِ
إِيَّامُ الْقَبْلَتَيْنِ	مَنْ لَا يَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى	صَاحِبُ الدِّينِ الزَّاهِرِ
قَطْبُ الْكُوَيْنِ	مَنْ فَفَسَلَ نَحْطَابُ	صَاحِبُ نَسِيَانِ ابْنِ مَرْ
أَبُو الطَّاهِرِ	مَنْ طَاعَ رُبِّيَعَةَ اللَّهِ	صَاحِبُ الْقَلْبِ إِشْرَاقِ
أَبُو الطَّيِّبِ	مَنْ قَلَبَ عَرْشَ الرَّحْمَنِ	صَاحِبُ الْأَصْلِ الظَّاهِرِ
أَبُو الْمَسْكِينِ	سَيِّدُ صَحَابِ الْكِبَارِ	صَاحِبُ الْمِنْ وَشُرُورِ
أَبُو الْأَرَائِلِ	أَهْلُ الذِّكْرِ وَشَنَاةِ	صَاحِبُ بَرَكَةِ وَبِحُجُورِ
أَبُو الْأَيْمَةِ	أَوَّلِ الْمُخْلُوقِينَ نُورًا	صَاحِبُ الْبَيْتِ الْمُمُورِ
أَبُو إِبْرَاهِيمِ	فَرَسِ السَّيِّئِينَ ظُهُورًا	صَاحِبُ آدِ الْبَحْرِ
أَبُو النَّصْرِ	إِيَّامُ الْمُتَقَرَّبِينَ عُرُوجًا	صَاحِبُ مَائِلٍ وَمَا غُورِ
أَبُو نَيْتِ سَامِي	مُصَدِّقُ الْمُرْسَلِينَ شُهُورًا	صَاحِبُ مَا يَنْظُرُ عَنِ الْهُورِ
أَبُو الْقَاسِمِ	سَيِّدُ أَسْرَةِ الصَّادِقِينَ	رَسُولُ الْأَنْبِيَاءِ نَجَانِ
أَكْسَبِي	أَفَانِزُ بَابِ سَبَاقِ	تَابِي الْأَيَّاتِ
أَمْسَكِي	أَفَانِي عَلَى اللَّحَاقِ	مُعَلِّمُ الْكِتَابِ وَحِكْمَةِ
أَمْدَنِي	أَسْبَابِي إِلَى نُجُورِ	مَنْ عَدَّتْ الرَّحْمَنُ
أَلْطَبِي	نُورِ أَحْسَرَيْنِ	مَنْ عَدَّتْ نَسِيَانِ
أَقْسَبِي	صِنِيَاءُ الْمُشْرِقِينَ	مَنْ عَدَّتْ شَدِيدِ الْقُوَى
أَبِي كَسْرِي	ابْنِ الدَّيْمِينِ	مَنْ هُوَ بِالْأَفْئِ الْأَعْلَى

سَيِّدِ الْبَشَرِ
 مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى
 صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 لِيَهْتَمَّ بِمَنْ
 رُوِيَ مِنْ بَيْتِكَ
 مُحَمَّدٍ عَنَّا
 تَحِيَّةَ كَثِيرَةٍ
 وَسَلَامًا

طَاوُسِ الْكِبْرِيَاءِ
 حَامِئِ الْخَيْرِ
 مِنْ جَنْدِهِ صُورَةَ الْمَلَكِ وَالْمَلَكُوتِ
 مَنْ رُوِيَ مِنْهُ نَسْخَةُ الْأَصْحَابِ فِي الْأَهْوَاتِ
 سِرْجِ الْأَصْفِيَاءِ
 تَاجِ الْأَوْلِيَاءِ
 إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ
 خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ
 عَقْلِ الْكُلِّ
 يَأْتِي السُّبُلِ
 خِلَاصَةَ الْمَوْجُودَاتِ

أَحْبَابِي
 الْقَدَانِي
 الْهَاشِمِي
 الْهَقَامِي
 الْخَطِيبِي
 الْمُنْتَقِي
 الرَّشِيدِ
 الْخَطِيبِ
 الْمُنِيبِ
 الْعَادِلِ الْبَارِ الْمَشْهُودِ
 الْحَامِدِ الْأَحْمَدِ الْمَحْمُودِ

مَحْمُولٌ



سعدی شیرازی علیه الرحمه

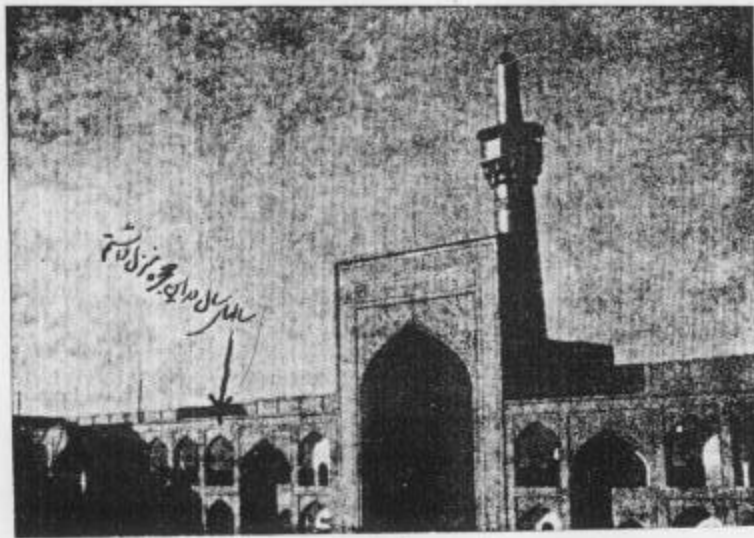
ماه فرود ماند از جمال محمد	سر و زوید به اعتدال محمد
قدر فلک اکمال منرتی نیت	در نظرت در باکمال محمد
و عده دیدار کسی به قیامت	لیده الی اسری شب وصال محمد
ادم و نوح و خلیل و موسی و عیسی	آده مجموع در نطال محمد
عرصه دنیا مجال همت او نیت	روز قیامت مگر مجال محمد
شمس و قمر در زمین حشر نتابند	نور نتابد مگر جمال محمد
دانمده پیرایسته بخت و فردوس	بو که قبولش کند بلال محمد
بچو زمین خواهد آسمان که بنفید	تا بدهد بوسه بر نعال محمد
شاید اگر آفتاب و ماه نتابد	پیش و ابروی چون بلال محمد
چشم مرا تا به خواب دید جالش	خواب منیکر و از خیال محمد
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی	عشق محمد بس است و آل محمد

قصیده ای از مؤلف :

بگویم یکم تو را دیده و دل بیناست	به گفته ام نغمی گفته خدا پیداست
چه دلوله است هویدا به خطه سخنان	چه غلغله است که در عالم حرف پیداست
جنود فکر به فکر شد از یار و دین	پناه عقل بحیرت ستاده از چپ و راست
کجاست عیسی حکمت ببیند این زند	کجاست موسی فکرت ببیند این سیناست
اگر چه صفحه دست ز حرفها سیه است	در آن سیاهی حرفش عجب سفید است
ببند دیده سر را کشای دیده ستر	بیا بعالم ما و بسین چنان غوغاست
ز سینه ای که بسوزد همی شود بیرون	ترانهای که در آن راز عالم بالاست
به هر سری به هر جانی و به هر روحی	به هر نباتی و همه انزای که در دنیا است
به ذره بین نظرمی آر عیان بینی	حکایت دل محسنون حالت لید است
براه عالم بالا حسرد بگو شتم گفت	بهر از نکتة باریک تر ز نو اینجاست
باین کتاب باین جزو صفحه طرد بیوت	چو شرح و ببطوبی لا تعد ولا تحصى است
حروف جسم و عدد روح او چو توأم شد	دمیده نغمه بان زنده است و هم گویاست
بحرف خویشتن اول چه حرفها بنشت	ز حرف خویشتن آخر چه حرفها بر خاست

ز غرش و کرسی و لوح و قلم تسلّم زد شد که این ترانه ز قوسین قباب او آدنی است
 بگو به شیخ منادی ادا کنند به اذان که این صحیفه مبین مدحت رسول خدا است
 بسین که روح سخن جمع کل و منظر کل ز هر طرف شده موجود و مناطق و گویا است
 به طرف نگری جمله جمله مابینسی به جمله جمله او نغسه مبارکها است
 موکل ز بُر و بیتنات را بنگر نوشته دهن دل میکشد که جا اینجا است
 بگوش بهوش بختاشه سراجچه دل که این اشاره زار شاد عالم یکتا است
 در آرزو طبعیت بیا به وادی عشق نگر بر راه حقیقت هنر از قافله هاست
 بهر کجا که فمادی ز پاهان منزل بهر کجا که نشستی زمین همان ماوا است
 بلند کوه و کوه بلند و درشت حسین سیه سفید و بکله عقل و بدر و شس زیبا است
 عجب مدار و ترس و به چشم دل بگر که این نتیجه دوران کاروان فنا است
 مباد آنکه پریشان شوی و سرگردان بهوش باش که مقصود ما، اینجا است
 اگر کسی است در این خانه حرف یک گفت که سر مطلب و راز درون نسخه هاست
 عبث بودی بیگانگان دین گذر که دیو و غول بودا هوس در آن صحرا است
 ز باب علم بشو شمس علم را داخل که شاهراه همه رهروان راه خدا است
 مقام امن و محل وصال و قدس و شهود که ملک و ملت ارواح اولیاء الله است

بنور علم بسینی شوش جهت بینی که اسم اعظم و انوار حیاتی است
 بکن به نور ولایت تورا راه را روشن و گرنه در تبه چاهی که سحر و شعبه است
 دگر زمر شد و ارشاد بی خبر پر پیروز مثال کافر بی اعتقاد و قبله است
 کنی ز علم و عمل گرز خیره «حافظیان» به چشم خویش بسینی نتیجه اش است فردا



صبح مظهر عتیق روضه حضرت امام رضا علیه السلام - ایوان عباسی و گلدسته طلاد و حجره
 روزه قبله فوقانی که پنج سال در آن موفق به ریاضات بودم

لوح محفوظ

گر از این تخمه ام کنم تعریف	نزد ابل خرد خطا باشد
و ز به صندوق دل کنم سپهان	کس نداند در آن چما باشد
تر مطلب اگر کنم واضح	کشف ستر است و نارا باشد
نصفی از شمس دل طلوع هم	نصف دیگر در ابر باشد
گر نگویم گدانی خود را	کس نداند که از کجا باشد
این مَرُصع جدا دل دکش	کاین چنین نغزود لربا باشد
وین مَنظَم نگارش اوفاق	که چنین خوب باصفا باشد

عکسی از بارگاه شمس بموس	نقشی از روضه رضا باشد
گونی از چشم دل اگر بینی	خاتم از شاه اولیا باشد
منبع فیض و حنط انوا	حادی سرب یا باشد
گوهری از خزانه غیبی	لطفی از جانب خدا باشد
اسم اعظم اگر بخواندش	هم بجایست هم روا باشد
گویم این بوته فطیری من	جمله کبیر و کمبیا باشد
برگ سبزی بود از این درویش	تحفه زار بی نوا باشد
روحی از کعبه حقیقی دل	گلی از گلشن ولا باشد
روی صرغم به خلقت اول	حضرت ختم نبیا باشد
گر قبول افتد بغر و شرف	بر سرم تاج مصطفی باشد
با میدی که روز رستاخیز	بجغم وصف مصطفی باشد
بجغم وصف مصطفی گر بود	نامه ام دست مرتضی باشد
نامه ام دست مرتضی که بود	خوف ترسی مرا چرا باشد
شفایم محمد است و علی	قابل التوبه ام خدا باشد
سینا تم بدل شود حسنات	نص این در کتاب باشد

پس از ۳۴ سال از تالیف لوح محفوظ، بهنگام چاپ کتاب فارسی آن شیخ با منجس مضمون و از الطاف و عنایات ایزدی
 نتیجه شبتی گرفتیم **فالحمد لله على اتمام النعمة** از دست و زبان که برآید **کرعمده شکرش بدرآید**
اعداد داخل ۶۲۵ خانه لوح محفوظ
 سدی

اگر اعداد بیت پنجم خانه را که در یک منبع بزرگ از معتبات بیت پنجم لوح واقع شده است جمع کنیم بصورت ذیل درخواهد آمد،
 و این منجس نیز دقیقاً دارای توافقی های هشت گانه گذشته در صفحه (۱۸) می باشد و جمع کل این منجس زیر آن نوشته شده است

۱۱۷۹۰	۱۲۷۲۰	۱۶۹۷۰	۹۰۵۵	۸۵۹۵
۱۶۹۹۵	۸۹۵۵	۸۶۲۰	۱۱۸۱۵	۱۲۷۴۵
۸۶۴۵	۱۱۸۴۰	۱۲۷۷۰	۱۶۸۹۵	۸۹۸۰
۱۲۶۷۰	۱۶۹۲۰	۹۰۰۵	۸۶۷۰	۱۱۸۶۵
۹۰۳۰	۸۶۹۵	۱۱۷۶۵	۱۲۶۹۵	۱۶۹۴۵

جمع کل ۵۹۱۳

ه	ط	ا	ج	استنطاق صرفه
۱ ه	۱ ط	۱ الف	۱ ج ی م	منظمی
۱-۵	۱-۹	۸۰-۳-۱	۴-۱-۰-۳	اعداد آنها
		۱۸۰		جمع اعداد
		محل حبیب الله		مستحصله
		۱۸۰		جمع اعداد

نکته قابل توجه

در صفحه ۱۸ این کتاب در موافقت اعداد، هشت صورت آورده شده است که چهار از آن مطلب ذیل را واضح می نماید برای مشخص شدن این مطلب یک قطعه ای که مربع ۱۷ در ۱۷ میباشد از «لوح محفوظ» گرفته و روی آن یک ضربدر (X) بزنگ قرمز و یک بعلاوه (+) بزنگ بنرترسیم نمودیم حال اگر عدد (۸۹۲) را که در خانه مرکز واقع شده با عدد چهارخانه از خانه های ششم که در آخر خطوط ضربدر (X) میباشد یکجا نویند و نیز عدد (۸۹۲) را با عدد چهارخانه های آخر بعلاوه (+) را یکجا جمع کنند، حاصل جمع آن دو مجموع مساوی خواهد بود

۸۹۲	عدد شمع کاینات		۸۹۲	عدد شمع کاینات
۱۴۴۵	اعداد خانه های	}	۵۲۴	اعداد خانه های
۵۱۰	آخر بعلاوه +	}	۵۰۴	آخر ضربدر X
۱۰۲۱		}	۱۴۵۱	
۵۲۲		}	۱۰۲۹	
۴۴۰۰	حاصل جمع		۴۴۰۰	حاصل جمع

همین طور اگر از مربع ۲۵ در ۲۵ خانه «لوح محفوظ» که در مرکز او «شمع کاینات» واقع شده است مرتبی که ۳ در ۳ و مرکزش «شمع کاینات» است که کلاً ۹ خانه دارد و یا مرتبی که ۵ در ۵ است و کلاً ۲۵ خانه دارد و یا هر مرتبی که در آن بگنجد با مرکز معین (۸۹۲) تا مرتبی که ۲۵ در ۲۵ است که کلاً (۶۲۵) خانه دارد و مرکز او (۸۹۲) باشد همین ترتیب چهار عدد از ضربدر (X) و چهار عدد از بعلاوه (+) آن جمع کنیم حاصل جمع همه آنها مساوی خواهد بود

نکتہ دیگر

« لوح محفوظ » دارای ۲۵ مرتب و ہر مرتبہ از آن دارای ۲۵ خانہ است کہ با اصطلاح اہل عدد آن مرتبہ را مخمس گویند و ہر مخمس دارای مرکزی است (محل تقاطع دو قطر آن) لہذا آن ۲۵ مخمس دارای ۲۵ مرکز می باشد حال عدد مرکز ہر یک از آن ہا را بہ ترتیب ۲۵ خانہ مخمس ذیل گذارده ایم این نیز مخمس شد کہ حاوی ہمہ ضوابط و قواعدی می باشد کہ در صفحہ (۱۸) این کتاب تفصیل آید است و عدد (۸۹۲) کہ عدد (شمع کاینات) است نیز در مرکز این مخمس واقع است

۳۸۱	۸۸۲	۲۴۱	۸۱	۱۳۹
۱۲۶۶	۶۱	۱۴۴	۳۸۶	۸۸۷
۱۴۹	۳۹۱	۸۹۲	۲۴۶	۶۶
۸۷۲	۲۵۱	۷۱	۱۵۴	۳۹۶
۷۶	۱۵۹	۳۷۶	۸۷۷	۲۵۶

و در ذیل آن نکات دیگری است

۱۷۴۴

: جمع اعداد ہر پنج خانہ

فروع نبوت

: این عدد مساویت با :

۱۷۴۴

: ہمین عدد بحروف :

۱۱۱	۸	۳۵	۳۵
دال	زا	دال	دال
الف	الف	الف	الف

: بطور ملفوظی :

۱۸۹

: جمع اعداد ملفوظی :

جمال پاک محمدؐ

: ہم عدد دستخصلہ :

۱۸۹

تقریظ

تقریظ مرحوم آیه الله حاج شیخ مجتبی قزوینی رضوان الله تعالی علیه

بسم الله الرحمن الرحیم

بدرآمد کلمه صلوات الله علی محمد وعلی آله وعلی آل الله بر عموم برادران دینی محترمی دستورات
 که علماء دوره اسلامیست که از بركات اشعه حضرت خاتم الانبیاء و المومنین صلی الله علیه و آله
 جامع علوم و فیر و ضیالی بریمه و حدیث ملائیکه سینه و راقی بر بركات رفیعیه از معلم
 آثار نبویه بصیرت نه چنانچه از تتبع مباحی مستفیده از حوال آنها معلوم و مشهود میگردد در عصری
 از اعصار بقدر براتہ المتعارف سلسله برکت از صاحبان علوم شاره ایهم منظم و منسک در جنتین
 مظاہر امام و حضرت اصدت علیت عظمت بصیرت و خلابه بوجوه الیوم الیوم الیوم الیوم الیوم
 در این اعصار هم بقیة السلف از آنجا در مقام عدیمه حاضر و موجود میباشند و مستفید
 از لایمانان از بركات علوم آنان مستفید و مستفیض بصیرت و خلابه بوجوه آله و آله و سلمه آنها می که
 نعم تکلیف از جمله علوم سابقین باشد سیماد علم شریف اعداد که از علوم خفیه سابقین است
 و نتایج عمیقیه نافعه شرعیة از آن استغفار شود برای امش چنانچه خاتم کلمه و المحققین مسرودا و طبیب
 در کتاب جذوات اشاره فرموده عالیجناب قزوینی القاب السید القاسمی و القاسمی و القاسمی القاسمی
 مقامات رفیعیه از علم و علم مولانا السید ابوالحسن الموسوی المشهدی آقا و آله که ترویج الایمان
 که انچه الانصاف مورد توجه علماء اعلام و علم شریف خود را صرف در انصاف برانست رفیعیه علم
 فرموده و اوقات عزیز ایشان مقسوم در اصلاح معام از شکلات ابرامان و از جمله آثار بریمه
 این سید میر که مصدق مرانیه سایه ایشانست این لوح منظم بر شد که مزایا و خواص سیرت از ان
 بین زمین است سزاوار است مردم طبقات قدر دانی نعمت و جویبش نرا نموده و از بركات
 انعامت رفیعیه مشاریکه خود مستفید فرمایند فانه اهل لذت و یقین به الاقضاء فی الامور و انعام و انعمه الوفی
 لکل خیر و صلی الله علی محمد و آله و آقا و آتم علی اخوانه المؤمنین و محمد و آله



تقریظ مرحوم حقا لاسلام و المسلمین
حاج شیخ علی اکبر نهاوندی رضوان الله علیه

بسم الله الرحمن الرحیم

انکسر لک براهی و بصورت و سلمت تا سید رسد و البته المایین منزه و مسجد
 برار بعباد از اخوان زمین پوشیده مانند که خاستگاه سده الامت و الاکت
 السید سینه المصنوع صاحب الافق الکرمه و الهمم بطیفة الراقه الی مدارج العکالیات
 العمیة و العلیة و السادی لفرزق الفضل الرفیعة المویة بالما یتدبیر المرادی سید
 ابو الحسن المولوی شهیدی لازال مصرا عن الآفات و درجها نقضه اسما عات
 انما یتا یتدبیر خالق الارض و السموات بوجه حسن طریب و صفای نیت
 و جده و جهد در تحصیل علم و عمل مرود انما صفت حضرت حق عز و جبر و افق
 گردید و نتیجه زحمات خود را بیدریغ برادران ایمانی ایصال داشته و عموم
 طبقات از برکات و جود ایشان منتفع گردید بهترین خادم و گواه بر تربیت
 و درجات کمالات علمی معلوم این لوح تقدیر است که بواجب داد و در حضرت
 خاتم انبیاء علیه و آله افضل العقیة و الشان را منطبق بر آیات کریمه قرآنی نموده
 و استخراج عجیب نموده بطوریکه موجب تحیر و اباب دانش شده و بزرگی و
 عظمت این لوح شریف در انظار اهل علم کثرت و مشهور است بر آواز است که
 برداران اسلامی و ایمانی این لوح را بگانه و سید خود داشته و از ان علم
 نفایس شمرند مرود تعلیم و تحبیر فراد دهند
 و اما انما العباد العالیات و السادی لفرزق الفضل الرفیعة المویة بالما یتدبیر المرادی سید
 ابو الحسن المولوی شهیدی لازال مصرا عن الآفات و درجها نقضه اسما عات
 انما یتا یتدبیر خالق الارض و السموات بوجه حسن طریب و صفای نیت
 و جده و جهد در تحصیل علم و عمل مرود انما صفت حضرت حق عز و جبر و افق
 گردید و نتیجه زحمات خود را بیدریغ برادران ایمانی ایصال داشته و عموم
 طبقات از برکات و جود ایشان منتفع گردید بهترین خادم و گواه بر تربیت
 و درجات کمالات علمی معلوم این لوح تقدیر است که بواجب داد و در حضرت
 خاتم انبیاء علیه و آله افضل العقیة و الشان را منطبق بر آیات کریمه قرآنی نموده
 و استخراج عجیب نموده بطوریکه موجب تحیر و اباب دانش شده و بزرگی و
 عظمت این لوح شریف در انظار اهل علم کثرت و مشهور است بر آواز است که
 برداران اسلامی و ایمانی این لوح را بگانه و سید خود داشته و از ان علم
 نفایس شمرند مرود تعلیم و تحبیر فراد دهند

تقریظ مرحوم آیه الله حاج میرزا علی اکبر نوقانی رضوان الله علیه
و در حاشیه آن تقریظ آیه الله العظمی صاحب معارف حقه الهی :
میرزا مهدی اصفهانی رضوان الله تعالی علیه .

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین و خاتم النبیین ابی القاسم محمد صلی الله علیه
و آله و علی اوصیائه المرسلین. الامتد بصیرت من صلات الله علیهم جمیعین و کجمله بر ارباب بصیرت
از طبقات مسلمین در زمین مفضی و در شبستان نماز که جناب تطاب قدوة ادلی الالباب و ملاز الالباب
السید السند الفاضل و البحر البیهر العنقد بالمال صاحب الکلمات النفاذیه و المقامات الردهائیه
بالتأییدات الالهیه السیده ابی الحسن المشدی الخراسانی دامت برکات و جوده اثر تریف علی
الاصالی و الادانی سالیها عمر تریف و اذونات عزیز خود را صرف در تخصیص فضائل علیه و علیه
نموده و بتوفیقات بانی و تأییدات سبحانی گوی سبقت ر بوده و فلیشکر الله جل جلاله علی ما فیهم
من انحاء الفضائل و اعطاه من اقسام الفواضل و چون جناب سظم له مرجع حاجات مردم
ابر اسلام و ایمان میباشند و جمیع طبقات خلق از توفیقات و برکات ایشان بهره و درند
لهذا سر اذاریت از باب ادا و شکر نعمت قدر دانی از چنین نعمتی نمایند که تمام حیات
در زندگانی خود را صرف در رفع حوائج و دستگیری از بنده گمان خدا نموده و بالکل استغناء
طبیع و ابایی نفس در عمل مشکلات خلق طلبا لرضوات الخالق اقدام فرموده و جزاء الله عن الاسلام
و ابد خیر الجزاء یکی از رشوات فضائل این سید جلیل و فضل نبیل ما فینا این لوح است که در حوائج
و مناقب حضرت خاتم الانبیاء و سید المرسلین صلی الله علیه و آله بطرز خاص و سهولت مخصوص
استخرج از آیات کریمه قرآن که انکار در آن سنجیده و سرگردان است موفقی و موفیه گردیده
جای برادران تجمید و تحسین است و بر کافه ابر اسلام و طایفه اهل ایمان برادر است که
این لوح تقدس از بزرگترین و سید برکت و حفظ خود قرار دهند و در قضاء حاجات
و کشف جهات خود متوجه باشند حضرت گردن صولات الله علیه و آله الطاهرین کتبنا لافخر علیکم که از انجا

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین و خاتم النبیین ابی القاسم محمد صلی الله علیه و آله و علی اوصیائه المرسلین. الامتد بصیرت من صلات الله علیهم جمیعین و کجمله بر ارباب بصیرت از طبقات مسلمین در زمین مفضی و در شبستان نماز که جناب تطاب قدوة ادلی الالباب و ملاز الالباب السید السند الفاضل و البحر البیهر العنقد بالمال صاحب الکلمات النفاذیه و المقامات الردهائیه بالتأییدات الالهیه السیده ابی الحسن المشدی الخراسانی دامت برکات و جوده اثر تریف علی الاصالی و الادانی سالیها عمر تریف و اذونات عزیز خود را صرف در تخصیص فضائل علیه و علیه نموده و بتوفیقات بانی و تأییدات سبحانی گوی سبقت ر بوده و فلیشکر الله جل جلاله علی ما فیهم من انحاء الفضائل و اعطاه من اقسام الفواضل و چون جناب سظم له مرجع حاجات مردم ابر اسلام و ایمان میباشند و جمیع طبقات خلق از توفیقات و برکات ایشان بهره و درند لهذا سر اذاریت از باب ادا و شکر نعمت قدر دانی از چنین نعمتی نمایند که تمام حیات در زندگانی خود را صرف در رفع حوائج و دستگیری از بنده گمان خدا نموده و بالکل استغناء طبیع و ابایی نفس در عمل مشکلات خلق طلبا لرضوات الخالق اقدام فرموده و جزاء الله عن الاسلام و ابد خیر الجزاء یکی از رشوات فضائل این سید جلیل و فضل نبیل ما فینا این لوح است که در حوائج و مناقب حضرت خاتم الانبیاء و سید المرسلین صلی الله علیه و آله بطرز خاص و سهولت مخصوص استخرج از آیات کریمه قرآن که انکار در آن سنجیده و سرگردان است موفقی و موفیه گردیده جای برادران تجمید و تحسین است و بر کافه ابر اسلام و طایفه اهل ایمان برادر است که این لوح تقدس از بزرگترین و سید برکت و حفظ خود قرار دهند و در قضاء حاجات و کشف جهات خود متوجه باشند حضرت گردن صولات الله علیه و آله الطاهرین کتبنا لافخر علیکم که از انجا



تقریظ مرحوم آية الله

سید صدرالدین قمی رضوان الله تعالی علیه .

بسمه تعالی

بگردن رب العالمین و اکسوة و اسلام مع خیر خلقه سیدنا و نبینا محمد و آل طیبین علیهم السلام
 و بعد مخفی نماید که این لوح تقدیر را که جناب تنطاب قدس القاب سید علی هدایت صاحب
 الکلامت بنفایت و بلوغت با تالیفات الهامیه سید امینی و مکتب اصفهانی
 آسید ابو الحسن حافظیان معروف بشهدی ادا هم به بقا در مدراج حضرت راست
 پناهی صلوات بر سر سلسله علیه تنظیم فرود آمدن رحمت بسیاری در این راه کشیده و
 بهنمای فرادین دیده اند و بسته میسرین لغت عالی از توجهات خیریه نموده اند و چون
 خیر بجزاء دید است که حضرت صغر مرتضی سلی هدیه و به دستم یادداشت نما
 پنجاه که سر لوله است رحمت فرماید و این جناب شاد به این جناب را از رعایت
 غیر فراموش نخواهند نمود اسلام علیه و رحمت بر و بر کانه و کان ذلک فی سادس در شهر
 ذی الحجه الحرام فی سنه اربع و ثمان و ثمان و ستمین من الهجرة النبویه مع صاحبها
 لاف ائسنا و انجیه سید صدرالدین



محل مهر حکومت نظام
نظام الملک آصف جاه
حیدرآباد دکن

عضو فرهنگ و رئیس دانشگاه عثمانیه
۷ سپتامبر ۱۹۴۴

آقا سید ابوالحسن مشهدی شخصی است که در رشته خودش نهایت مهارت و هوش و استعداد را دارا میباشد یکی از کارهای خارق العاده و عالی که او انجام میدهد این است که جداول معجز آمیزی ترسیم مینماید که این جداول به جدول های کوچکتری تقسیم میشود و از کلمات عربی میان آنها پر کرده است همانطوریکه معروف است و همه بخوبی میدانند حروف زبان عرب ارزشهای عددی معین و مشخصی دارند ترتیب این مربع ها و جداول طوری است که هرگاه ارزشهای عددی کلمات مربعهای کوچکتر بطور عمودی یا افقی یا مورب از هر طرف با هم جمع شوند جمع همه آنها همان یک رقم را تشکیل میدهد مهارت و استادی دیگری که در این جداول بکار رفته است این است که هیچ کلمه‌ای در هیچ مربعی تکرار نشده و تمام کلمات با موضوع منتخب مطابقت داشته و با آن تطبیق مینماید مثلاً " با صفات یک شخص یا با آیه از آیات قرآن مقدس . سایر نقاط و رموز عمیق و بسیار عالی این جداول از حد شمار ، افزون و از قوه بیان و توصیف خارج است و بطور اجمال باید بگویم من هرگز این همه مهارت و کاردانی و استادی چه از لحاظ حساب اعداد و چه از لحاظ ادبی در هیچ شکل دیگری جز این شکل ندیده‌ام . مطالعه هر یک از این جداول و درک مهارت خارق العاده و پشت کار و شکیبائی و حوصله که برای تهیه این بکار رفته است خواننده را بشگفت می‌آورد و به وی قدرت روحی و روانی خاصی می‌بخشد .

نواب - مهدی یار جنگ
عضو فرهنگ و رئیس دانشگاه عثمانیه



EDUCATION MEMBER, and
Pro-Chancellor,
Osmania University,

7th September 1944.

Aga Syed Abul Hasan of Meshhed is a person of great skill and ingenuity in his own line. One of the wonderful things he does is to draw up magical squares which are sub-divided into smaller ones, each one of the latter being filled up with an Arabic word. As is well known, Arabic letters have certain fixed numerical values. The arrangement in the square is such that the numerical values of the words in the smaller squares, when added up in any direction, whether vertically, horizontally or diagonally, come to the same figure. Another ingenuity in this is that no word in the square is repeated twice, and all words are appropriate to the subject chosen, for example the qualities of some personage, or a text from the Holy Quran. The squares have other wonderful properties too numerous to relate. Briefly, I have never before seen so much arithmetical and literary ingenuity displayed in this form. It is an intellectual treat to study one of these squares and to realise the wonderful skill, labour and patience that must have been bestowed on it.

Education Member and
Pro-Chancellor,
Osmania University.

جامعه ملیه اسلامیه
جامعه نگر - دهلی
مورخه ۲۶ اکتبر ۱۹۴۴

از موقعیکه فیثاغورث خاصیت معجزآمیز اعداد را پایه فلسفه خود قرار داد صفت مرموز اعداد همچنان بصورت یک عنصر آشکار یا پنهان ایمان و عقیده بشر باقی مانده است . در دوران قرون وسطی تهیه جداول معجزانگیز چهار گوش و سایر طلسم ها و افسونهای اعداد قوه ابتکار و قریحه اختراع فلاسفه و اهل تصوف را بخود مشغول داشته و بصورت یک هنر دقیق درآمده است . در عصر حاضر این هنر تقریبا " در جهان ما از بین رفته و نابود شده است صدها طلسم و افسون قدیمی که شناخته شده اند بکار برده میشوند اما فقط افراد قلیل و اشخاص انگشت شماری میتوانند نمونه های جدیدی تهیه و طرح نمایند بنابراین من بسیار تحت تاثیر تبحر و تسلط شگفت انگیز این هنر نادر که آقای ابوالحسن مهدی دارای آن میباشند واقع گشتم و نیز نمونه ها و جداولی که ایشان در نهایت پیچیدگی و غایت زحمت تهیه و ابداع کرده اند مرا تحت تاثیر بسیار قرار داد . علاوه بر این خواص سحرآمیز این جداول نمونه شگفت انگیزی از مهارت ، حوصله و کوشش انسانی است . از همه اینها گذشته شخصیت آقای ابوالحسن که " آمیزه ای " از صفات یک درویش و یک متبحر صاحب فن است خود نوعی اسرارآمیز است که بمعنای واقعی کلمه سحرآمیز بنظر میرسد .

دکتر - ذاکر حسین
ام - ا - پی - ایچ - دی
شیخ الجامعه (رئیس دانشگاه)

Telegrams :— JAMIA
 Telephone :— 3570



JAMIA MILLIA ISLAMIA

JAMIA NAGAR, DELHI

Ref No.

Date—26th October 1944.

Ever since Pythagoras made the magical property of numbers the basis of his philosophy the mystic quality of numbers has remained an avowed or sub-conscious ingredient of human belief. During the Middle Ages the preparing of Magic squares and other numerical charms engaged the inventive genius of mystics and philosophers and grew into an elaborate art. In the present age this art has almost been lost to the world. Hundreds of old charms are known and used but few persons can design new patterns. I was, therefore, greatly impressed by the amazing mastery of this rare art which Agha Abul Hasan of Meshed possesses and by the most intricate and elaborate new patterns which he has invented. Apart from the properties which are claimed for them as charms they are wonderful specimens of human skill, inventiveness, diligence and patience. Besides, the personality of Agha Abul Hasan, a happy blend of the dervish and the artist possesses a charm which is itself magical in the best sense of the word.

Zak Husain
 M.A., Ph.D.,
 SHEIKH-UL-JAMIA.

نخست وزیر اسبق دکن
 ووزیر سابق کشور هندوستان
 و رئیس کنونی دانشگاه علیگده .
 حافظ قرآن دکتر احمد سعیدخان
 حیدرآباد - دکن
 سیزدهم جولای ۱۹۴۵

سید ابوالحسن مشهدی را از مدت‌ها قبل به عنوان شخصیت ممتازی می‌شناختم که به علم اعداد و حروف علاقه‌مند می‌باشد . اما نمی‌توانستم - چنانکه باید و شاید - ارزشیابی دقیق و صحیحی دربارهٔ اهمیت کارهای گرانقدرش در این زمینه داشته‌باشم ، و به مقام معنوی وی آنطور که شایسته است پی ببرم . تا زمانی که توانستم تماس نزدیکی با ایشان پیدا کنم و شخصا " برخی از کارهایش را از نزدیک ملاحظه کنم .

آقای مشهدی بعضی دیاگرامها و نمودارهایی با ارزش عددی خاصی از حروف الفبائی اجد با نظم و ترتیب معینی تهیه کرده‌است ، بطوری که هر یک از اسما و القاب و عناوین معادل اعدادی است که هر کدام با دیگر القاب مندرج در لوح برابری می‌کند . بهمین طریق آیات قرآنی و ابیاتی از اشعار را برگزیده است که آنها نیز با مربعات و نمودارهای کوچکتر مساوی است و از تمام مربعهای کوچکتر و آیات و اشعار نیز که در مربعهای بزرگتری است و این نمودارها بر آنها منتهی می‌باشد ارقام و اعداد معادلی به دست می‌آید .

جنبه اعجاز آمیز و جذابیت خاص این لوح بر این حقیقت استوار است که از هر جهت و از هر گوشه که این مربعات و نمودارها را محاسبه کند جمع آنها عدد یکسانی را به دست می‌دهد . ارزش رمزی و روحی این اعداد و نمودارها هر چه باشد مهم اینست که کار این لوح در حقیقت ابداع آمیز و اصیل و مبتکرانه است و به یقین نتیجهٔ مقدار زیادی کار و کوشش و صبورشکبائی تهیه کننده آن می‌باشد .

من هرگز نظیر آنرا ندیده‌ام و بی اندازه برای آن ارزش و اهمیت قائل می‌باشم .

احمد سعیدخان

وزیر سابق دادگستری - پاکستان

ا - ک بروہی

کراچی ۱۶ / اپریل ۱۹۵۷ - م

ملاحظہ و مطالعہ لوحی را کہ ہوسہ آقای (حافظیان) مشہدی تہیہ گردیدہ و آن را (لوح محفوظ) نامیدہ اند ، برای اینجانب تجربہای ارزندہ و قابل ملاحظہ بودہ است . کسی کہ بہ فن محاسبات ابجدی آشنا است نیک می داند کہ ہر یک از حروف ابجد در زبانہای شرقی معادل با اعداد خاصی است . ہر مطالعہ کنندہ اگر در لوحی کہ ہوسیلہ آقای مشہدی تہیہ شدہ ملاحظہ و دقت کند بہ لوحی کہ گنچینہ خرد می توان نامید بی می برد ، و با تمام وجود این حقیقت را تصدیق می کند کہ تا چہ حد مبدع این لوح بذل جہد فرمودہ و در راہ تہیہ آن چہ کوشش و مجاہدہای بہ کار بردہ است .

ملاحظہ کنندہ این لوح - پس از دقت کافی - بہ این امر تسلیم خواہد شد کہ نہایت احترام و بزرگداشت و حق شناسی خود را نسبت بہ شخصیت پیغمبر مکرم (ص) ابراز دارد . در این لوح آیاتی از قرآن مجید استخراج گردیدہ کہ ہمہ در شأن رسول اکرم (ص) است و نیز اشعاری از بزرگترین شاعر جہان سعدی کہ در شأن پیغمبر (ص) برگزیدہ شدہ ، آمودہ است کہ با مہارت خاصی مبدع لوح از لحاظ اعداد ابجد با آیات برابری می کند بطوری کہ حساب ابجدی تمام آیات منتخب با اشعار برگزیدہ از لحاظ ارزش عددی یکسان است . این چنین محاسبات و معادلات دقیق حروف ابجد و اعداد مخصوص آنها را باید ناشی از قدرت نبوغ و سعادت و اقبال تہیہ کنندہ آن دانست .

بہمین جہت است کہ احترامات ویژه خود را آمیختہ با تحسین قلبی بہ حضور ابداع کنندہ لوح تقدیم می کنم و برای کاری کہ انجام دادہ اند حق شناسی و ارزش مخصوص قائل می باشم . نکتہ دیگری کہ در این لوح بہ کار رفتہ است و موجب شگفت و تحسین ہر مطالعہ کنندہای می شود اینست کہ تمام صفات و القاب و نامہائی کہ برای پیغمبر اکرم (ص) انتخاب شدہ (کہ در عین اختلاف آنها از جہت کلمہ) در ۶۲۵ مربع است کہ ہمہ از لحاظ عدد برابر می باشد . و عجیب تر اینکه تمام این اسماء و صفات و القاب علاوہ بر برابری با ہمدیگر ، از جہت محاسبات ابجدی حروف نیز مساوی می باشد و از ہر جہتی کہ این مربعات را در نظر بگیریم (خواہ عمودی ، خواہ افقی ، و یا مورب) باز ہم جمع اعداد ابجدی حروف معادل است با عدد ۱۱۸۲۶ و این امر اعجاز انگیز کہ خوانندہ را بہ تحسین و شگفت وامی دارد ، نشانہ قدرت کار و فعالیت مغزی و نیروی فکری تہیہ کنندہ آن لوح است کہ با دقت و مراقبت ویژه ای فراہم شدہ و بہ پیشگاہ مقدس رسول اکرم (ص) تقدیم گردیدہ است .

تصور می کنم جہان اسلام باید در باب شناخت فردی کہ این ہمہ کار و کوشش کردہ و چنین لوحی را با قدرت نبوغ خود تہیہ نمودہ است معرفت کاملی پیدا نماید و بخصوص دربارہ صفات و القاب و عناوینی کہ مربوط بہ رسول خدا (ص) می شود و خواص معجزہ آسای این القاب و عناوین بیشتر توجہ نماید و بہ رمز و راز این کار مہم کہ بی شک از اعداد های غیبی و عنایت رسول گرامی سرچشمہ می گیرد ، توجہ خاص مبذول دارد .

اللہ بخش . ک . بروہی

A. K. Brohi

Phone: 40464, 40463
 Masumah Terrace
 76, Islamabad
 Karachi-5.

16th April, 1957.

It has been ^{*}remarkable experience for me to study the Chart prepared by Mashadi Sahib, which he has called "Loh-i-Mahfooz". Anyone who is familiar with the technique of working out by the science of Abjad arithmetical equivalent sums for the words and letters in oriental languages would find in the Chart prepared by Mashadi Sahib store-house of wisdom, to say nothing of the fact that the whole effort on his part to produce this Chart represents an attitude of reverence and devotion to the personality of our Prophet. To have thought of singling out appropriate verses from Quran and coordinating them with equally apt verses from one of the greatest Persian poet of all-times, Saadi, in such an ingenious way that the Abjad computation of their arithmetical values should turn out to be same, must be attributed to a remarkable stroke of genius and good luck, and for this he deserves our compliments and his labours merit a deep debt of gratitude. The further device of having accommodated in a Chart comprising of as many as 625 squares the attributes, appellations, titles and names of the Prophet in such a way that the arithmetical equivalent of the words used therein no matter from what direction the Chart is approached, (whether vertically, horizontally or diagonally) give us the same numerical result, that is 11826, must have involved expenditure of an enormous amount of labour, careful planning and sagacity on the part of the author of the Chart. I think the Muslim World ought to know more about the man who has for all time to come presented a statement in terms of the science of Abjad the miraculous properties of the names, attributes and appellations of the Messenger of God (on whom may be peace).

Allah Baksh K. Brohi

(ALLAH BAKSH K. BROHI)

دانشگاه کراچی

رئیس دانشگاه دکتر اشتیاق حسین قرشی

۲۰ ژانویه ۱۹۶۴

آقای سید ابوالحسن حافظیان این نقش را با هنرمندی مرتب کرده است که چون من دیدم
میبهوت شدم بسیار مناسب است که اسم آن را " لوح محفوظ " گذاشته است .
از این نقش ظاهر می شود که در نظام اجد و الفاظ مطابق آن و جمله هائی که با اعداد
برابر است از نظر کمال در حدی است که در این زمان مانند او را پیدا نمودن دشوار است .
به علت عشق و علاقه خاص مولف به پیامبر مکرم (ص) این نقش که سراسر نعت و ستایش
بارگاه رسالت می باشد نمایانگر آن عشق و علاقه گردیده و صورت ترکیب به خود گرفته است .
بدون تردید می توان گفت که اگر او را محبت رسول اکرم (ص) تایید نمی کرد با وجود
دشواری که در ترکیب این نقش هست ، تشکیل آن دشوار بلکه ممتنع بود .
بیانات و توضیحاتی که آقای غلامحسین تهاور درباره مدع نقش و مهارتهائی که به کار
برده ، آورده است مرا از شرح آن بی نیاز می کند .
از توضیحات نامبرده معلوم می شود که مولف در ساختن این نقش حیرت انگیز چه مهارتهائی
را که توام با موفقیت بوده از خود نشان داده است .
منظور من از این تحریر فقط اینست که خدمت مصنف اظهار تشکر کنم و مراتب حق شناسی خود را ابراز
نمایم . او چنان نقشی تصنیف کرده است که صاحب نظران قدر آنرا خواهند دانست .
کاملاً یقین دارم هر شخصی که ارزش این هنر را تشخیص دهد به تحسین این نقش زبان
خواهد گشود . کسانی که مانند من از نظر محبت رسول اکرم (ص) با مصنف هم عقیده باشند از
مشاهده این نقش روح آنان شادمان خواهد شد و آنرا منبع الهامی برای اندیشه های خویش خواهند
دانست .

اشتیاق حسین قرشی

رئیس دانشگاه

Vice-Chancellor



University of Karachi.
Karachi.

Dated: 20 January, 1964.

I have been overwhelmed by the skill with which Aqai Saiyid Abul Hasan Hafizian has prepared the chart which he has aptly named Lah-i-Mahfuz. He is obviously so at home in working out the numerical value of words and sentences in accordance with the recognized scales of abjad common to Islamic languages written in the Arabic script that it would be difficult today to find his compeer. Even with his skill, I believe, he would have found the task of preparing the chart too taxing, if he had not been sustained by his love for the Prophet in whose praise the chart has been composed. It is not necessary for me in view of the elaborate explanations given by Mr. Ghulam Hussain Thaver to point out the various skilful objectives achieved by the author in his wonderful composition, all these work up to an amazing success in a difficult and time consuming art. I can only express my gratitude to the author for producing a work which the discriminating would find of absorbing interest. I feel quite certain that any one who has an appreciation of skill will be filled with admiration. Those who, like me, share with him reverence and love for the Prophet will find it a source of inspiration and uplifting joy.

I. H. Qureshi

(I. H. Qureshi)
VICE-CHANCELLOR

معاون دانشگاه پنجاب

حمید احمد خان

لاهور - سینت هال

۱۹۶۶ مئی ۲۳

سید ابوالحسن حافظیان مشہدی ، این جدولہای مقدس با عظمت و بہت علم عرفانی را کہ بر مردم جہان امروز پوشیدہ بود بازیافتہ است . عقیدہ پیشینیان نسبت بہ قدرت ذاتی اعداد کہ در حقیقت عقیدہ بہ قدرت نامرئی عالم روحانیت است ثابت ہودہ است . از زمان فینیقیان و عبرانیان پیوستہ اعداد و حروف ہجای یکدیگر در عالم روحانیت و مادیت مورد استفادہ ہودہ است . در اوائل کہ کلمہ و عدد وجود داشتہ است ، انسان با دیدن سرزمین عالم گوناگون و مختلف النوع و با مطالعات نجومی و ستارگان و نظام فلکی و فضای بسیطی بہ پیچیدگی اعداد برد . اعداد را بازیجہ تخیل و افکار دانستن فکری غلط است . اعداد در اساس بیشتر مذاہب جہان دیدہ می شود مانند عقیدہ تثلیث در مسیحیت و دوگانگی در آئین زردشت و وحدانیت در اسلام . از عہد افلاطون و فیثاغورث تا زمان ویتنگستاین و وایت ہد فیلسوفان ہمیشہ روح اعداد را مانند پلی بین ذات یگانہ و انسان و ایدہ آل و حقیقت مورد استفادہ قرار دادہ اند . بنابراین با علم اعداد اثر جاویدان خود را بر صفحات ابدی زمان برجای گذاشتہ اند . با مطالعہ لوح محفوظ آقای حافظیان و کوشش برای شناخت آن و ہنگامی با مولف در راہ بر پیچ و خم و ناہمواریکہ در قلمرو کلمات و اعداد پیمودہ است عقل را سرگردان و ناتوان و تخیل را از راہ پیمائی در این وادی عاجز و ناتوان می یابیم این عمل معظم لہ نہ فقط با مہارت دقیق تنظیم اعداد و کلمات صورت گرفتہ بلکہ با عشق و علاقہ فوق العادہ نسبت بہ وجود مقدس حضرت رسول اکرم (ص) توأم ہودہ و در این رھگذر مشعل فروزانی برافروختہ است کہ تمام تاریکیہا را روشن کردہ و معنی ارتباط خالق و مخلوق بوسیلہ آنحضرت در این لوح آشکار گشتہ است .

در این کوشش و موفقیت اہمیت وجود نسبت بین کلمات حق باریتعالی و اشعار سعدی در مدح حضرت رسول اکرم (ص) کہ تا بحال پوشیدہ بود بخوبی مکشوف گردیدہ است . من تصنیفی را سراغ ندارم کہ تا این اندازہ موفقیت آمیز باشد زیرا این عالیترین کاری است کہ بہ عالی ترین وجہ انجام پذیرفتہ است .

حمید احمد خان

معاون دانشگاه پنجاب

* تقریظہای انگلیسی را دانشمند عالیقدر ، آقای احمد احمدی بیرجندی ترجمہ کردہ اند .

PHONE : 4491



VICE-CHANCELLOR

SENATE HALL, LAHORE

23 May 1966

Syed Abul Hasan Hafizian of Meshed has recaptured in his Sacred Squares the full glory of a mystic art which has been lost to the modern world. The ancient belief in the inherent power of number is in fact belief in the inherent power of the esoteric word. Ever since the Phoenicians and the Hebrews assigned a numerical value to each letter of the alphabet, number and word have been used interchangeably to express meaning on both the conceptual and the mystical planes. In the beginning was the Word — and also Number. The problem of number confronts man as soon as he looks at the variegated face of the earth or, by night, gazes into astronomical space.

It would be wrong to regard number as a mere toy of abstract thought. Number is involved in the basic conception of most religions, as witness the significance of the Trinity in Christianity, of Duality in Zoroastrianism, and of Unity in Islam. From Pythagoras and Plato to Wittgenstein and Whitehead, philosophers have used the concept of number to bridge the gulf between the One and the Many, the ideal and the real. Viewed thus, number becomes an indelible mark on the tablet of eternity.

Looking at Aghae Hafizian's Lauh-e-Mahfooz, imagination reels and reason falters in the attempt to trace the footsteps of the author as he wended his obscure way through mazes of thought, grappling with the perplexities of words and numbers. His work is a marvel wrought not only by superb manipulation of an antique mystery, but also by an over-mastering love for the Holy Prophet. It was his artistic skill and the fervour of his love for the Prophet which, fused into an incandescent flame, illumined all that was dark and revealed to him the meaning of the relationship between the human and the divine. Thus it came about that he was able to make discovery after discovery of a hitherto unknown identity between the Word of God and Sa'di's verse in praise of the Holy Prophet.

I do not know if anything like this has ever been achieved before. It is a magnificent task magnificently performed.

Hamid Ahmad Khan

(Hamid Ahmad Khan)
Vice-Chancellor

Footnotes:

1. Hujjat al-Islám, researcher, author of valuable books, Hájj Shaykh' Azízu'llah Utáridí Khabúshání (Qúchání)
2. The late Hájj Mírzá Ágá Háfeziyán (d. 1362 L/1322 S.), was one of the illustrious Seyyeds and pious men of Mashad.
3. The historical capital of Kashmir, situated on both sides of the river Jhelum, is one of the most famous and most beautiful summer resorts of the East. Dá'irat al-Ma'áref-e Fársí.

Two days a week, on Sundays and Wednesdays, he would stay at home and keep the door open. Everybody was welcome to see him in whatever condition he happened to be, sit beside him and narrate his own, his children's and his relatives' problems and seek his advice. After listening to these problems, Háfeziyán would engage himself in finding the ways and means to overcome them and without any expectation would prepare special incantations, with great care and exactitude and place them at the disposal of the visitors. If special instructions were required to be followed, he never hesitated in imparting them to these people. There were many people who benefited from these incantations and instructions'as a result of writing; either their problems were completely solved, or were reduced to the extent of being bearable. This in itself has great details but unfortunately the particulars of these beneficiaries and the cases in which they sought his help have not been recorded.

Whatever Háfeziyán knew, whatever he could do in keeping with the saying 'knowledge is power', and whatever he had learnt from great teachers by way of prayers, incantations, exercises, etc., which he had been allowed to practise, and for which he had performed strenuous ascetic exercises, and some of which were extremely important, if he found somebody in search of something and capable of handling, keeping and caring for it, he would never hesitate to impart it to him. Consequently, people received from him different things and reaped their benefits.

As far as Mr Hafeziyan was himself concerned, he was always worried about the creatures of God. He served them and whatever he was blessed with by his teachers and preceptors, he put it to the service of mankind and to the solving of their problems and difficulties. And that was what characterized entire the existence of these men of God. May God be pleased with all of them.

Mohammad Reza Hakimi.

I partook of *mann o salwá* from his table-cloth
and after filling my utensil, went away.

It may be mentioned here that the late Háfeziyán had attained to great heights in the sciences pertaining to beliefs, and facts about the world to come as well as the spiritual revelations which was the result of the strongness of his spiritual essence, the time he had spent in the company of saints and his command over the spirit and the matter and the spiritual exercises, remembrances, and the prayers in which he was perpetually engaged. He had experienced and acquired extremely important things some of which he used to narrate for his friends including myself. Besides this, I myself also observed many important things. In a period spanning over half a century, in Mashad and other cities of Iran, in India and Pakistan and in other parts of the world, a large number of people benefited from his spirituality and prayers and many of their problems were solved and great objectives were achieved. It is a pity that the details of his wonderful spiritual life and his strange states, accomplishments and the facts of his journeys and travels have not been appropriately recorded so far. Although he had left behind certain details about his life, they are too insignificant.

Be as it may, like his preceptor, Seyyed Músá Zarábadi and like his friend, Shaykh Mujtaba Qazwini Khurásání, he too was a *tafkíki*, and as far as the treading of the path of *suluk* was concerned he followed the *shari'ah* and maintained a distance from the *sulúk-i-sanná'í*. However, he had the least interest in teaching and writing and his entire time was occupied by a host of preoccupations which he had had in India and Pakistan.

He strove every nerve to serve the mankind. Whatever ascetic exercises he had performed, whatever experiences and perfections he came to possess, and whatever spiritual powers he had attained as a result of his prayers, asceticism, by turning to the spirituality of the former saints and as a result of their blessings, in all humility he had dedicated to the service of mankind and according to him, the path of proximity to God was none other than this. He worked strenuously in this regard, behaved patiently, and came across every one with a pleasant disposition.

He was preceptor in the society of the pure,
and teacher of the secrets of the country of Eternity.

When he used to be my friend,
and paid attention to my affair;

One day out of love and kindness
after a brief introduction, praise and eulogy,

(He used to utter sometimes rare things,
which nobody would do in years or months)

"Now, you should undertake a journey to Qazwin
and decorate your pure heart (still further)

And see what ocean of knowledge, erudition and perfection,
Aware of the secrets before they are laid before him,

And what a wise, magnanimous, prudent
and possessor of tranquil soul (resides there).

When I reached in his presence
I was amazed to see that angel-like man.

In fact, he was a prototype of an Emám
Now he was prostrating, now bowing and now standing.

I cannot describe his knowledge,
especially the knowledge which was hidden.

I leave the description of his state
and avoid tearing the curtain of his sayings.

people of Iran he started preparations for this purpose and after the new sepulchre wrought by the Isfahání and Mashadi craftsmen was ready, he replaced the earilier sepulcher which was moved to the Museum of the Ástán-i-Qods and the new sepulcher was uncovered on the holy day of 15th of Sha'ban 1379 Hijrí Qamarí and it made the great tomb of Emám Abúl Hasan'alí bin Músá al-Rezá still more splendourous. I remember that the late Háfeziyan was extremely delighted to have been able to perform this service to that exalted Mausoleum and used to thank God for this great favour.

Háfezian has alluded to his journey to Qazwin and calling on the late Seyyed Músá Zarábádí in his verses. The prose translation of some of these couplets is as follows:

O young man, show reverence to elders
and subdue your commanding soul.

Always be ready to serve,
and thank God if they accept you

Shaykh Mujtaba, that scholar and teacher,
that spiritual and righteous man,

Knower of the secrets of the faith,
and versed in the niceties of the Quran

In the neighbourhood of Emám Rezá and owing to the latter's secret
attention
was blessed with the wisdom of that Emam.

He excelled in spiritual sciences.
and Greek customs and ceremonies.

His soul was attentive to pure facts; and
his head was bowed before the knowledge of Emám Sádegh.

he had attained hitherto was probably nothing more than a prerequisite for getting to the company of that illustrious scholar. This was followed by complete progress and Háfeziyán was blessed with revelations and spiritual enlightenment, and his power of concentration became stronger and its effects became apparent to all and sundry. Henceforth he visited Qazwín once every year.

In 1351 Hijrî Qamarî, he undertook a journey to India and stayed away from Iran for ten years and six months. He travelled to every nook and corner of India, visited the Indian ascetics in their holy cities, such as Hardawár, located on the bank of the Ganges, which is regarded holy by the Hindus, took a bath in the Ganges at Hardawar and said his prayers in the Hindu Temple, with his back towards the Idol and face towards the *Qiblah*. After the prayers, he recited the Holy Quran in Arabic accent in a loud voice and it was listened to by a large number of ascetics who could not help being influenced by it...

At Srinagar³, in Kashmir, Háfeziyán built a small mosque in the Gúrú Bázár locality which was badly needed by the local Shi'ah community. On the skirts of the Terál Hills of Kashmir there were several mounds and localities the residents of which were not familiar with the direction of the *Qiblah*. He built a square stony minaret on the hill of Súfípúra which helps to identify the direction of the *Qiblah* from everywhere. The minaret bears the inscription: "Perform two genuflexions and ask God for the fulfilment of your need." Presently, the people of the area, irrespective of Sunní or Shi'ah, whoever has any desire, goes to that place and prays to God. This place is now known as *Astanah*. Every year on the night of the 15th of Sha'ban, lighting arrangements are made there which can be seen from long after. *lauh-i-Mahfouz* which is one of the academic wonders was also compiled by him in the same land.

It may be mentioned here that the holy sepulchre of Emám Rezá which now stands on his angelic tomb is also one of the mementoes of the late Háfeziyán. Some 40 years ago the idea of replacing the previous sepulchre which had become old struck him and then with the aid of the Pakistani devotees of Emam Rezá and the financial assistance of the Ástán-i-Qods-i-Razavi and the

known for the efficacy of his prayers. His *oeuvres* include the *Lauh-i-Mahfouz*, a commentary thereon, and another *Lauh* called *Junnat al-Asmá*, which, it is hard to imagine could have been written earlier by anyone else with such exactitude, perfection and elegance. The academic niceties and spiritual characteristics of these Tablets (*alwáh*) deserve to be discussed at an appropriate place.

In deference to the wishes of a friend¹, the late Hafeziyan, himself had written an autobiographical note in a simple and sincere style, a part of it, with some minor changes, is reproduced below:

Seyyed Abú'l Hasan Háfezián was born at Mashhad in 1332 Hijri Qamari. Before attaining the age of majority he busied himself in learning the fundamentals of grammar, syntax, mathematics, medicine, astrology, astronomy, jurisprudence and ethics in the presence of different teachers. By seeing the practices of his father² he developed a strong passion for ascetic exercises and on the request of his father, Hájj Shaykh Hasan'alí Isfahání - May his grave be fragrant - accepted him into his discipleship for the performance of ascetic exercises. Thereafter, he spent his days in the acquisition of knowledge in the Madrasa-i-Mírzá Ja'far, situated in the easterly side of the Sahn-i-'Atiq-i-Razaví (Sahn-i-Engheláb), and, nights in his cell in the upper storey of the Sahn-i-'Atiq, located next to the Aiwán-i-'Abbásí, opposite to the Holy Mausoleum, in prayers and ascetic exercises. Gradually he attained great fame among all categories of people and they began to benefit from his attainments and spiritual blessings.

He also spent some time in the company of Hájj Shaykh Mazhar Husayn, of India, who towards the twilight of his life (in Mashad) had chosen as his abode the cells located above the *Ab Anbár* in the southerly direction of the Sahn-i-Now (presently known as Sahn-i-Ázadí) and used to spend him time in spiritual exercises enjoined by the *Shari'ah* ...

In 1347, Hájj Háfezián undertook a journey to Qazwin in the company of that great man, Hájj Shaykh Muhtabá Mudarris Qazwiní - May his grave be fragrant - with the object of calling upon the great teacher and august Seyyed, Hazrat Seyyed Músa Zarábádí - May he rest in peace. Whatever

Introduction

The late Hajj Seyyed Abu'l Hasan Hafeziyán, of Mashad, was a distinguished and rare personality of our age. Born in a pious Seyyed family of Mashhad, he started his education with Literature, Mathematics, Traditional Medicine, Astrology, Astronomy, Jurisprudence and Ethics, but soon his attention was diverted to ascetic exercises and to the acquisition of esoteric sciences and in this regard he benefited from some of the great teachers of the age.

Among the persons with whom Hafezian became friendly at the Mashad Seminary one was Hajj Shaykh Mujtaba Qazwini, who by recounting the accomplishments, miracles and academic attainments of Seyyed Músá Zarábádí turned his attention to that practical scholar and accomplished teacher. Hajj Hafeziyan finally decided to travel to Qazwin in the company, and under the guidance of Shaykh Mujtabá, where he called upon Seyyed Zarábádí and learnt from him points and attained under his guidance to heights which were much more important than what he had hitherto known.

Háfeziyán was one of the great men of piety who performed his spiritual exercises in strict conformity to the injunctions of *Shari'ah*, He engaged in these exercises year after year in one of the cells located *Qiblah* - wards in the north-easterly direction of the Sahn-i-Atiq-i-Razavi which is presently known as Sahn-i-Enghelab. An established practitioner of esoteric sciences, he was

لوح محفوظ

معلومات و اوقات کے حوالے سے نبی کریم ﷺ کے بعض مدارج و مقامات کے بارے میں

ایک انوکھی علمی و معنوی پیشکش

از

استاد مسلم علوم فریبرڈ فیزیڈر عمر اخیر صاحب بصایت چینی و مقامات روحی

حضرت حاج سید ابوالحسن حافظیان مشہدی

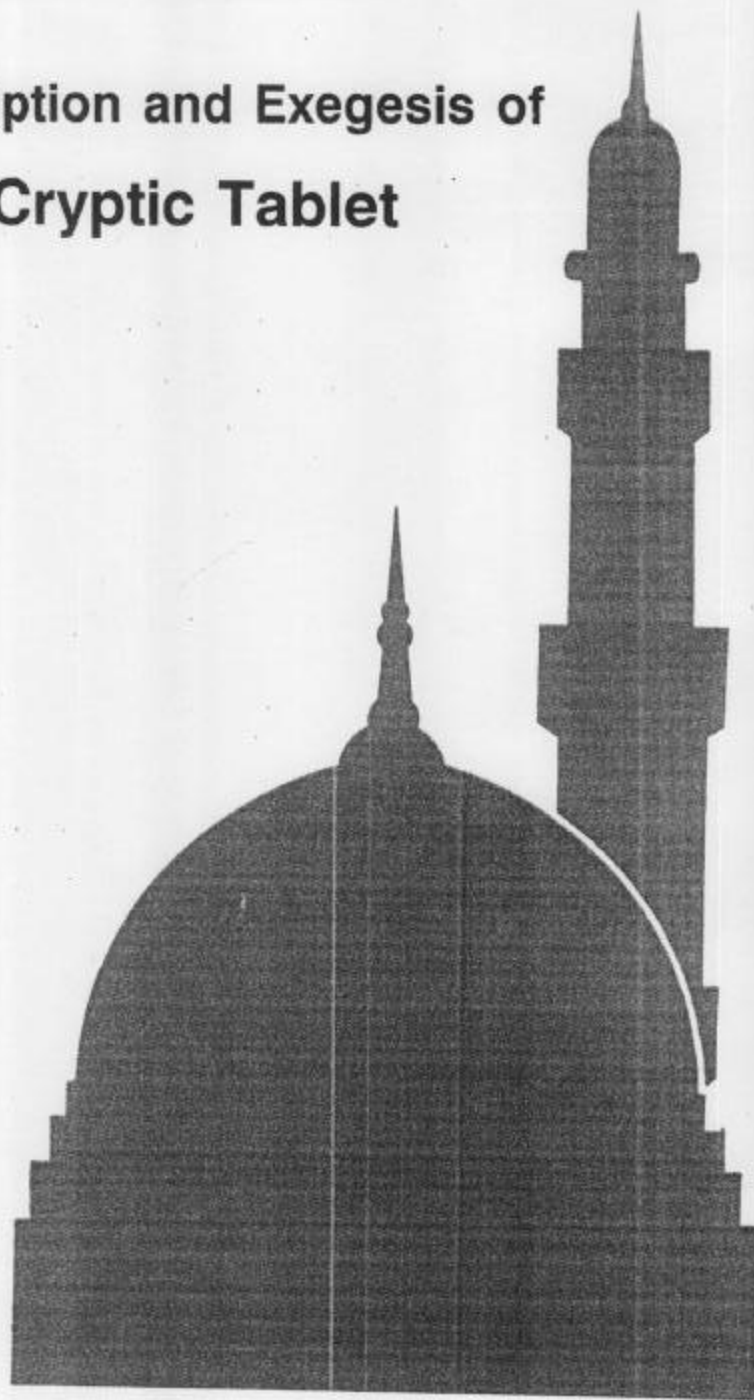
(سنوئی ۱۳۰۲ ہجری / ۱۹۸۱ عیسوی)

Description and Exegesis of Cryptic Tablet

Author:

Seyyed Abul-Hassan Hafeziyan

Description and Exegesis of Cryptic Tablet



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
سازمان چاپ و انتشارات
WWW.PPOIR.COM

۳۰۰۰ ریال

